

دوم

فصل

سازهای مورد استفاده
در موسیقی نواحی ایران

زه صداهای (کوردوفون‌ها) – سازهای زهی

هدف‌های رفتاری: پس از پایان این بخش از فراگیر انتظار می‌رود:

- ۱- تقسیم‌بندی کلی سازهای زه‌صدا را شرح دهد.
- ۲- نوع چوب به‌کار رفته در سافتار سازهای خانواده دوتار را شرح دهد.
- ۳- ویژگی‌های ظاهری و سافتاری زه‌صداها را توضیح دهد.
- ۴- تکنیک‌های اجرایی و موارد استفاده از زه‌صداها را توضیح دهد.
- ۵- کوه‌های متداول انواع دوتار، رباب، تار آذربایجانی، تنبور و تمبورک را شرح دهد.

انواع زه صداهای

سازهای زه‌صدا (کوردوفون‌ها) سازهایی هستند که صدا در آنها از طریق ارتعاش زه (سیم) ایجاد می‌شود. زه‌صداها انواع مختلفی دارند و می‌توان آنها را در یک تقسیم‌بندی کلی به دو دسته مضرابی (زخمه‌ای) و آرشه‌ای (کمانی) تقسیم کرد. زه‌صداها مضرابی به دو گروه مقیدات – سازهایی که روی وتر یا وترهای آنها انگشت‌گذاری می‌شود – و مطلقات – سازهایی که روی وتر یا وترهای آنها انگشت‌گذاری نمی‌شود – تقسیم می‌شوند. زه‌صداها مطلق نیز خود انواع مختلفی دارند. در این بخش زه‌صداها را بر اساس رایج در موسیقی نواحی ایران بررسی می‌شوند و سایر انواع زه‌صداها مضرابی مطلق، مانند سنتور و قانون که در موسیقی دستگاهی استفاده می‌شوند در فصل اول کتاب بررسی شده‌اند.

در موسیقی نواحی ایران سازهای زه‌صدا در دو گروه اصلی مضرابی (زخمه‌ای) و آرشه‌ای (کمانی) قرار می‌گیرند. در گروه زه‌صداها مضرابی به‌جز تمبیره نوبان که سازی مطلق است، سایر زه‌صداها در گروه مقیدات قرار می‌گیرند. در مورد زه‌صداها آرشه‌ای نیز باید گفت که در ایران هیچ زه‌صدای آرشه‌ای مطلق وجود ندارد و همه زه‌صداها آرشه‌ای از نوع مقید هستند (فارابی در رساله موسیقی کبیر، بدون ذکر نام، از زه‌صدای آرشه‌ای مطلق سخن گفته است).

قسمت اول: زه‌صدا‌های مضرابی (زخمه‌ای)

دوتار— خراسان، ترکمن صحرا، کتول، مازندران

دوتار که در برخی رساله‌های قدیم موسیقی ایران با عنوان تنبور یا تمبور نیز شناخته شده، از سازهای متداول در ایران قدیم است که امروزه نیز در برخی نواحی ایران متداول است. دوتار از خانواده سازهای زهی مضرابی (زخمه‌ای) مقید است که با انگشتان دست نواخته می‌شود و در رده‌بندی سازها در گروه زه‌صدا‌های مضرابی قرار می‌گیرد.

امروزه این ساز در مناطقی چون شرق و شمال خراسان، منطقه ترکمن‌نشین و کتول در استان گلستان و نیز شرق مازندران متداول است و به این ترتیب می‌توان گفت حوزه رواج دوتار، شمال شرقی ایران است. اگرچه تنبور کرمانشاهان نیز متعلق به همین گروه است، اما به خاطر بُعد مسافت نسبت به منطقه رواج دوتار (شمال شرقی ایران) و برخی ویژگی‌های دیگر، این ساز را به طور مجزا بررسی خواهیم کرد.

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری دوتار : دوتارهای متداول در نواحی مختلف ایران، با حفظ

ویژگی‌های اصلی مشترک، تفاوت‌هایی در ساختار دارند و همه دارای کاسه طنینی یکپارچه به شکل تقریباً نیمه گلابی‌اند و روی دهانه کاسه با صفحه چوبی پوشیده شده است. کاسه طنینی به دسته‌ای نسبتاً طولیل متصل است که روی آن دستان‌ها بسته می‌شوند. دوتار دو وتر و دو گوشی دارد و سیم‌گیر، خرک و شیطانک از دیگر اجزای ساختمان دوتار هستند.



دوتار شرق مازندران



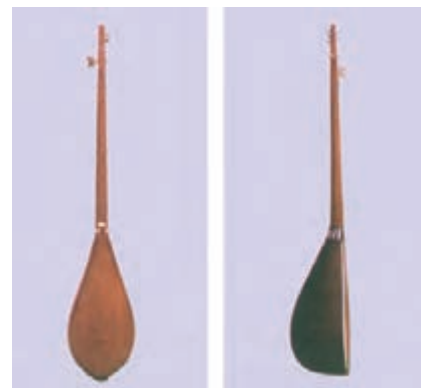
دوتار ترکمن صحرا



دوتار کتول



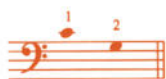
دوتار شمال خراسان



دوتار شرق خراسان

کوک دوتار: برای ثبت کوک‌های دوتار و سایر سازهایی که در این کتاب معرفی شده‌اند صدای دست‌باز و تر اول، نت «دو» فرض شده است. بدیهی است که «دو» یک صدای فرضی است و چون سازهای ایرانی غالباً براساس دیاپازون کوک نمی‌شوند، در عمل صدای واقعی، صداهای دیگری— غالباً زیرتر یا بهم‌تر از «دو» — خواهد بود. در این کتاب متداول‌ترین و عمومی‌ترین کوک‌ها ارائه می‌شوند و کوک‌های تزیینی و فرعی مورد بررسی قرار نمی‌گیرند.

متداول‌ترین کوک‌های دوتار شرق و شمال خراسان، ترکمن صحرا، کتول و شرق مازندران به صورت زیر هستند:



برای دوتار ترکمن صحرا، کتول، شرق مازندران و نیز شرق و

شمال خراسان



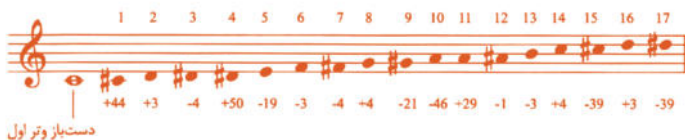
برای دوتار شرق و شمال خراسان

دستان بندی دوتار

دستان بندی دوتار در نواحی مختلف ایران از نظر تعداد و فواصل دستان ها متفاوت، و علت آن تفاوت میان محتوا و فواصل موسیقایی هر ناحیه نسبت به ناحیه دیگر است. چون نسبت های میان فواصل در موسیقی های شرقی - از جمله ایران - در محدوده نسبتاً معینی سیال و شناورند و تابع زیبایی شناسی قومی و فرهنگی و نیز زیبایی شناسی انفرادی استادان نوازنده هستند نمی توان به یک دستان بندی ثابت، مطلق و عمومی دست یافت زیرا حتی در یک ناحیه، دستان بندی هر استادی نسبت به استاد دیگر در محدوده نسبتاً معینی تفاوت دارد. در این قسمت، دستان بندی شاخص ترین استادان ارائه می شود.

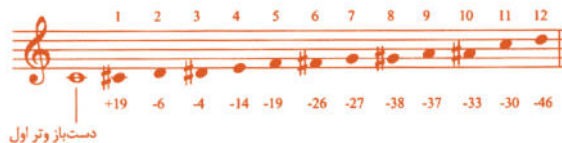
۱- شرق خراسان: دستان بندی دوتار - غلام علی پور عطایی (تربت جام)

در مورد تعداد دستان ها در دوتار شرق خراسان اختلاف نظر وجود دارد و در مجموع می توان دریافت دو نوع دستان بندی قدیم و جدید در این ناحیه متداول است. دوتار شرق خراسان در قدیم دارای ۹ دستان بوده است و مقام های اصلی موسیقی در این ناحیه با ۹ دستان اجرا می شده اند. امروز بعضی نوازندگان از دوتارهایی با ۱۳ تا ۱۷ دستان استفاده می کنند.

دستان بندی قدیم^۱

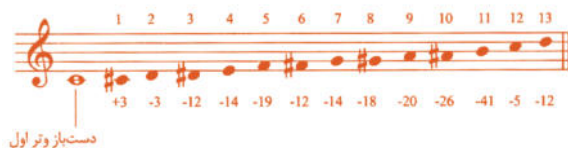
دستان بندی جدید

۲- شمال خراسان: دستان بندی دوتار - قربان سلیمانی (قوچان)

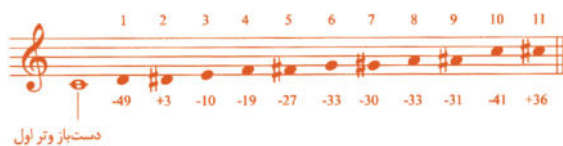


۱- عددهای بالای حامل این دستان بندی و سایر دستان بندی های ارائه شده در این کتاب نشانگر شماره دستان ها، و عددهای پایین حامل نشانگر کمتر یا بیشتر بودن صدای دستان ها در مقایسه با صداهای گام تعدیل شده غربی برحسب سنت (Cent) است. گام تامپره یا معتدل، گامی است که در آن فاصله اکتاو که معادل ۱۲۰۰ واحد به نام سنت است به ۱۲ قسمت مساوی که هر قسمت معادل ۱۰۰ سنت است تقسیم می شود.

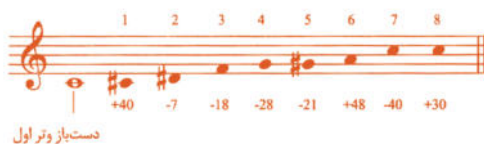
۳- منطقه ترکمنی (گلستان): دستان بندی دوتار- نظری محجوبی (گنبد قابوس)



۴- منطقه کتول (گلستان): دستان بندی دوتار- علی اصغر اصلانی کتولی (علی آباد کتول)



۵- شرق مازندران: دستان بندی دوتار- محمدرضا اسحاقی (بهشهر)



تکنیک‌های اجرایی دوتار: تکنیک‌های اجرایی دوتار در نواحی مختلف ایران یکسان نیست

و در هر ناحیه بنا به ضرورت و محتوای ریپرتوار و زیبایی شناسی منطقه تغییر می‌کند. در این قسمت شاخص‌ترین تکنیک‌های اجرایی دست‌های راست و چپ دوتار در مناطق رواج این ساز ارائه می‌شوند.

۱- شرق خراسان: تکنیک‌های اجرایی دست راست: مضرب تک (چپ و راست)،



غلامعلی پورعطایی

تکرار سریع صدای واحد (انواع ریز) و تسلسل یکنواخت شکل‌های ریتمیک - متریک مشابه (در قالب پنجه بیج، بیج حرکتی، ریز حرکتی و ...); و تکنیک‌های اجرایی دست چپ: ویراسیون طولی، ویراسیون عرضی، کندن، تکیه و گلیساندو (به‌ندرت) هستند. از انگشت شست دست چپ در دوتار شرق خراسان معمولاً در انگشت گذاری استفاده نمی‌شود.



حاج قربان سلیمانی

۲- شمال خراسان: تکنیک‌های اجرایی دست‌های راست و چپ در دوتار شمال خراسان تا حدودی مانند تکنیک‌های دوتار شرق خراسان است. در اینجا نیز مضارب‌های چپ و راست تک، تکرار سریع صدای واحد و تسلسل شکل‌های ریتمیک-متریک مشابه شاخص هستند. تفاوت عمده تکنیک اجرایی دست چپ در دوتار شمال خراسان استفاده از انگشت شست روی وتر بم است که باعث تفاوت صدادهی این ساز نسبت به دوتار شرق خراسان می‌شود.



نظری محجوبی

۳- منطقه ترکمنی (گلستان): تکنیک‌های اجرایی دوتار ترکمنی در مقایسه با سایر نمونه‌های دوتار پیچیده‌تر، سازمان یافته‌تر و تعریف شده‌تر است. مهم‌ترین تکنیک‌های اجرایی دست راست: شلیه، چیرتیم (در چند مرحله)، غثرو (در چند نوع و هر نوع در چند مرحله)، آل ساق، انواع ریز؛ و تکنیک‌های اجرای دست چپ: ناغما، ویراسیون (در انواع مختلف) و کندن هستند. انگشت شست دست چپ در نواختن دوتار ترکمنی نقشی تعیین کننده و پیچیده دارد.



علی اصغر اصلانی کنولی

۴- منطقه کتول (گلستان): تکنیک‌های اجرایی دست‌های راست و چپ در دوتار کتول تا حد زیادی متأثر از دوتار ترکمنی و در عین حال ساده شده این تکنیک هاست.



رمضان شکارچیان (ارزومون)

۵- شرق مازندران: تکنیک‌های اجرایی دست‌های

راست و چپ در دوتار شرق مازندران نیز متأثر از دوتار ترکمنی و دوتار شمال خراسان است که با برخی ویژگی‌های موسیقی این منطقه سازگار شده‌اند. این ساز بیش از آنکه ساز تک‌نواز باشد، ساز همراهی‌کنندهٔ آواز است.

موارد و نوع استفادهٔ دوتار

۱- شرق خراسان: دوتار، مهمترین ساز در همراهی

آوازهای این منطقه است و با هیچ ساز دیگری - جز در موارد خاص با دایره - همراهی نمی‌شود. دوتار شرق خراسان سازی مجلسی است و این مجالس شامل محافل اُنس، گردهم‌آیی‌های دوستانه، مجالس

شادی و آیین ذکرخوانی طریقت نقشبندیّهٔ مجددی هستند. تعدادی از مقام‌های این منطقه فقط به حلقهٔ ذکر اختصاص دارند و تعدادی دیگر در مجالس مختلف اجرا می‌شوند.

۲- شمال خراسان: دوتار شمال خراسان توسط نوازندگانی که بخشی نامیده می‌شوند نواخته

می‌شود. بخشی، نوازنده، خواننده، داستان‌گو و شاعر است. دوتار مهمترین ساز همراهی‌کنندهٔ آواز در موسیقی شمال خراسان است و با هیچ ساز دیگری همراهی نمی‌شود. دوتار شمال خراسان نیز سازی مجلسی است و مجالس عروسی و محافل و شب‌نشینی‌ها مهمترین عرصه‌های حضور این ساز هستند. بخش مهمی از رپرتوار این ساز مربوط به داستان‌ها و روایت‌هایی است که بخشی به صورت آواز یا نقل اجرا می‌کند.

۳- منطقهٔ ترکمنی (گلستان): دوتار، مهمترین ساز در مناطق ترکمن‌نشین ایران و مهم‌ترین

ساز در همراهی آوازهای این منطقه است. دوتار ترکمنی نیز توسط نوازندگانی که باغشی (بخشی) نامیده می‌شوند، نواخته می‌شود. حوزهٔ فعالیت بخشی‌های ترکمن مانند بخشی‌های شمال خراسان است. دوتار ترکمنی معمولاً با کمانچه همراهی می‌شود. این ساز نیز سازی مجلسی است و مجالس عروسی و محافل اُنس و شب‌نشینی‌ها مهمترین عرصه‌های حضور این ساز هستند. از دوتار ترکمنی در مجالس موسیقی درمانی که با عنوان پُرخوانی یا آیین ذکر برگزار می‌شود و نیز در تسکین بیماری سرخک، به ویژه در کودکان نیز استفاده می‌کنند. بخش مهمی از رپرتوار این ساز نیز مربوط به داستان‌ها و روایت‌هایی است که بخشی به صورت آواز یا نقل اجرا می‌کند.

۴- منطقهٔ کتول (گلستان): دوتار از سازهای اصلی منطقهٔ کتول در همراهی با آواز است.

دوتار کتول با هیچ ساز دیگری همراهی نمی‌شود و مجالس عروسی و شادمانی و نیز محافل اُنس و

شب نشینی‌ها مهم‌ترین عرصه‌های حضور این ساز هستند.

۵- شرق مازندران: دوتار از سازهای اصلی در همراهی با آوازهای این منطقه است.

این ساز نیز معمولاً با ساز دیگری همراهی نمی‌شود. برخی نوازندگان در مجالس عروسی گاه دوتار را با کمانچه و دایره یا تمبک می‌نوازند. مجالس عروسی و شادمانی و محافل اُنس و شب نشینی‌ها عرصه‌های اصلی حضور دوتار در این منطقه هستند.

جنس و مواد به کار رفته در ساختمان دوتار

۱- شرق خراسان

کاسه طنینی: چوب توت

صفحه: چوب توت

دسته: چوب‌های زردآلو، عنب، سرخدار

گوشی‌ها: چوب‌های زردآلو، گردو

شیطانک: شاخ قوچ، استخوان

سیم‌گیر: شاخ قوچ، استخوان، چوب، فلز

خرک: استخوان

وترها: سیم فولادی

دستان‌ها: زه، نخ نایلونی

۲- شمال خراسان

کاسه طنینی: چوب توت

صفحه: چوب توت

دسته: چوب‌های زردآلو، عنب

گوشی‌ها: چوب زردآلو، فلز

شیطانک: استخوان، شاخ، چوب‌های زردآلو، عنب

سیم‌گیر: استخوان، شاخ، چوب

خرک: چوب‌های زردآلو، عنب، شاخ آهو

وترها: سیم فولادی

دستان‌ها: زه، مفتول فلزی، نخ نایلونی

۳- منطقه ترکمنی (گلستان)

کاسه طنینی: چوب توت

صفحه : چوب توت

دسته : چوب‌های توت، زردآلو

گوشی‌ها : فلز (برنج)، چوب

شیطانک : شاخ قوچ، استخوان

سیم‌گیر : شاخ قوچ، استخوان

خرک : چوب

وترها : سیم فولادی

دستان‌ها : زه، مفتول فلزی

۴- منطقه کتول (گلستان)

کاسه طنینی : چوب توت

صفحه : چوب توت، گردو

دسته : چوب‌های سخت (افرا)

گوشی‌ها : چوب‌های سخت (افرا، زردآلو، گردو)

شیطانک : استخوان، شاخ، چوب

سیم‌گیر : شاخ، استخوان

خرک : چوب‌های گردو، توت

وترها : سیم فولادی

دستان‌ها : زه، مفتول فلزی، سیم‌های مسی رشته‌ای، نخ نایلونی

۵- شرق مازندران

کاسه طنینی : چوب توت

صفحه : چوب‌های توت، آزاد

دسته : چوب‌های گردو، آزاد، توت

گوشی‌ها : چوب‌های گردو، توت

شیطانک : چوب

سیم‌گیر : میخ فلزی، چوب، استخوان، شاخ

خرک : چوب‌های شمشاد، آزاد، توت

وترها : سیم فولادی

دستان‌ها : زه، مفتول فلزی، سیم‌های مسی رشته‌ای

تنبور - کرمانشاه و لرستان

تنبور نام باستانی سازهای مضرابی خانوادهٔ دوتار و از سازهای قدیمی ایران و ساز آیینی و مذهبی سلسلهٔ یارسان در غرب ایران است. تنبور از معدود سازهای رایج در ایران است که مقدس شمرده می‌شود. حوزهٔ اصلی رواج تنبور، استان کرمانشاه، به ویژه دو منطقهٔ گوران و صحنه و بخش‌هایی از استان لرستان است. تنبور از خانوادهٔ سازهای زهی مضرابی (زخمه‌ای) مقید است که با انگشتان دست نواخته می‌شود و در رده‌بندی سازها در گروه زه‌صداها مضرابی قرار می‌گیرد.



ویژگی‌های ظاهری و ساختاری تنبور:

دارای کاسهٔ طنینی یکپارچه یا ترکه‌ای به شکل تقریباً نیمه‌گلایی است و روی دهانهٔ کاسهٔ آن صفحهٔ چوبی قرار می‌گیرد. کاسهٔ طنینی با رابطی به نام گلویی به دسته‌ای نسبتاً طولی متصل است که دستان‌ها روی آن بسته می‌شوند. تنبور در اصل دو وتر دارد، اما از چند دههٔ گذشته آن را معمولاً با سه وتر می‌نوازند (وتر اول مضاعف شده است). به همین دلیل تنبورهای قدیمی دو وتر و دو گوشی، و تنبورهای جدید سه وتر و سه گوشی دارند.

سیم‌گیر، خرک و شیطانک از دیگر اجزای ساختمانی تنبور محسوب می‌شوند.

کوک تنبور: تنبور کوک‌های مختلفی دارد، اما شاخص‌ترین و متداول‌ترین آنها دو نمونهٔ

زیرند:



دستان‌بندی تنبور: دستان‌بندی تنبور - سیدام‌الله شاه‌ابراهیمی (صحنه)



۱- مضاعف، در این کتاب به معنای «دوتایی» است.

تکنیک‌های اجرایی تنبور: مضراب شُر، پس شُر، پیش شُر، شُر متوالی، راست با پنجه، راست با سبابه، چپ با سبابه، راست - چپ با سبابه، چپ - راست با سبابه، چپ با دو تک، ریز و دُرّاب از مهم‌ترین تکنیک‌های دست راست، و ویراسیون عرضی، ویراسیون طولی، کندن و پنجه‌کاری، از تکنیک‌های عمده دست چپ در تنبور هستند.



سیدامیرالله شاه‌ابراهیمی

موارد و نوع استفاده تنبور: مهمترین مورد استفاده تنبور، همراهی ذکرها و مقام‌های مذهبی در مجالس ذکر سلسله یارسان است. از تنبور در موقعیت‌های دیگری چون زیارتگاه‌های یارسان، مجالس سوگواری، مجالس انس و گاه مجالس شادمانی نیز استفاده می‌شود. امروزه گروه‌هایی متشکل از چند تنبور تشکیل شده‌اند و از این ساز در ترکیب با بعضی سازهای ایرانی نیز استفاده می‌شود.

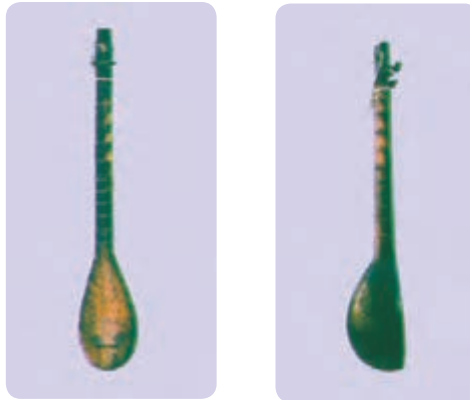
جنس و مواد به کار رفته در ساختمان تنبور:

کاسه طنینی و صفحه: چوب توت
دسته: چوب گردو، گاه چوب چنار موج یا چوب زردآلو
گلویی: چوب توت، گردو
سیم‌گیر: شاخ بزکوهی، انواع چوب
شیطانک: شاخ بزکوهی، انواع چوب‌های سخت
خرک: چوب‌های شمشاد، گردو، فوفل
گوشی‌ها: چوب‌های بید (در قدیم)، توت و گردو
وترها: ابریشم خام یا زِه (در قدیم)، سیم فولادی سفید، مس، برنج ۱۸/۰
دستان‌ها: زِه

تمبوره – تالش

تمبوره که نام و ساختمان آن ارتباطش را با تنبور به اثبات می‌رساند از سازهای منقطه تالش، در غرب استان گیلان است. این ساز نیز از خانواده سازهای زهی مضرابی (زخمه‌ای) مقید است که هم با مضراب و هم با انگشتان دست نواخته می‌شود و در رده‌بندی سازها در گروه زه‌صداها مضرابی قرار می‌گیرد.

ویژگی‌های ظاهری و ساختمانی تمبوره: تمبوره تالشی کوچکترین ساز زهی مضرابی (زخمه‌ای) در نواحی مختلف ایران است. این ساز کاسه طنینی کوچکی به شکل تقریباً نیمه‌گلایی دارد و روی دهانه کاسه آن صفحه چوبی قرار می‌گیرد. کاسه طنینی به دسته‌ای نه چندان طویل متصل است که دستان‌ها روی آن بسته می‌شوند. تمبوره ۳ یا ۴ وتر دارد و کاسه و دسته آن به صورت یکپارچه ساخته می‌شوند. گوش‌ها، سیم‌گیر، خرک، شیطانک و مضراب از دیگر اجزای ساختمانی این ساز محسوب می‌شوند.



کوک تمبوره: تمبوره تالشی به دو صورت کوک می‌شود:



برای اجرای موسیقی تالشی



برای اجرای موسیقی ترکی

دستان‌بندی تمبوره

دستان‌بندی تمبوره – صالح بیدار (روستای چرودی، دهستان آرکه – رضوانشهر)



تکنیک‌های اجرایی تمبوره: تمبوره تالشی هم با مضراب و هم با انگشت‌های دست نواخته می‌شود. مضراب راست (تک)، مضراب چپ (تک)، ریز و تکرار سریع شکل‌های ریتمیک – متریک مشابه از مهمترین تکنیک‌های دست راست هستند و کندن، پنجه‌کاری، تکیه و ویراسیون عرضی، از تکنیک‌های عمده دست چپ محسوب می‌شوند.



موارد و نوع استفاده تمبوره: تمبوره تالشی ساز همراهی کننده آوازها و مقام‌های تالشی است و معمولاً در مجالس عروسی و شادمانی و به صورت تنها نیز نواخته می‌شود. از این ساز که امروزه رو به فراموشی است در اجرای ترانه‌های تالشی همراه با دایره نیز استفاده می‌شود.

جنس و مواد به کار رفته در ساختمان تمبوره:

کاسه و دسته یکپارچه: چوب‌های نمدار، توت، افرا، بلوط

صفحه: چوب‌های گردو، توت

گوشی‌ها: چوب‌های آزاد، نمدار، افرا، بلوط

سیم‌گیر: چوب، میخ فلزی

خرک: چوب‌های گردو، توت

وترها: سیم فولادی سفید، ابریشم (در قدیم)

دستان‌ها: زه، ابریشم (در قدیم)، سیم نایلونی

مضراب: پوست درخت گیلان، شاخ

تمبورک — بلوچستان

این ساز بر خلاف نام آنکه بیانگر تمبور کوچک است، سازی است نسبتاً بزرگ که در سرتاسر بلوچستان متداول است. تمبورک نیز از خانواده سازهای زهی مضرابی (زخمه‌ای) مقید است که غالباً با انگشتان دست و به ندرت با مضراب نواخته می‌شود و در رده بندی سازها در گروه زه صداهای مضرابی قرار می‌گیرد.

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری تمبورک: تمبورک که در لفظ و لغت، خویشاوندی خود را



با تمبور (تنبور) نشان می‌دهد کاسه طینی یکپارچه بزرگی به شکل تقریباً نیمه گلابی و دسته‌ای طولی و قطور دارد و روی دهانه کاسه با صفحه چوبی پوشیده شده است. تمبورک سه وتر و سه گوشی دارد و غالباً بدون دستان است. تمبورک دارای دستان همان دمبورای پاکستان است که ۵ تا ۶ دستان دارد. سیم‌گیر، خرک و شیطانک از دیگر اجزای ساختمانی تمبورک هستند.

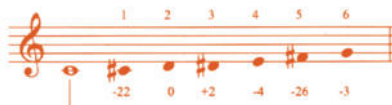
کوک تمبورک: کوک تمبورک ثابت

است زیرا این ساز، به استثنای تمبورک‌های دارای دستان، ساز ملودی نواز نیست و یک ساز همراهی کننده است. کوک تمبورک، بنا به نیاز، در سقف‌های صوتی مختلفی می‌تواند قرار گیرد:



دستان بندی تمبورک:

دستان بندی تمبورک — درویش محمدجان صاحب‌زاده (پیرآباد، سراوان)



دست‌باز و ترهای اول و دوم



لعل بخش پیک

تکنیک‌های اجرایی تمبورک: تمبورک بدون دستان با

انگشت‌های دست، و تمبورک دارای دستان با مضرابی از جنس پیش (برگ درخت نخل وحشی) نواخته می‌شوند. تکنیک‌های اجرایی تمبورک ساده‌اند و برای دست راست معمولاً شامل مضراب‌های راست و چپ با استفاده از تمام انگشت‌هاست. در تمبورک بدون دستان فقط روی وتر سوم انگشت‌گذاری می‌شود و وترهای اول و دوم به صورت دست باز استفاده می‌شوند. در تمبورک دارای دستان چهار انگشت برای انگشت‌گذاری به کار می‌روند.

موارد و نوع استفاده تمبورک: تمبورک یک ساز

همراهی‌کننده در اجرای بیشتر نمونه‌های موسیقی بلوچستان است و در این اجراها معمولاً از یک تا دو تمبورک به همراه سازهای دیگر بلوچی استفاده می‌کنند.

جنس و مواد به کار رفته در ساختمان تمبورک

کاسه طنینی: چوب‌های پَریوک، توت، آنبه

صفحه: چوب گَز و چوب‌های دیگر

دسته: چوب‌های سخت

گوشی‌ها: چوب‌های پَریوک، گَز

شیطانک: چوب‌های سخت

سیم‌گیر: چوب، میخ فلزی

خرک: چوب‌های مختلف

وترها: زِه (در قدیم)، سیم فولادی سفید

دستان‌ها: زِه (در قدیم)، سیم نایلونی

مضراب: پیش (برگ نخل وحشی)

رباب هجده تار - بلوچستان و سیستان

رباب از سازهای قدیمی ایران است که امروزه فقط در شمال بلوچستان، سیستان، افغانستان و تا حدودی پاکستان و تاجیکستان رواج دارد. رباب از خانواده سازهای زهی مضرابی (زخمه‌ای) مقید است که با مضراب نواخته می‌شود و در رده‌بندی سازها در گروه زه‌صداها مضرابی قرار می‌گیرد.

ویژگی‌های ظاهری و ساختمان رباب هجده تار: رباب هجده تار، بدنه‌ای کشیده و بلند و دسته‌ای کوتاه دارد و بخش عمده آن، یعنی کاسه طنینی دوقسمتی، دسته، سرپنجه و گاه تاج، یکپارچه



است. روی قسمت پایینی کاسه که بزرگتر است با پوست پوشانده می‌شود و روی دهانه کاسه بالایی و دسته که به هم متصل هستند صفحه چوبی قرار دارد. داخل دسته خالی و فضای داخلی آن به کاسه دو قسمتی متصل است. دو قسمت کاسه نیز از داخل به هم مربوط اند. دو گروه گوشی برای دو گروه از وترها در دو قسمت مختلف ساز نصب شده‌اند. گوشی‌های وترهای اصلی در قسمت سرپنجه و گوشی‌های وترهای فرعی (واخوان‌ها) در قسمت جانبی کاسه قرار گرفته‌اند. به

این ترتیب رباب دو گروه وتر اصلی و واخوان دارد. روی وترهای اصلی مضراب نواخته می‌شود و وترهای واخوان از ارتعاش وترهای اصلی به صدا درمی‌آیند. وترهای اصلی از روی خرک و وترهای واخوان از سوراخ‌های ایجاد شده در بدنه خرک عبور می‌کنند. روی دسته کوتاه و ضخیم رباب سه یا چهار دستان (و گاه بیشتر) بسته می‌شود، اما حدود اجرایی رباب فراتر از این دستان‌هاست. تعداد وترهای اصلی ۶ و تعداد وترهای واخوان ۱۲ تا ۱۳ عدد است.

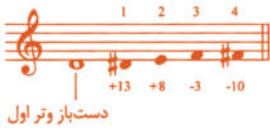
کوک رباب هجده تار

الف - کوک و ترهای اصلی



ب - کوک و ترهای فرعی (واخوان‌ها)





دستان بندی رباب هجده تار دستان بندی رباب — موسی زنگشاهی (زاهدان)



موسی زنگشاهی

تکنیک های اجرایی رباب هجده تار : بَم

بودن صدا و ساختمان رباب باعث می شود تکنیک های اجرایی آن زیاد پیچیده نباشد. مضارب های تک راست، تک چپ، ریز و دُزاب از مهمترین تکنیک های دست راست هستند و ویراسیون عرضی، ویراسیون طولی (به ندرت)، گلیساندو، کندن و پنجه کاری، از تکنیک های عمده دست چپ محسوب می شوند.

موارد و نوع استفاده رباب هجده تار: از رباب در تک نوازی و گروه نوازی استفاده

می شود. در هم نوازی، یک تا دو رباب همراه با دیگر سازهای بلوچی حضور دارند. از این ساز در موقعیت های مختلفی چون مجالس عروسی، محافل ذکر دراویش صاحبان، آیین موسیقی درمانی گواتی و ... استفاده می کنند.

جنس و مواد به کار رفته در ساختمان رباب هجده تار

کاسه طنینی دوقسمتی، دسته و سرپنجه به صورت یکپارچه : چوب توت

صفحه : چوب توت

پوست : پوست آهو

گوشی ها : چوب توت

شیطانک : چوب توت

سیم گیر : چوب های مختلف، میخ فلزی

خرک : شاخ آهو، چوب

دستان ها : زه، سیم نایلونی، نخ نسوز

وترها : وترهای اصلی شماره ۱، ۲ و ۳ سیم نایلونی نازک

وتر شماره ۴ سیم نایلونی ضخیم

وترهای شماره ۵ و ۶ سیم فولادی ۱/۸"

مضارب : شاخ آهو، پلاستیک، پیش (برگ نخل وحشی)

رباب پنج تار - بلوچستان

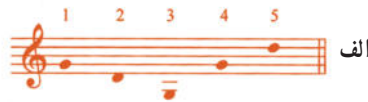
رباب پنج تار نوع خاصی از رباب است که در محافل ذکر درویش صاحبان در سراوان بلوچستان استفاده می‌شود. این ساز نیز از خانواده سازهای زهی مضرابی (زخمه‌ای) مقید است که با مضراب نواخته می‌شود و در رده بندی سازها در گروه زه صداهای مضرابی قرار می‌گیرد.



ویژگی‌های ظاهری و ساختاری رباب پنج تار:

این نوع رباب بدنه‌ای کشیده و نسبتاً بلند دارد و بخش عمده آن، یعنی کاسه طنینی، دسته، سرینجه و تاج، یکپارچه است. کاسه طنینی، یک قسمتی و روی دهانه آن با پوست پوشانده شده است. این ساز فاقد دستان است و ۵ وتر و ۵ گوشی دارد.

کوک رباب پنج تار



تکنیک‌های اجرایی رباب پنج تار: تکنیک‌های اجرایی

این رباب تا حدود زیادی مانند تکنیک‌های رباب هجده تار است. روی وترهای اول، دوم و سوم انگشت گذاری می‌کنند و از وترهای چهارم و پنجم به صورت دست باز استفاده می‌شود.

موارد و نوع استفاده رباب پنج تار:

از این ساز فقط در محافل ذکر درویش صاحبان در حومه سراوان بلوچستان استفاده می‌کنند و در واقع، سازآینی این فرقه محسوب می‌شود. رباب پنج تار همراهی کننده تک خوان در اجرای غزل خوانی و ذکرها و گروه همخوانان است.



جنس و مواد به کار رفته در ساختمان رباب پنج تار

کاسه طنینی، دسته، سرپنجه و تاج به صورت یکپارچه : چوب توت

صفحه : چوب توت

گوشی ها : چوب توت

خرک : چوب توت

پوست : پوست گوسفند

وترها : وترهای اول، چهارم و پنجم : سیم فولادی سفید ۱/۸"

وتر دوم : سیم نایلونی نازک

وتر سوم : سیم نایلونی ضخیم

مضرب : پیش (برگ نخل وحشی)

بینجو - بلوچستان

بینجو در اصل یک ساز بلوچی نیست و حدود پنجاه سال پیش از پاکستان به بلوچستان ایران مهاجرت کرده است. این ساز از خانواده سازهای زهی مضرابی (زخمه‌ای) مقید است که با مضراب نواخته می‌شود و در رده‌بندی سازها در گروه زه‌صدا‌های مضرابی قرار می‌گیرد. بینجو اگرچه یک ساز زهی مضرابی مقید است، اما انگشتان دست نوازنده با وترها و پرده‌ها تماس نمی‌یابند و این عمل با دکمه‌ها یا شستی‌ها و تیغه‌های فلزی صورت می‌گیرد.

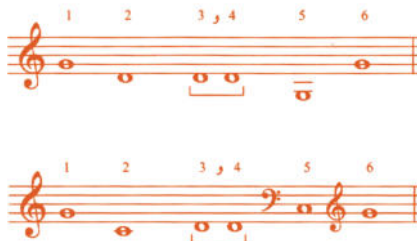
ویژگی‌های ظاهری و ساختاری بینجو: بینجو یک جعبه طنینی هندسی شکل نسبتاً کشیده و دراز، با عمق کم دارد که روی آن صفحه چوبی قرار دارد و خرک روی این صفحه نصب شده است.



این ساز ۶ وتر، ۶ گوشی و ۳ شیطانک دارد. از روی شیطانک اصلی، دو وتر اصلی بینجو یعنی وترهای سوم و چهارم عبور می‌کنند. دو شیطانک دیگر مربوط به وترهای جانبی اول و ششم است و وترهای دوم و پنجم فاقد شیطانک هستند. پرده‌های فلزی بینجو فقط با وترهای سوم و چهارم تماس می‌یابند و از بقیه وترها به صورت آزاد استفاده می‌شود. روی صفحه ساز یک چوب نسبتاً طویل به عنوان پایه برای پرده‌ها و شیطانک اصلی وجود دارد و روی این پایه که به منزله

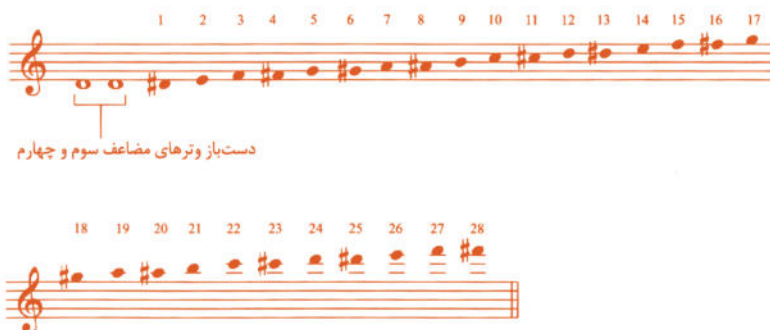
دسته بینجو است پرده‌ها به صورت تیغه‌های فلزی نازک قرار دارند. روی جعبه طنینی نیز یک حفاظ چوبی قرار دارد که دکمه‌ها یا شستی‌ها زیر آن نصب شده‌اند. برای هر پرده یک شستی وجود دارد که انگشتان دست چپ نوازنده با آنها در تماس است. وضعیت قرار گرفتن دکمه‌ها در زیر دست چپ نوازنده تقریباً مانند وضعیت کلایه‌های پیانو است.

کوک بینجو



پرده بندی بینجو: بینجو اغلب در پاکستان ساخته می شود و ظاهراً قصد سازندگان آن در نصب تیغه ها یا پرده های فلزی ثابت، ایجاد صداهای کروماتیکِ تامپره است. بررسی دقیق تر نشان می دهد به خاطر عدم دقت کافی در نصب پرده ها و یا دستکاری نوازندگان، صداهای حاصل از این ساز غالباً با فواصل گام کروماتیکِ تامپره مطابقت کامل ندارد.

پرده بندی بینجو - برکت شگل زهی (زاهدان)



دست باز وترهای مضاعف سوم و چهارم



تکنیک های اجرایی بینجو: بینجو با مضرابی از جنس پلاستیک نرم، طوری نواخته می شود که مضراب تقریباً با همه وترها در تماس است. به علت ساختمان ویژه بینجو، این ساز تکنیک های اجرایی دست راست گسترده ای ندارد. مضراب رفت، مضراب برگشت، ریز و دُرّاب از مهمترین تکنیک های دست راست در این ساز هستند. برای گرفتن دکمه ها یا شستی های بینجو از هر پنج انگشت دست چپ استفاده می شود.

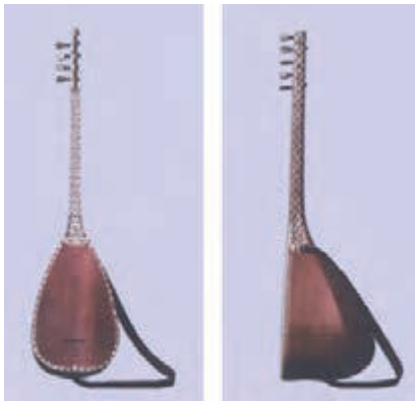
موارد و نوع استفاده بینجو: امروزه در همه مناطق بلوچستان به ویژه شهرها از بینجو در نمونه های مختلف موسیقی بلوچستان، به ویژه اجرای ترانه های شاد بلوچی (سَوَت) استفاده می شود. بینجو در گروه های اجراکننده موسیقی بلوچی در کنار سایر سازهای متداول در بلوچستان نواخته می شود.

جنس و مواد به کار رفته در ساختمان بینجو: این ساز را - همان طور که اشاره شد - معمولاً در پاکستان می سازند و در ساخت آن بیشتر از چوب های متداول در محل، مانند حدّ یا بَبُر استفاده می شود.

ساز (ساز عاشیقی – قوپوز) – آذربایجان شرقی و غربی و سایر مناطق ترک‌نشین

سازی که امروزه در دست عاشیق‌های آذربایجان دیده می‌شود «ساز» نام دارد و به ساز عاشیقی نیز معروف است. ظاهراً سازی که اوزان‌های قدیم (اجداد عاشیق‌های کنونی) می‌نواخته‌اند «قوپوز» یا «چگور» نام داشته است. تمرکز اصلی این ساز اگرچه در آذربایجان شرقی و غربی و جمهوری آذربایجان است، اما در استان‌های اردبیل، زنجان، همدان و قزوین نیز حضوری قابل توجه دارد. ساز عاشیقی از خانوادهٔ سازهای زهی مضرابی (زخمه‌ای) مقید است که با مضراب نواخته می‌شود و در رده‌بندی سازها در گروه زه‌صدا‌های مضرابی قرار می‌گیرد.

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری ساز عاشیقی: ساز عاشیقی کاسهٔ طنینی تَرکه‌ای بزرگی



به شکل تقریباً نیمه‌گلایی و دسته‌ای طولیل دارد و روی دهانهٔ کاسه با صفحهٔ چوبی پوشیده شده است. عدد ۹ در سنت موسیقی عاشیقی آذربایجان اهمیت زیادی دارد. ساز عاشیقی کاسه‌ای ۹ تَرکه، ۹ وتر، ۹ گوشی و ۹ دستان دارد. امروزه به این ترکیب‌های ۹ تایی در ساختمان ساز کمتر توجه می‌شود و تعداد دستان‌ها افزایش یافته و تعداد تَرکه‌ها به ۱۱ تا ۱۳ قطعه رسیده‌اند. تعداد وترها نیز کاهش یافته و به ۷ یا ۸ وتر رسیده‌اند. ساز عاشیقی به شکل سنتی ۹ وتر دارد که

در سه ردیف سه‌تایی در کنار هم قرار می‌گیرند. سازهای متداول در آذربایجان شرقی امروزه ۸ وتر $(3+2+3)$ و در آذربایجان غربی ۷ وتر $(3+1+3)$ دارند. به تعداد وترها در انتهای دسته گوشی وجود دارد. در سازهای قدیمی، دسته از طریق یک قسمت رابط به نام «بِجَه» یا «بَرچَک» به کاسه متصل می‌شده است. تعداد دستان‌ها در قدیم ۹ و امروزه ۱۴ تا ۱۶ عدد است. برخی تکنوازان سازهایی با ۱۹ تا ۲۲ دستان دارند. سیم‌گیر، خرک، شیطانک و مضراب از دیگر اجزای ساز عاشیقی هستند.

کوک ساز عاشیقی: ساز عاشیقی با کوک‌های مختلفی نواخته می‌شود. عاشیق‌هایی که تکنیک

نوازندگی پیشرفته‌تری دارند و نیز تکنوازاها از کوک‌های متنوع استفاده می‌کنند، اما متداول‌ترین، ساده‌ترین و عمومی‌ترین کوکی که بیشتر عاشیق‌ها از آن استفاده می‌کنند کوک زیر است:

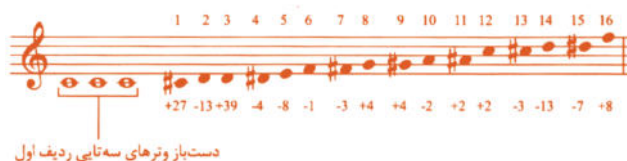


دستان بندی ساز عاشیقی: سه روش مختلف دستان بندی در ساز عاشیقی وجود دارد که اختلافشان در تعداد دستان هاست. در قدیم این ساز ۹ دستان داشت و امروزه حدود ۱۶ دستان دارد و تک نوازان از سازهایی با ۱۹ تا ۲۲ دستان استفاده می کنند.

الف - دستان بندی ساز عاشیقی - ایمران حیدری (آذربایجان شرقی - تبریز) دستان بندی قدیم



دستان بندی متداول امروز

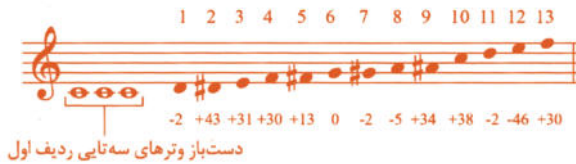


دستان بندی جدید



ساختار اصلی مقام ها یا «هاواها»ی عاشیقی با ۹ دستان اجرا می شود، اما برای اجرای برخی تزئین ها ۱۶ دستان مورد نیاز است. تک نوازان برجسته برای اجرای تزئین های بیشتر با اجرای مقامات آذربایجانی که خارج از حوزه موسیقی عاشیقی است به سازهایی نیاز دارند که بیش از ۱۶ دستان داشته باشند.

ب - داستان بندی ساز عاشیقی - محمدحسین دهقان (آذربایجان غربی - ارومیه)



تکنیک‌های اجرایی ساز عاشیقی: اگرچه تکنیک‌های اجرایی ساز عاشیقی عموماً در نیم



ایمران حیدری

قرن گذشته پیشرفت چندانی نداشته‌اند، اما در چند دهه اخیر تحت تأثیر پیشرفت این تکنیک‌ها در جمهوری آذربایجان توسط نوازندگانی چون عدالت نصیب اف، تک‌نوازان این ساز نیز در آذربایجان ایران به تکنیک‌های پیشرفته‌ای دست‌یافته‌اند. مضراب‌های سورت‌مه، (شبیه به مضراب خراش در برخی سازهای ایرانی و شاخص‌ترین مضراب در ساز عاشیقی)، راست - چپ - راست، چپ - راست - چپ، راست - چپ، چپ - راست، ریز و دُرَاب از مهمترین تکنیک‌های دست راست هستند و کنده‌کاری، پنجه‌کاری، ویراسیون عرضی، ویراسیون طولی (به‌ندرت)، ویراسیون با لرزاندن و تکان دادن کاسه ساز در بغل و گلیساندو، از عمده‌ترین تکنیک‌های دست چپ به شمار می‌روند.

موارد و نوع استفاده ساز عاشیقی: ساز عاشیقی مهمترین ساز در فرهنگ موسیقی عاشیقی

آذربایجان است و توسط عاشیق که خود خواننده نیز هست نواخته می‌شود. البته در شیوه‌های جدید، تک‌نوازی‌هایی ظهور کرده‌اند که غالباً آواز نمی‌خوانند. در شیوه سنتی، ساز، آواز را همراهی می‌کند، اما اصولاً در فرهنگ موسیقی عاشیقی، آواز غالب است. در آذربایجان شرقی، بالابان و دایره، ساز و خواننده را همراهی نمی‌کند. عمده‌ترین موارد اجرای موسیقی عاشیقی، مجالس عروسی و شادمانی و قهوه‌خانه‌ها هستند. در آذربایجان همیشه قهوه‌خانه‌هایی وجود دارند - معروف به قهوه‌خانه‌های عاشیق‌لار - که در آنها عاشیق‌ها به اجرای موسیقی می‌پردازند.

جنس و مواد به کار رفته در ساختمان ساز عاشیقی

- کاسه طنینی و صفحه : چوب توت
- دسته : چوب های زردآلو، راش، بلوط
- گوشی ها : چوب های گردو، شمشاد، آزاد
- شیطانک : استخوان شاخ گاو، روتومول (نوعی ماده مصنوعی)
- سیم گیر : استخوان شاخ گاو، روتومول
- خرک : چوب های سخت، گردو، زردآلو، فوفل
- وترها : سیم فولادی سفید ۱۸/۰
- دستان ها : زه (در قدیم)، سیم نایلونی
- مضرب : پوست درخت گیلان، پلاستیک نرم

تار آذربایجانی – آذربایجان شرقی

تار آذربایجانی مهمترین ساز در اجرای مقامات آذربایجان است. مقامات مجموعه‌ای منظم و نسبتاً مدوّن از نغمه‌ها، مقام‌ها و گوشه‌های مختلف است که به ردیف دستگاهی موسیقی ایران شبیه است و می‌توان گفت با ردیف موسیقی فارسی ریشه‌های مشترک دارد.

بر اساس برخی مدارک، تار آذربایجانی حاصل تغییراتی است که روی تار پنج‌سیم فارسی ایجاد شده‌اند. تار فارسی حداقل در قرن هجدهم میلادی در ارمنستان، آذربایجان، قفقاز و تاجیکستان که در گذشته در قلمرو سیاسی ایران قرار داشتند رایج بود و در همین قرن، نوازنده و موسیقی‌دانی به نام میرزا صادق اسدآغلو (صادق جان) در شهر شوشا در ناحیه قره‌باغ که امروزه در جمهوری آذربایجان واقع است تار آذربایجانی را با ایجاد تغییراتی روی تار فارسی به وجود آورد. تار آذربایجانی از خانواده سازهای زهی مضرابی (زخمه‌ای) مقید است که با مضراب نواخته می‌شود و در رده‌بندی سازها در گروه زه‌صداهای مضرابی قرار می‌گیرد.

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری تار آذربایجانی: کاسه طنینی تار آذربایجانی مانند تار فارسی

از دو قسمت کاسه بزرگ و کاسه کوچک یا نقاره تشکیل



شده است. کاسه طنینی، یکپارچه است و در مقایسه با تار فارسی، کوچک‌تر و کم‌حجم‌تر، و پشت آن بر خلاف تار فارسی نسبتاً صاف و تخت است. حجم کمتر و تخت بودن پشت کاسه این امکان را به نوازنده می‌دهد تا آن را هنگام نواختن به راحتی روی سینه خود قرار دهد.

دهانه کاسه و نقاره در مقایسه با تار فارسی بازتر است و روی آنها پوست کشیده می‌شود. دسته ساز در زائده کوتاهی که از نقاره خارج شده است فرو می‌رود.

روی دسته ۲۲ تا ۲۴ دستان بسته می‌شوند و در انتهای آن سرپنجه قرار دارد که محل گوشی هاست. در سرپنجه ۹ گوشی وجود دارد (۶ گوشی بزرگ و ۳ گوشی کوچک). تار آذربایجانی ۱۱ وتر دارد که ۶ وتر آن، وترهای اصلی هستند. چهار وتر به سیم‌های زنگ (جینگنه) معروف هستند که دوه‌دو، به صورت هم‌صدا کوک می‌شوند و هر دو وتر به یک گوشی متصل‌اند. بنابراین برای چهار سیم زنگ، ۲ گوشی وجود دارد. تنها گوشی باقی‌مانده مربوط به سیم باس است. ۶ وتر اصلی در سه گروه دوتایی با

نام‌های سفید، زرد و بَم تقسیم می‌شوند. این ساز ۴ شیطانک دارد که اولی شیطانک اصلی است و در محل اتصال دسته به سرپنجه قرار دارد و از روی آن ۶ وتر اصلی عبور می‌کنند. دومی شیطانک فرعی سیم‌باس است که به شیطانک اصلی متصل است. دو شیطانک فرعی دیگر، محل عبور سیم‌های زنگ هستند. مضراب تار آذربایجانی قطعه‌ای از جنس شاخ گاو میش یا مواد مصنوعی است که بر خلاف تار فارسی فاقد موم است.

کوک تار آذربایجانی: این ساز بر مبنای دیپازون کوک می‌شود، اما این مبنای اجراهای مختلف متفاوت است:

الف - در همراهی با ارکستر سمفونیک، پیانو و سایر سازهای غربی، وترهای مضاعف ردیف اول، «دو» کوک می‌شوند.

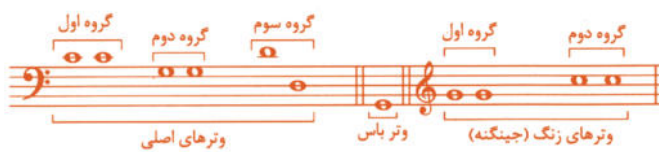
ب - در همراهی با ارکستر سازهای ملی آذربایجان، وترهای مضاعف ردیف اول، «سی» کوک می‌شوند.

ج - گاه در همراهی با ارکستر و خوانندگان اپرا، وترهای مضاعف ردیف اول، «لا» کوک می‌شوند.

د - در همراهی با خواننده در اجرای سنتی مقامات، وترهای مضاعف ردیف اول بنا به وسعت صدای خواننده، «سی»، «سی بمل» یا «لا» کوک می‌شوند.

تار آذربایجانی برای اجرای مقامات به صورت‌های مختلفی کوک می‌شود که برخی از آنها به شرح زیرند:

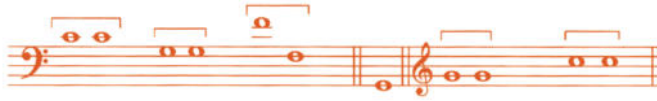
برای بیات شیراز و راست



برای ماهور «دو»، چهارگاه «دو»، شور «سُل»، شوشتر «دو»، رُهاب «سل»، حجاز، کُردشهناز (شعبه‌ای از شور «دو»)، قطار و ...



برای شور «سُل» و اُرتاماهور «فا»



از کوک‌های دیگری هم برای اجرای مقامات و شعبه‌های مختلف استفاده می‌شود که از ذکر همه آنها صرف‌نظر می‌کنیم.

دستان بندی تار آذربایجانی دستان بندی تار آذربایجانی — حبیب صیرفی (تبریز)



دست‌باز و ترهای مضاعف ردیف اول

تکنیک‌های اجرایی تار آذربایجانی: در آذربایجان، تکنوازان تار از اهمیت بسیار برخوردارند. ساختمان و امکانات اجرایی این ساز نوازندگان آن را مجبور کرده است تکنیک‌های اجرایی دشواری را بیاموزند. در میان سازهای متداول در موسیقی آذربایجان، رپرتوار تار از همه گسترده‌تر است و وجود رپرتوار مکتوب برای این ساز باعث شده است اغلب تکنیک‌های اجرایی، نشانه‌های خاص و تعریف شده داشته باشند. مهمترین تکنیک‌های دست راست در تار آذربایجانی عبارت‌اند از: اوست مضرب (مضرب



علی سلیمی

رو یا بالا)، آت مضرب (مضرب زیر یا پایین)، روخت (تریمول، ریز)، دویمه مضرب، ساتور مضرب (قایناق مضرب)، قاشیق مضرب، عاشیق سیاقی مضرب، خراش، دُرَب، شَلال و قوشامضرب.

مهمترین تکنیک‌های دست چپ نیز در تار آذربایجانی عبارت‌اند از: لال بارماق، دارتماسیم (کندن، پنجه‌کاری)، تکیه، گلیساندو، اجرای چند صدا در یک زمان، استفاده از انگشت اول به عنوان شیطانک موقت، ویراسیون طولی، ویراسیون عرضی (درشت و ریز) و ویراسیون بالرزندان کاسه طنینی در بغل (خوم‌تار). به دلیل وجود سیم‌باس و سیم‌های زنگ در این ساز، از انگشت شست دست چپ نمی‌توان در انگشت‌گذاری استفاده کرد.

موارد و نوع استفاده تار آذربایجانی: تار آذربایجانی مهمترین و اصلی‌ترین ساز در اجرای مقامات و دستگاه‌های موسیقی آذربایجان است که هم در همراهی آواز، هم به صورت تک‌نوازی و هم همراه با سازهای دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد. مجالس عروسی و شادمانی، محافل اُنس، ارکستر سازهای ملی آذربایجان، ارکسترهای مختلط، ارکسترهای سمفونیک، اپرا و باله از عرصه‌های حضور این ساز هستند.

جنس و مواد به کار رفته در ساختمان تار آذربایجانی

کاسه طنینی: چوب‌های توت، گردو

دسته: چوب گردو

پوست: پوست دل (قلب) گاو

گوشی‌ها: چوب‌های گردو، جنگلی، آرموت

شیطانک اصلی و شیطانک سیم‌باس (یکپارچه): شاخ گاو ماده، استخوان قلم پای شتر

شیطانک‌های سیم‌های زنگ: میخ‌های فولادی

سیم‌گیر: شاخ، آلیاژهای برنج و آلومینیم

خرک: شاخ گاو ماده، استخوان قلم پای شتر، مواد مصنوعی

وترهای مضاعف گروه اول (وترهای اول و دوم): سیم فولادی سفید ۱۸/۰ تا ۲۲/۰

وترهای مضاعف گروه دوم (وترهای سوم و چهارم): سیم برنزی زرد ۱۸/۰ تا ۲۲/۰ و یا

۲۰/۰ تا ۲۵/۰

وتر پنجم: سیم فولادی سفید ۱۸/۰ تا ۲۲/۰

وتر ششم: سیم فولادی سفید با روکش نایلونی ۳۶/۰ یا سیم برنزی با روکش فبری

سیم‌باس: سیم فولادی سفید با روکش فبری ۵/۰

سیم‌های زنگ: سیم فولادی سفید ۱۸/۰ تا ۲۲/۰ (گاهی نازک‌تر)

دستان‌ها: زه (در قدیم)، سیم نایلونی

مضرب: شاخ گاومیش ماده، مواد مصنوعی

باغلاما و سازهای هم خانواده آن – آذربایجان غربی و کردستان

باغلاما در اصل ساز ملی قوم ترک و منطقه آناتولی است و در میان مردم ترک زبان و کرد زبان ترکیه و شمال عراق رایج است. در نیم قرن گذشته باغلاما و سازهای هم خانواده آن بیشتر توسط مهاجران کرد عراقی در آذربایجان غربی و کردستان ایران رواج یافته است. گمان می رود باغلاما و سازهای هم خانواده آن محصول تغییر و تحولاتی هستند که روی قوپوز (ساز عاشیقی) صورت گرفته است. قوپوز ساز مورد استفاده اوزان های قرون گذشته (اجداد عاشیق ها و بخشی های ترک نژاد) بوده است. به هر ترتیب باغلاما و سازهای هم خانواده آن نقش مهمی در انتقال فرهنگ و موسیقی ترکی به عصر حاضر ایفا کرده اند. در آناتولی این سازها نام های گوناگونی دارند، از جمله باغلامای بلغاری، بوزوق، جورا، چالغی، ساز، چوگور، چکو، دُمبرا، دینقیر، زیمبرا و تنبور. سازهای این خانواده با دستان بندی های مختلف (۹، ۱۲، ۱۷ و ۲۴ دستان) دیده می شوند که هر کدام ویژگی و کاربرد خاص خود را دارند. و ترها غالباً به تعداد ۶ یا ۷ عدد در سه ردیف قرار می گیرند. امروزه از انواع باغلاما با و ترها و دستان های کمتر نیز استفاده می کنند. باغلاما و سازهای هم خانواده آن از سازهای زهی مضرابی (زخمه ای) مقید است که با مضراب نواخته می شوند و در رده بندی سازها در گروه زه صداهای مضرابی قرار می گیرند.

ویژگی ظاهری و ساختاری سازهای خانواده باغلاما: باغلاما کاسه طنینی یکپارچه به شکل تقریباً نیمه گلابی و دسته ای نسبتاً طویل دارد که دستان ها روی آن بسته می شوند. روی دهانه کاسه صفحه چوبی قرار دارد و سایر اجزای سازهای این خانواده عبارت اند از: و ترها، سیم گیر، خرک، شیطانک، گوشی ها و مضراب.



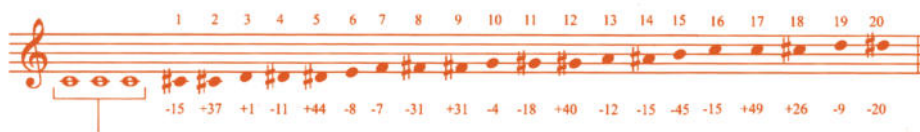
کوک سازهای خانواده باغلاما: باغلاما و سازهای هم خانواده آن کوک های مختلفی دارند که متداول ترین آنها کوک های زیرند:

کوک تنبورا (ساز) و باغلامان (دیوان ساز):



دستان بندی سازهای خانواده باغلاما: در اینجا دستان بندی دو نوع از سازهای خانواده باغلاما را مورد توجه قرار می دهیم.

الف) دستان بندی باغلاما (دیوان ساز) — علی حسن (آذربایجان غربی)



دست باز و ترهای ردیف اول

ب) دستان بندی تنبورا (ساز) — علی حسن (آذربایجان غربی)



دست باز و ترهای ردیف اول

تکنیک‌های اجرایی سازهای خانواده باغلاما: تکنیک‌های اجرایی سازهای خانواده

باغلاما به‌ویژه در ترکیه پیشرفته و پیچیده‌اند اما در ایران این سازها با تکنیک‌های ساده‌تری اجرا می‌شوند. روی ردیف‌های اول، دوم و سوم وترها انگشت‌گذاری می‌شود اما انگشت‌گذاری روی وترهای ردیف اول بیشتر است و ملودی غالباً روی وترهای ردیف اول اجرا می‌شود. از انگشت شست دست چپ نیز برای گرفتن وترهای ردیف سوم استفاده می‌کنند. سازهای این خانواده غالباً با مضرابی از جنس پلاستیک نرم نواخته می‌شوند.



موارد و نوع استفاده سازهای خانواده باغلاما: باغلاما و سازهای هم‌خانواده آن رپرتوار

گسترده‌ای دارند که مقام‌های رایج در موسیقی ترکی، کردی و ارمنی ترکیه، موسیقی کردی شمال عراق و بسیاری از مقام‌های رایج در برخی نقاط مرزی ایران، ترکیه و شمال عراق را شامل می‌شود. این سازها هم به‌صورت تک‌نوازی و هم در همراهی با آواز و نیز در کنار سازهای دیگر در ارکسترهای مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرند.

جنس و مواد به‌کار رفته در ساختمان سازهای خانواده باغلاما

کاسه طنینی یکپارچه (گاه ترکه‌ای): چوب‌های پروانه، عَرَعَر (سروکوهی)، ماعون (ماهون)

صفحه: چوب صنوبر، چوب‌های دیگر

دسته: چوب بلوط، چوب‌های سخت دیگر

دستان‌ها: سیم نایلونی ۳۵/۰ تا ۴۰/۰

خرک: شاخ، استخوان، عاج فیل، چوب‌های سخت

وترها: زه یا موی دم اسب (در قدیم)، سیم فولادی

شیطانک و سیم‌گیر: شاخ، استخوان، عاج فیل، چوب‌های سخت

مضراب: چوب یا پوست درخت گیلان یا آلبالو (در قدیم)، شاخ، پَر غاز، پلاستیک نرم

تمبیره نوبان — هرمزگان

فرهنگ ساحل نشینان دریاهای جنوبی ایران بیش از آنکه تحت تأثیر فرهنگ‌های نواحی دیگر ایران باشد، متأثر از همسایگی و ارتباط با فرهنگ‌های سواحل جنوبی دریاها و آمیزه‌ای از فرهنگ‌های آفریقایی، عربی و ایرانی‌ست و در این میان فرهنگ آفریقایی نفوذ بیشتری داشته است. بخش قابل توجهی از ساکنان جنوب ایران را سیاهانی تشکیل می‌دهند که نسل‌های قبلی آنها به‌عنوان برده به این ناحیه آورده شده‌اند. این مهاجران، فرهنگ، موسیقی، زبان، اعتقادات و آیین‌هایی را با خود به نواحی جنوبی ایران منتقل کرده‌اند که بخشی از آنها مربوط به چگونگی تأثیر موسیقی بر ناهنجاری‌های روحی و روانی، و به بیان دیگر آیین‌های موسیقی درمانی‌ست. زار، نوبان، مشایخ، لیوا و ... از جمله این آیین‌ها هستند که در هرمزگان رواج دارند. آنچه در اینجا مورد نظر ماست آیین نوبان و ساز اختصاصی آن است.

مراسم نوبان که نوعی آیین موسیقی درمانی در هرمزگان است آوازاها و سازهای خاص خود را دارد. مهم‌ترین و شاخص‌ترین ساز در این مراسم «تمبیره» است. تمبیره نوبان از خانواده سازهای زهی مضرابی (زخمه‌ای) است که غالباً به‌صورت مطلق و گاه مقید و با مضراب نواخته می‌شود و در رده‌بندی سازها در گروه زه صداهای مضرابی قرار می‌گیرد.

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری تمبیره نوبان: تمبیره کاسه طنینی گرد و قدح‌مانندی از چوب دارد که بر روی دهانه کاسه، پوست ضخیمی می‌کشند و روی پوست چهار سوراخ ایجاد می‌کنند. دو سوراخ پایینی باز هستند و در افزایش طنین و صدای ساز مؤثرند. از دو سوراخ بالایی، اضلاع جانبی تمبیره به شکل مایل عبور می‌کنند و در داخل کاسه به هم متصل می‌شوند. یک قطعه چوب افقی، اضلاع جانبی تمبیره را به هم متصل می‌کند. حاصل این اتصال، کلافی مثلثی شکل است که قاعده آن در بالا



و رأس آن در پایین و در داخل کاسه است. خرک در نقطه معینی روی پوست قرار دارد. تعداد وترها ۶ عدد است که از جنس روده اسب، بز یا

گوسفند هستند. وترها از یک طرف به سیم گیر (حلقه ای فلزی) متصل هستند و از طرف دیگر پس از عبور از روی خرک، در لابه لای طناب های نخ‌ی یا باریک‌های پارچه ای تنیده می شوند و به دور قاعده کلاف مثلی شکل پیچیده می شوند. تمبیره نوبان فاقد گوشی برای کوک کردن وترها است و با مضرابی از جنس شاخ گاو نواخته می شود.



درویش محمد بازماندگان

تکنیک های اجرایی تمبیره نوبان: نواختن تمبیره

معمولاً رابطه معینی با ملودی آواز ندارد و آنچه اهمیت دارد بیشتر ریتم های نواختن آن و پُر کردن فضای صوتی است. صرف نظر از نقش موسیقایی تمبیره، نقش نمادین و مقدس و آیینی آن در مراسم نوبان نیز حایز اهمیت بسیار است. هنگام نواختن، هر شش وتر تمبیره به صدا درمی آیند. تکنیک های اجرایی دست راست در این ساز ساده و فقط شامل مضراب رفت و مضراب برگشت است و دست چپ وظیفه گرفتن وترها را بر عهده دارد. معمولاً از دو وتر تمبیره به صورت آزاد استفاده می کنند و چهار وتر دیگر گرفته می شوند. این وترها نیز متناوباً به صورت مقید یا مطلق مورد استفاده قرار می گیرند. در مجموع می توان گفت که تمبیره نوبان یک ساز ملودی نواز نیست. کوک تمبیره نوبان براساس دو نمونه مورد مطالعه:



کوک تمبیره بابا درویش جزیره قشم



کوک تمبیره احمد غیبیدی سورو بندر لنگه

* نشانه های - و + مشخص کننده صدا های کمتر یا بیشتر در مقایسه با فواصل گام نامبره غربی و در نسبت با سایر صداها در کوک

تمبیره است.

موارد و نوع استفاده تمبیره نوبان: تمبیره، جز در مراسم نوبان، در هیچ مورد و موقعیت دیگری نواخته نمی‌شود. این ساز، مقدس و مورد احترام است و مطهرات و محرمات بسیاری دارد. در هر مراسم نوبان از یک تمبیره استفاده می‌کنند و این تمبیره با چند دهل نوبان و مَنیور همراهی می‌شود. مجموعه این سازها همراهی کننده آوازهای نوبان است که توسط تک خوان و همسرایان (پاسخ‌دهندگان) خوانده می‌شوند.

جنس و مواد به کار رفته در ساختمان تمبیره نوبان

کاسه: چوب یکپارچه توت، گردو و ...

پوست: پوست گاو

وترها: روده اسب، روده بز

سیم‌گیر: میخ و حلقه فلزی

خرک و اضلاع: چوب

مضرب: شاخ گاو

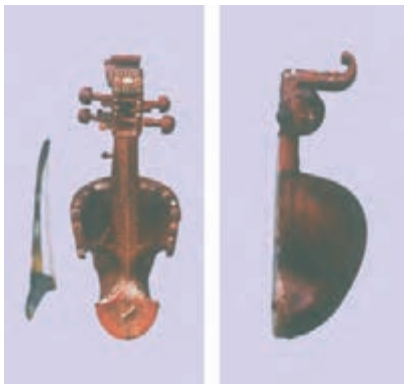
قسمت دوم: زه‌صدا‌های آرشه‌ای (کمانی)

سرّوز (سرود)، قیچک – بلوچستان

سرّوز که در بلوچستان پاکستان به آن «ساروز» یا «سارود» می‌گویند در زبان فارسی به قیچک یا غَزْک معروف است. در متون منظوم و منشور فارسی و نیز رساله‌های موسیقی قدیم ایران، نام این ساز به صورت‌های غَزْک، غزک، غچک (قچک) و غزنیز آمده است. قیچک از سازهای رایج در ایران قدیم بوده و امروزه تمرکز عمده آن در ایران به بلوچستان و سیستان محدود است و به‌طور پراکنده به مناطقی از استان‌های هرمزگان و کرمان نیز مهاجرت کرده است. قیچک یا سرّوز، مهم‌ترین و اصیل‌ترین ساز در موسیقی بلوچستان ایران و از خانواده سازهای زهی آرشه‌ای (کمانی) مقید است که در رده‌بندی سازها در گروه زه‌صدا‌های آرشه‌ای قرار می‌گیرد.

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری قیچک بلوچی: کاسه طنینی قیچک حجیم و دو قسمتی است

و دو فرو رفتگی در دو طرف آن وجود دارند که در سطح جلویی کاسه به هم می‌پیوندند و آن را از سمت جلو به دو قسمت تقسیم می‌کنند. دو قسمت کاسه



از داخل به هم متصل هستند و قسمت پایینی کوچک‌تر و کم‌حجم‌تر از قسمت بالایی است و روی آن پوست می‌کشند. قسمت میانی کاسه بالایی با یک صفحه مشبک چوبی پوشیده شده اما دو طرف این صفحه باز است. قیچک دسته‌ای کوتاه و نسبتاً کلفت دارد. سرپنجه یا جعبه گوشی‌ها که حدود ۱۰ گوشی در آن قرا می‌گیرند و نسبتاً حجیم است به تاج قیچک منتهی می‌شود که به سمت عقب ساز کشیده شده است. قیچک بلوچی ۱۱

وتر و ۱۱ گوشی دارد و وترها به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروه اول، ۴ وتر اصلی هستند که روی آنها آرشه کشیده می‌شود و گروه دوم، ۷ وتر فرعی (واخوان‌ها) هستند که روی آنها آرشه کشیده نمی‌شود و با ارتعاش وترهای اصلی مرتعش می‌شوند. وترهای اصلی از یک طرف به سیم‌گیر و از طرف دیگر پس از عبور از روی خرک و شیطانک به گوشی‌ها متصل می‌شوند. وترهای واخوان نیز از یک طرف به سیم‌گیر و از طرف دیگر پس از عبور از سوراخ‌های ایجاد شده در بدنه خرک و گذشتن از روی

شیطانک به گوشی‌های مربوط به خود متصل می‌شوند. از ۱۱ گوشی قیچک بلوچی، ۱۰ گوشی در قسمت سرپنجه و یک گوشی که مربوط به آخرین وتر واخوان است در قسمت جانبی دسته قرار دارند. آرشه قیچک یک ترکه باریک کمانی شکل چوبی است که به دو سر آن رشته‌هایی از موی دُم اسب بسته شده‌اند.

کوک قیچک بلوچی الف) وترهای اصلی



ب) وترهای فرعی (واخوان‌ها)



دین محمد زمک زهی

تکنیک‌های اجرایی قیچک بلوچی: ساختمان آرشه

قیچک بلوچی اگرچه کمانی ست اما موی آن در مقایسه با آرشه کمانچه محکم‌تر و سفت‌تر است و نوازنده می‌تواند با شُل یا سفت کردن موی آرشه با انگشتان دست راست، نوانس‌های مختلفی ایجاد کند. لگاتو، آلاپونتا، آلتالونه، دتاشه، آلاکورد و سپاراتو از تکنیک‌های ممکن یا رایج آرشه‌کشی در محدوده امکانات اجرایی این ساز هستند. هنگام انگشت‌گذاری روی وترها با انگشتان دست چپ، انگشت و وتر با دسته قیچک تماس نمی‌یابند و به این ترتیب، میزان فشار انگشت بر وتر اهمیت زیادی

دارد. معمولاً روی وترهای اول، دوم و چهارم انگشت گذاری می کنند و از وتر سوم که جنس آن از زِه است، جز در موارد معدود، به صورت دست باز استفاده می شود.

موارد و نوع استفاده قیچک بلوچی : قیچک، ساز همراهی کننده بیشتر نمونه های موسیقی آوازی بلوچستان است که غالباً همراه با سایر سازهای بلوچی در مواردی چون مجالس عروسی و شادمانی و مراسم گواتی (موسیقی درمانی) استفاده می شود اما نواختن تنهای آن نیز متداول است.

جنس و مواد به کار رفته در ساختمان قیچک بلوچی

کاسه طنینی و گوشی ها : چوب های پَر پوک، توت، کهور

پوست : پوست آهو، گوسفند

سیم گیر : میخ چوبی یا فلزی

خرک : شاخ، چوب گردو، چوب توت

وترهای اول، دوم و چهارم : سیم فولادی سفید، نخ ابریشمی نسوز

وتر سوم : زِه

وترهای واخوان : سیم فولادی سفید

چوب آرشه : چوب گَز

موی آرشه : موی دُم اسب

قیچک - سیستان

قیچک سیستانی از نظر ویژگی‌های ظاهری و تکنیک‌های اجرایی تا حدودی به قیچک بلوچی شباهت دارد اما ساختمان و تکنیک‌های ساده‌تری دارد. با فراموش شدن تدریجی رُباب امروزه قیچک، تنها ساز زهی ناحیه سیستان و مهم‌ترین ساز در همراهی با آواز است. این ساز نیز از خانواده سازهای زهی آرشه‌ای (کمانی) مقید است که در رده‌بندی سازها در گروه زه‌صداها قرار می‌گیرد.

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری قیچک سیستانی:

سیستانی و بلوچی، تفاوت‌هایی نیز میان این دو ساز هم‌خانواده دیده می‌شوند. کاسه طنینی این ساز



که از قیچک بلوچی بلندتر و لاغرتر است دو قسمتی

است و این دو قسمت از داخل به هم مرتبط هستند.

روی دهانه قسمت پایینی کاسه پوست کشیده شده و

قسمت بالایی کاسه از قسمت پایینی حجیم‌تر است و

در وسط آن یک صفحه چوبی مشبک در امتداد دسته

قرار دارد. بدنه اصلی این ساز شامل کاسه طنینی،

دسته، سرینجه و تاج یکپارچه است. قیچک سیستانی

نیز دارای دسته‌ای کوتاه و کلفت است و ۳ وتر اصلی و

۷ وتر فرعی (واخوان‌ها) و ۱۰ گوشی دارد. ۹ گوشی در

قسمت سرینجه و یک گوشی معمولاً در کنار دسته قرار دارد که مربوط به آخرین وتر واخوان است.

وترها به دو گروه اصلی و فرعی (واخوان‌ها) تقسیم می‌شوند. روی وترهای اصلی آرشه کشیده می‌شود

و وترهای فرعی (واخوان‌ها) با ارتعاش وترهای اصلی به صدا درمی‌آیند. از ۳ وتر اصلی قیچک

سیستانی فقط روی وترهای اول و سوم انگشت‌گذاری می‌کنند و از وتر دوم به صورت دست‌باز استفاده

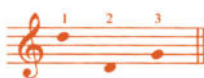
می‌شود. روی خرک بعضی قیچک‌های سیستانی سوراخ‌هایی برای عبور وترهای فرعی (واخوان‌ها)

ایجاد شده‌اند. آرشه قیچک سیستانی یک ترکه چوبی خمیده است که به دو سر آن رشته‌هایی از موی

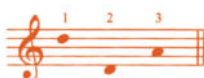
دُم اسب بسته شده‌اند.

کوک قیچک سیستانی

الف) وترهای اصلی



کوک زابلی



کوک بلوچی

ب) وترهای فرعی (واخوان‌ها)



مستیان مالکی

تکنیک‌های اجرایی قیچک سیستانی: استاکاتو، لگاتو،

ترمولو (به ندرت)، آلاپونتا، آلتالونه، دتاشه، آلاکورد و سپاراتو از مهم‌ترین تکنیک‌های اجرایی دست راست در محدوده امکانات اجرایی این ساز هستند. روی وترهای اصلی اول و سوم طوری انگشت گذاری می‌شود که انگشت و وتر با دسته قیچک تماس نمی‌یابند. گلیساندو (به طور محدود)، پیتزیکاتو دست چپ و ... از تکنیک‌های دست چپ در این ساز هستند.

موارد و نوع استفاده قیچک سیستانی: امروز قیچک

مهم‌ترین ساز در همراهی با آوازا و ترانه‌های سیستانی ست و معمولاً با دو ساز دیگر همراهی می‌شود که یکی دهل بزرگ است و مانند تمبک با دست نواخته می‌شود و دیگری قاشقک یا

زنگ‌های مضاعف (دوتایی) کوچکی ست که به انگشتان دست بسته می‌شوند. در قدیم دایره قیچک را همراهی می‌کرده و در چند دهه اخیر تمبک به تدریج جایگزین دایره شده است. از قیچک سیستانی در مراسم شادمانی، عروسی و ختنه‌سوران استفاده می‌شود.

جنس و مواد به کار رفته در ساختمان قیچک سیستانی

بدنه اصلی (کاسه طنینی، دسته، سرپنجه و تاج): چوب توت

پوست: پوست نازک گوسفند

وترها (اصلی و فرعی): سیم فولادی سفید

گوشی‌ها و خرک: چوب توت

سیم‌گیر: میخ فلزی

چوب آرشه: چوب گز

موی آرشه: موی دُم اسب

کمانچه‌ها – نواحی مختلف ایران

کمانچه که امروزه در بعضی نواحی ایران متداول است از خانواده سازهای زهی آرشه‌ای (کمانی) مقید است و در رده‌بندی سازها در گروه زده‌صداها، آرشه‌ای قرار می‌گیرد. این ساز در مناطقی چون شمال خراسان، گلستان (مناطق ترکمن‌نشین و کتول)، شرق مازندران، دامغان، طالقان، گیلان، آذربایجان شرقی و غربی، کرمانشاهان، لرستان، چهارمحال و بختیاری و فارس متداول است اما در مناطق گیلان، دامغان، طالقان و فارس روبه فراموشی است. کمانچه در نواحی ایران با نام‌ها و گویش‌های مختلفی، از جمله کمانچه (شمال خراسان)، کمانچه (دامغان و شهرکرد)، کمانچه (طالقان)، کمانچا (آذربایجان شرقی)، کمان یا کمانچه (آذربایجان غربی)، قیجان (ترکمن صحرا)، موگش (کرمانشاهان) و تال (لرستان) شناخته می‌شود.

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری کمانچه: کمانچه‌های متداول در نواحی مختلف ایران در مجموع ویژگی‌های ساختاری نسبتاً مشترکی دارند و تفاوتشان صرف‌نظر از اندازه یا جنس و مواد به کار رفته در ساختمان آنها، بیشتر مربوط به شکل و ساختمان کاسه طنینی است که می‌توان آن را در دو ساختار کلی تفکیک و تعریف کرد:

الف) کاسه‌های پشت‌باز: کمانچه‌های متداول در لرستان، کرمانشاهان، چهارمحال و بختیاری، منطقه کتول (استان گلستان) و دامغان (استان سمنان) کاسه طنینی پشت‌باز دارند و صدای این نوع کمانچه‌ها شفاف‌تر، شدیدتر و تا حدودی تیزتر و نافذتر است.

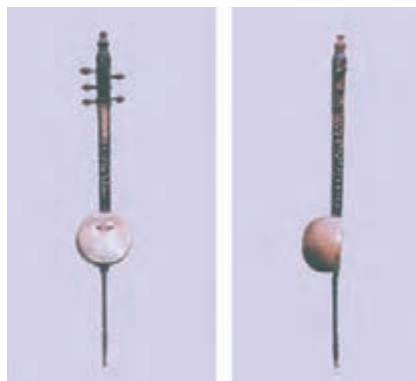
ب) کاسه‌های پشت‌بسته: کمانچه‌های پشت‌بسته در شمال خراسان، منطقه ترکمن‌نشین استان گلستان، شرق مازندران، طالقان، گیلان، آذربایجان شرقی و غربی و فارس متداول هستند. صدای این نوع کمانچه‌ها در مقایسه با کمانچه‌های پشت‌باز، گرفته‌تر، نرم‌تر و تودماغی‌تر است. کاسه‌های طنینی پشت‌بسته را می‌توان در سه شکل کلی مشاهده کرد:

۱- پشت کاسه گنبدی شکل؛ ۲- پشت کاسه کروی؛ ۳- پشت کاسه تخت

همه کمانچه‌های متداول در نواحی ایران دسته‌ای گرد دارند و روی دهانه کاسه طنینی آنها پوست کشیده می‌شود. معمولاً قطر دسته از سمت سرپنجه به طرف کاسه تدریجاً کم می‌شود و دسته با یک میل فلزی به کاسه متصل می‌شود. این میل با عبور از قسمت زیرین کاسه، تکیه‌گاه اصلی کمانچه بر روی زمین یا پای نوازنده است. این کمانچه‌ها دارای ۳ وتر و ۳ گوشی هستند و در چند دهه گذشته برخی نوازندگان در بعضی مناطق با پیروی از ساختار کمانچه فارسی، تعداد وترهای کمانچه‌های خود را به ۴ افزایش داده‌اند. در منطقه دیلمان در استان گیلان نیز چند کمانچه با ۵ تا ۶ وتر مشاهده شده‌اند. سایر اجزای کمانچه عبارت‌اند از سیم‌گیر، خرک، شیطانک و آرشه.



کمانچه لرستان



کمانچه گیلان



کمانچه ترکمن صحرا (نمونه قدیم)



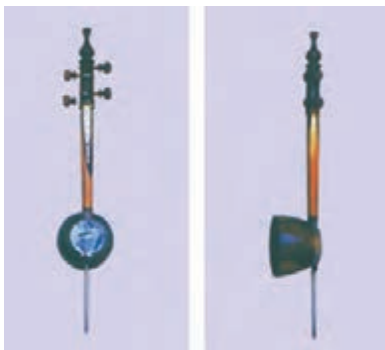
کمانچه ترکمن صحرا (نمونه جدید)



کمانچه دامغان (سمنان)



کمانچه آذربایجان شرقی



کمانچه بختیاری



کمانچه قشقایی

کوک کمانچه: کمانچه‌های متداول در نواحی ایران کوک‌های مختلفی دارند که مهم‌ترین آنها

به شرح زیرند:



شمال خراسان، شرق مازندران



گلستان (ترکمن صحرا)



گلستان (کتول)، شرق مازندران



شرق مازندران



شرق مازندران



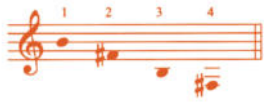
دامغان



دامغان و طالقان



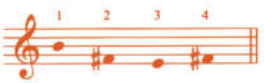
گیلان



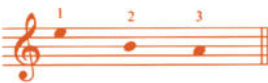
آذربایجان شرقی: برای شور، چهارگاه، زابل سه‌گاه، میرزا حسین
سه‌گاه، شوشتری، همایون، ماهور، قطار



آذربایجان شرقی: برای راست، بیات شیراز



آذربایجان شرقی: برای بیات قاجار «سی بمل»، زمین خاره «سی بمل»



آذربایجان غربی



کرمانشاه



کرمانشاه



لرستان



لرستان



چهارمحال و بختیاری (شهرکرد)



چهارمحال و بختیاری (شهرکرد)



چهارمحال و بختیاری (شهرکرد)



چهارمحال و بختیاری (شهرکرد)



فارس (قشقایی)



فارس (قشقایی)

تکنیک‌های اجرایی کمانچه: تکنیک‌های اجرایی کمانچه اگرچه با اختلافاتی جزئی، در بیشتر نواحی ایران مشابه‌اند اما در برخی نواحی مانند آذربایجان شرقی و ترکمن صحرا پیچیده‌تر و پیشرفته‌تر هستند. در مجموع و فارغ از اختلافات جزئی، مهم‌ترین تکنیک‌های اجرایی کمانچه در نواحی مختلف ایران عبارت‌اند از:



اسماعیل جعفری‌نیا - قشقای

الف) تکنیک‌های اجرایی دست راست: لگاتو، استاکاتو (به‌طور محدود)، آلاپونتا، آلتالونه، دناشه، آلاکورد، سپاراتو، ترمولو (به‌طور محدود)، نوعی دُزاب (در برخی مناطق)، استفاده از طول‌های مختلف آرشه برای ایجاد حالت‌های مختلف و استفاده از سُر یا نوک آرشه به‌صورت کوتاه (مهم‌ترین تکنیک آرشه‌کشی در آذربایجان شرقی). بدیهی‌ست چگونگی استفاده از این تکنیک‌ها به ساختمان و امکانات اجرایی ساز وابسته است.

ب) تکنیک‌های اجرایی دست چپ: انگشت‌گذاری روی هر سه یا چهار وتر با تأکید بر استفاده بیشتر از وترهای اول و دوم (در آذربایجان غربی از وتر اول به‌صورت دست‌باز استفاده می‌شود)، پیتزیکاتو دست چپ (به‌طور محدود)، گلیساندو (غالباً به‌صورت لغزش میان دو صدای مجاور و گاه غیرمجاور) و تریل و باتری (به‌ندرت)



همت‌علی سالم - لرستان



بهرام پردی‌کُر - ترکمن صحرا



اکبر منوچهری — دامغان (سمنان)



ابراخان خوشخوان — گیلان



حسین حیدری — بختیاری (شهرکرد)



علی فرشباف — آذربایجان شرقی

موارد و نوع استفاده کمانچه: مهم‌ترین موارد استفاده از کمانچه در نواحی ایران، مجالس عروسی و شادمانی و محافل انس هستند. در این مجالس و محافل کمانچه اجراکننده موسیقی رقص‌های قومی و همراهی‌کننده آوازاها، مقام‌ها و ترانه‌های منطقه خویش است. ساز همراهی‌کننده کمانچه در قدیم دایره بوده و امروزه بیشتر تمبک است و در برخی مناطق از دهلی که با دست نواخته می‌شود نیز

استفاده می‌کنند. در آذربایجان شرقی کمانچه در موقعیت‌های دیگری، از جمله همراه با تار آذربایجانی، خواننده و قوال (دایره) در اجرای مقامات، ارکستر سازهای ملی آذربایجان و ارکسترهای مختلط نیز نواخته می‌شود.

جنس و مواد به کار رفته در ساختمان کمانچه :

کاسهٔ طنینی : چوب‌های توت، گردو، اُرس، بید، زردآلو، زبان گنجشک
 دسته : چوب‌های سُرخدار، زردآلو، قیسی، گلایی، افرا، مَمَرز، عناب، آبنوس، شمشاد، گردو، کُناَر
 گوشی‌ها : چوب‌های سُرخدار، گردو، زردآلو، قیسی، گلایی، افرا، مَمَرز، عناب، آبنوس، کُناَر
 خرک : انواع مختلف چوب
 پوست : پوست‌های دل گاو، دل شتر، مرغابی، آهو، ماهی، برهٔ تودلی، خرگوش و گاه پوست
 نازک گوسفند یا بز

وترها : سیم فولادی سفید

میل : مفتول فولادی

چوب آرشه : چوب‌های انار، آلو، ازگیل، آلبالو، گردو، تبریزی، چَم، اَرجن، زبان گنجشک، گَز

موی آرشه : موی دُم اسب

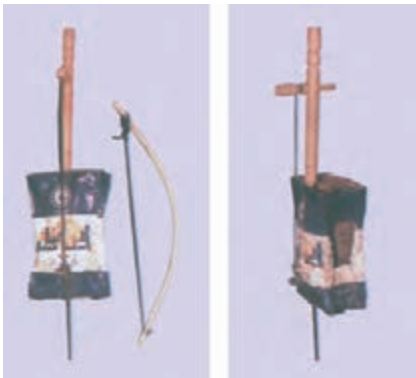
رَبَاب (ربابه) – خوزستان

رَبَاب که کولی‌های عرب‌زبان خوزستان آن را ربابه می‌نامند از سازهای رایج در میان عرب‌های خوزستان است و به نوعی از آنکه کاسه طنینی فلزی دارد، گِلِن یا گَالُن نیز می‌گویند. این ساز که به جز خوزستان – و تا حدودی در میان بومیان عرب‌زبان جزیره کیش در هرمزگان – در تمام کشورهای عربی و شمال آفریقا دیده می‌شود توسط عرب‌های ایرانی در خوزستان متداول شده و از قدیم مورد استفاده قرار می‌گرفته است. رباب از خانواده سازهای زهی آرشه‌ای (کمانی) مقید است که در رده‌بندی سازها در گروه زه صداهای آرشه‌ای قرار می‌گیرد.

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری رباب: در خوزستان رباب با دو نوع کاسه طنینی متداول

است:

الف) با کاسه طنینی چوبی: این نوع رباب با دو نوع کاسه طنینی به شکل‌های □ و ▢ مشاهده می‌شود که دهانه آنها با پوست پوشانده شده است. در برخی نمونه‌ها، کاسه یک قاب است که هر دو طرف آن را پوست کشیده‌اند و خرک نیز در منطقه معینی روی پوست قرار دارد. رباب دارای یک وتر مویین متشکل از چندین رشته موی دُم اسب است که از یک طرف به سیم‌گیر و از طرف دیگر پس از عبور از روی خرک در انتهای دسته مستقیماً به دور تنها گوشه نسبتاً بلند رباب پیچیده می‌شود. بنابراین رباب فاقد شیطانک است. به علت فاصله زیاد وتر از دسته، امکان تماس وتر با دسته هنگام انگشت‌گذاری وجود ندارد. این ساز یک میل فلزی و گاه چوبی دارد که از یک طرف به داخل دسته فرو می‌رود و از طرف دیگر پس از عبور از داخل کاسه، از قسمت زیر آن خارج می‌شود و به عنوان تکیه‌گاه ساز مورد استفاده قرار می‌گیرد. کمان یا آرشه رباب یک ترکه چوبی خمیده است که به دو سر آن رشته‌هایی از موی دُم اسب بسته شده‌اند.



ب) با کاسه طنینی فلزی: کولی‌های عرب‌زبان خوزستان گاه به جای کاسه یا قاب چوبی از گَالُن یا ظرف‌های مکعب مستطیل فلزی چهارلیتری روغن استفاده می‌کنند. سایر قسمت‌های این نوع رباب مانند رباب با کاسه یا قاب چوبی است.

کوک رباب: رباب کوک ثابتی ندارد و میزان

کشش تنها وتر مویین آن ارتباط مستقیم با وسعت صوتی

صدای خواننده دارد. صدای این وتر در رباب مورد بررسی به صورت  کوک شده است.

تکنیک‌های اجرایی رباب: امکانات اجرایی آرشه در



توفیق مهاوی

این ساز، با توجه به نوع موسیقی، ساختمان آرشه و ساختار ساز، تنوع زیادی ندارد. لگاتو، استاکاتو، ترمولو، آلاپوتتا، آلتالونه، داششه، آلاکورد، سپاراتو و نیز سول پوتی چلو و سولاتاستی‌را از شاخص‌ترین تکنیک‌های اجرایی دست راست در این ساز هستند. در انگشت‌گذاری بر تنها وتر رباب از هر پنج انگشت دست چپ استفاده می‌شود و این انگشت‌ها به جز انگشت شست، از بغل با وتر تماس دارند. انگشت شست دست چپ به نوعی نقش شیطانک متحرک این ساز را بر عهده دارد. گلیساندو (به صورت لغزش میان دو صدای مجاور و گاه غیرمجاور) و اجرای صداهای فلاژوله از دیگر تکنیک‌های اجرایی دست چپ در رباب هستند.

موارد و نوع استفاده رباب: رباب تنها ساز زهی بومی‌ست که در خوزستان برای اجرای موسیقی سنتی عربی استفاده می‌شود. تمام فرم‌های سازی (تقسیم، نوبه و ...) و آوازی (قصیده، لیالی، موال، توشیح و ...) با رباب قابل اجرا هستند. رباب با چند ساز کوبه‌ای شامل کاسوره، تمبو و تمبک همراهی می‌شود و مهم‌ترین عرصه حضور این ساز، مجالس عروسی و شادمانی‌ست.

جنس و مواد به کار رفته در ساختمان رباب

کاسه طنبینی: چوب، فلز (گالن چهارلیتری روغن)

پوست (در رباب‌های با کاسه چوبی): پوست گوسفند

دسته و گوشی و خرک: چوب توت یا چوب‌های متداول در محل

سیم‌گیر: بند نخ، بند نایلونی، تسمه باریک پلاستیکی

میل: مفتول فلزی یا چوبی

وتر: رشته‌های موی دُم اسب

آرشه: ترکه‌ای چوبی با موی دُم اسب



تمرین‌های فصل دوم – بخش اول

زه‌صداها (کور دوفون‌ها)

۱- کوک‌های متداول در دوتارهای شرق و شمال خراسان، ترکمن صحرا، کتول و شرق مازندران را بنویسید.



۲- تعداد دستان‌ها در دوتارهای شرق و شمال خراسان، ترکمن صحرا، کتول و شرق مازندران را بنویسید.

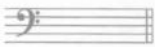
۳- دستان‌بندی دوتار شمال خراسان (قربان سلیمانی – قوچان) را بنویسید.



۴- تکنیک‌های اجرایی اصلی در دوتارهای شرق و شمال خراسان، ترکمن صحرا، کتول و شرق مازندران را شرح دهید.

۵- جنس کاسه طنینی، صفحه و دسته در سازهای خانواده دوتار چیست؟

۶- کوک‌های اصلی و متداول در تنبور را بنویسید.



۷- دستان‌بندی تنبور کرمانشاه (سید امراله شاه‌ابراهیمی – صحنه) را بنویسید.



۸- تکنیک‌های اجرایی اصلی در تنبور را نام ببرید.

۹- ویژگی‌های ظاهری و ساختاری تمبوره تالش را توضیح دهید.

۱۰- کوک‌های متداول در تمبوره تالش را بنویسید.



۱۱- دستان بندی تمبوره تالش (صالح بیدار) را بنویسید.



۱۲- تکنیک‌های اجرایی اصلی در تمبوره تالش را توضیح دهید.

۱۳- ویژگی‌های ظاهری و ساختاری تمبورک بلوچستان را شرح دهید.

۱۴- کوک تمبورک بلوچستان را بنویسید.



۱۵- تکنیک‌های اجرایی اصلی در تمبورک بلوچستان را نام ببرید.

۱۶- موارد و نوع استفاده از تمبورک بلوچستان را شرح دهید.

۱۷- ویژگی‌های ظاهری و ساختاری اصلی در رباب هجده‌تار بلوچستان و سیستان را توضیح

دهید.

۱۸- کوک وترهای اصلی در رباب هجده‌تار را بنویسید.



۱۹- کوک وترهای فرعی (واخوان‌ها) در رباب هجده‌تار را بنویسید.



۲۰- دستان بندی رباب هجده‌تار بلوچستان (موسی زنگشاهی - زاهدان) را توضیح دهید.

۲۱- تکنیک‌های اجرایی اصلی در رباب هجده‌تار بلوچستان را شرح دهید.

۲۲- موارد و نوع استفاده از رباب هجده‌تار بلوچستان را شرح دهید.

۲۳- ویژگی‌های ظاهری و ساختاری رباب پنج‌تار بلوچستان را شرح دهید.

۲۴- کوک‌های اصلی رباب پنج‌تار بلوچستان را بنویسید.



۲۵- تکنیک‌های اجرایی اصلی رباب پنج تار بلوچستان را توضیح دهید.

۲۶- ویژگی‌های ظاهری و ساختاری اصلی بینجو بلوچستان را توضیح دهید.

۲۷- کوک‌های اصلی بینجو بلوچستان را بنویسید.



۲۸- پرده‌بندی بینجو بلوچستان را بنویسید.



۲۹- تکنیک‌های اجرایی اصلی بینجو را شرح دهید.

۳۰- ویژگی‌های ظاهری و ساختاری ساز عاشیقی آذربایجان را شرح دهید.

۳۱- متداول‌ترین کوک ساز عاشیقی آذربایجان را بنویسید.



۳۲- دستان‌بندی متداول ساز عاشیقی آذربایجان (ایمران حیدری - تبریز) را بنویسید.



۳۳- موارد و نوع استفاده از ساز عاشیقی آذربایجان شرقی و غربی را شرح دهید.

۳۴- ویژگی‌های ظاهری و ساختاری اصلی تار آذربایجانی را شرح دهید.

۳۵- کوک‌های اصلی و متداول تار آذربایجانی را بنویسید.



۳۶- دستان بندی تار آذربایجانی (حبیب صیرفی - تبریز) را بنویسید.



۳۷- تکنیک های اجرایی اصلی تار آذربایجانی را شرح دهید.

۳۸- کوک های متداول و معمول در سازهای خانواده باغلاما را بنویسید.



۳۹- دستان بندی باغلاما (دیوان ساز) را بنویسید.



۴۰- ویژگی های ظاهری و ساختاری اصلی تمبیره نوبان هرمزگان را شرح دهید.

۴۱- کوک تمبیره نوبان هرمزگان (بابا درویش - قشم) را بنویسید.



۴۲- موارد و نوع استفاده از تمبیره نوبان را شرح دهید.

۴۳- ویژگی های ظاهری و ساختاری اصلی قیچک بلوچستان را شرح دهید.

۴۴- کوک های متداول و تره های اصلی قیچک بلوچستان را بنویسید.



۴۵- کوک وترهای فرعی (واخوان‌ها) قیچک بلوچستان را بنویسید.



۴۶- تکنیک‌های اجرایی اصلی قیچک بلوچستان را توضیح دهید.

۴۷- ویژگی‌های ظاهری و ساختاری اصلی قیچک سیستان را بنویسید.

۴۸- کوک وترهای اصلی قیچک سیستان را بنویسید.



۴۹- کوک وترهای فرعی (واخوان‌ها) قیچک سیستان را بنویسید.



۵۰- موارد و نوع استفاده از قیچک سیستان را شرح دهید.

۵۱- در چه مناطقی از ایران کمانچه متداول است؟

۵۲- چند نوع کاسهٔ طنینی کمانچه در ایران متداول است؟

۵۳- کوک‌های متداول کمانچه در مناطق شرق مازندران، ترکمن‌صحرا، آذربایجان شرقی و

لرستان را بنویسید.



۵۴- تکنیک‌های اجرایی اصلی در سازهای خانوادهٔ کمانچه در نواحی ایران را توضیح دهید.

۵۵- ویژگی‌های ظاهری و ساختاری رباب خوزستان را شرح دهید.

۵۶- تکنیک‌های اجرایی اصلی رباب خوزستان را شرح دهید.

۵۷- موارد و نوع استفاده از رباب خوزستان را شرح دهید.

پوست صداها (ممبرانوفون ها)

هدف های رفتاری: پس از پایان این بخش از فراگیر انتظار می رود:

- ۱- موارد استفاده از انواع نقره را توضیح دهد.
- ۲- انواع دهل در نوامی مختلف را شرح دهد.
- ۳- ویژگی های ظاهری و سافتاری پوست صداهاى مورد بحث در بخش دوم را شرح دهد.
- ۴- گروه طبل های دوطرفه و یک طرفه را توضیح دهد.
- ۵- مداخل ویژگی های پانزده نوع دهل را توضیح دهد.

سازهای کوبه ای و ضربه ای دارای پوست

پوست صداها یا سازهای کوبه ای و ضربه ای دارای پوست در نواحی ایران انواع مختلف و بی شماری دارند و در یک تقسیم بندی کلی می توان آنها را از نظر ساختمان و نوع نواختن به چند گروه تقسیم کرد :

- ۱- طبل هایی که با ضربه مستقیم به صدا در می آیند.
 - ۲- طبل هایی که با ضربه غیر مستقیم به صدا در می آیند.
- طبل هایی که با ضربه مستقیم به صدا در می آیند خود به دو نوع تقسیم می شوند :

الف) طبل های دو طرفه

- گروه اول - طبل های دوطرفه که با چوب (مضراب) نواخته می شوند.
- گروه دوم - طبل های دوطرفه که با چوب (مضراب) و دست نواخته می شوند.
- گروه سوم - طبل های دوطرفه که با دست نواخته می شوند.

ب) طبل های یک طرفه

- گروه اول - طبل های یک طرف بسته که با چوب (مضراب) نواخته می شوند.
- گروه دوم - طبل های یک طرف باز که با دست نواخته می شوند.

تقسیم‌بندی‌های ریزتر، دقیق‌تر و فرعی‌تری نیز می‌توان برای پوست صداها در نظر گرفت که در اینجا نیازی به طرح آنها نیست و از هر نوع و هر گروه فقط چند ساز را به‌عنوان نمونه بررسی خواهیم کرد.

الف) طبل‌های دو طرفه

گروه اول — طبل‌های دو طرفه که با چوب (مضراب) نواخته می‌شوند.

این طبل‌ها با نام «دهل» و در برخی موارد با نام‌هایی برگرفته از زبان یا گویش‌های محلی شناخته می‌شوند. سازهای این گروه شاید پُرشمارترین نوع پوست صدا در نواحی مختلف ایران باشند:

۱- دهل — بلوچستان (منطقه شمالی: سرحد)

۲- دهل — سیستان

۳- دهل — خراسان (جنوب، شرق، شمال)

۴- دهل (دیل، دَهِیل) — گلستان (منطقه کتول)

۵- دهل (دِهل، دَهِیل) — مازندران (شرق)

۶- دهل (تَمَک) — مازندران (غرب)

۷- دهل — سمنان (گرمسار)

۸- دهل — تهران (طالقان)

۹- دهل — آذربایجان شرقی

۱۰- دهل — آذربایجان غربی

۱۱- دهل (دَوُل) — کرمانشاه

۱۲- دهل (دَتول، دَوُل، دَهل، دُل) — کردستان

۱۳- دهل — لرستان

۱۴- دهل — خوزستان (شوشتر)

۱۵- دهل — چهارمحال و بختیاری

۱۶- دهل — هرمزگان

۱۷- طبل هشت‌گوش — عراق و ایران

گروه دوم — طبل‌های دو طرفه که با چوب (مضراب) و دست نواخته می‌شوند:

۱- دهل — بلوچستان (مناطق مرکزی و جنوبی: مَکُران)

۲- تیمبوک — بلوچستان (مناطق مرکزی و جنوبی: مَکُران)

۳- دهل - کرمان

۴- جوره - کرمان

۵- دهل - هرمزگان (میناب)

۶- جوره - هرمزگان (میناب)

۷- دَمَام - بوشهر

گروه سوم - طبل های دو طرفه که با دست نواخته می شوند :

۱- دُکُر (دُهلک) - بلوچستان

۲- دُهلکِ نال - بلوچستان

۳- دَمَام - خوزستان (اروندکنار، خرمشهر، آبادان)

۴- ناقارا - آذربایجان شرقی

۵- پیپه - هرمزگان

۶- کِسِر - هرمزگان

۷- مُرواس - هرمزگان

ب) طبل های یک طرفه

گروه اول - طبل های یک طرفه بسته که با چوب (مضراب) نواخته می شوند :

نام بیشتر این طبل ها که غالباً به صورت مضاعف (دوتایی) هستند «نقاره» است. اما در برخی

نواحی ایران با نام هایی برگرفته از زبان یا گویش های محلی نیز شناخته می شوند :

۱- نقاره (ناقاره) - گیلان

۲- نقاره (دِسَرکوتین) - مازندران (مرکزی)

۳- فوشاناقارا - آذربایجان شرقی

۴- تاس، دو طبله (دوتپله) - کردستان

۵- نقاره (ناقاره) - فارس، کهگیلویه و بویراحمد

۶- نقاره نقاره خانه - خراسان (مشهد) و ...

۷- نقاره - سمنان

۸- نقاره - هرمزگان (بَسْتک)

۹- دهل نوبان - هرمزگان (بندر لنگه)

۱۰- نقاره - عراق و ایران

گروه دوم - طبل‌های یک طرفه‌باز که با دست نواخته می‌شوند :

این گروه به دو دسته تقسیم می‌شوند :

- با بدنهٔ استوانه‌ای یا شبه استوانه‌ای

- با بدنهٔ قاب‌مانند (طوقه‌ای)

نوع اول با نام‌های مختلفی، برگرفته از زبان یا گویش‌های محلی یا واژه‌هایی از فرهنگ‌های

دیگر - به‌ویژه آفریقا - در برخی نواحی ایران متداول‌اند :

۱- دهل مُگَرمان - بلوچستان

۲- چینگنگه - هرمزگان

۳- مِریاسه - هرمزگان

۴- چِپووه - هرمزگان

۵- دهل شیخ فرج (لیوا، رحمانی) - بوشهر (جزیرهٔ خارک)

۶- بچه‌های دهل شیخ فرج - بوشهر (جزیرهٔ خارک)

۷- تمبک - نواحی مختلف ایران

۸- تمبک زورخانه - برخی نواحی ایران

۹- تمپو - برخی نواحی ایران

۱۰- کاسوره - خوزستان (اهواز، آبادان، خرمشهر)

نوع دوم که بدنه‌ای قاب‌مانند دارند در بیشتر نواحی ایران متداول هستند و بر حسب اندازه و

نوع نواختن می‌توان آنها را به دو گروه اصلی زیر تقسیم کرد :

۱- دَف - کردستان و برخی نواحی ایران

۲- دایره - نواحی مختلف ایران

در آخرین بخش رده‌بندی پوست صداها، به طبل‌های دوطرفه‌ای که با ضربهٔ غیرمستقیم به صدا

درمی‌آیند اشاره می‌کنیم. این پوست صداها کم‌تعدادترین سازهای کوبه‌ای دارای پوست در ایران

به‌شمار می‌روند و در عین حال در معرض فراموشی هستند :

۱- اندازهٔ بزرگ : دهل شیطانک (دهل خبر) - کردستان

۲- اندازهٔ کوچک : طبلک (جغجغه) - نواحی مختلف ایران

اکنون به بررسی اجمالی چند نمونه از طبل‌های دوطرفه و یک طرفه می‌پردازیم :

۱- دهل - سیستان



دهل سیستان پوست صدای دوطرفه‌ای است که با چوب نواخته می‌شود. به طور کلی همه دهل‌ها بدنه‌ای استوانه‌ای دارند که بر دو سر آنها پوست کشیده می‌شود. ارتفاع این بدنه در نواحی مختلف متفاوت است اما در مجموع می‌توان گفت دهل‌ها بدنه‌ای نسبتاً بلند یا نسبتاً کوتاه دارند.

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری دهل سیستان: این

دهل، استوانه نسبتاً بلند و بزرگ چوبی و گاه فلزی است که بر دوسر آن پوست کشیده‌اند. پوست را در هر طرف ابتدا دور طوقه‌ای فلزی یا چوبی می‌کشند و بعد با طناب به شکل خاصی به بدنه دهل متصل می‌کنند. دهل با تسمه‌ای نسبتاً بلند از شانه چپ نوازنده آویزان می‌شود. طرف راست دهل با چوبی

قوس‌دار (چوب یا مضراب دهل) به صدا درمی‌آید و طرف چپ با دو چوب کوچک (نلوک) که به انگشت‌های دست چپ بسته می‌شوند نواخته می‌شود.

تکنیک‌های اجرایی دهل سیستان: چوب دهل در دست راست نوازنده قرار می‌گیرد و

نلوک‌ها به انگشت‌های سوم و چهارم دست چپ با نخ بسته می‌شوند. دست راست نقش اصلی را در نواختن دهل و ایجاد تقارن‌های اصلی متریک - ریتمیک برعهده دارد. صدای برخورد چوب دهل با پوست سمت راست بسیار شدید، پُر حجم و بم است. وظیفه نلوک‌های دست چپ ایجاد تزئینات ریتمیک و تکمیل اجزای ریتم است. در مجموع دست‌های راست و چپ نقش‌های متفاوتی دارند و مکالمه‌ای ریتمیک میان خود انجام می‌دهند.



موارد و نوع استفاده دهل سیستان : در حال حاضر دهل سیستان فقط در مجالس عروسی و شادمانی و گاه در مراسم کُشتی محلی نواخته می‌شود و ساز همراهی‌کننده سُرنا است. این ساز در گذشته وظیفه خبررسانی را نیز بر عهده داشته است.

جنس و مواد به کار رفته در ساختمان دهل سیستان :

بدنه : چوب جنگلی یکپارچه، فلز (بشکه)

پوست : پوست بز

چوب (مضرب) دهل : چوب جنگلی، چوب گز

۲- دهل - خراسان

دهل خراسان نیز پوست صدای دوطرفه‌ای است که با چوب نواخته می‌شود. خراسان را می‌توان از نظر فرهنگی به سه منطقه جنوب، شرق - مرکز و شمال تقسیم کرد. در تمام این مناطق دهل متداول است. جنوب خراسان شامل شهرهایی چون بیرجند، گناباد، قاین و فردوس است. دهل بیرجند به خاطر مشترکات فرهنگی تا حدودی شبیه دهل سیستان است. اما دهل‌های رایج در سایر شهرهای جنوب خراسان تا حدودی به هم شبیه هستند. در خراسان شرقی - مرکزی (تایباد، تربت جام، کاشمر و...) نیز دهل متداول است و ساختمان آن تفاوت قابل توجهی با دهل‌های جنوب خراسان - به جز بیرجند - ندارد. دهل شمال خراسان نیز در مجموع شبیه دهل‌های دیگر مناطق خراسان است.



دهل شمال خراسان (شیروان)

دهل شرق خراسان (تربت جام)

دهل جنوب خراسان (گناباد)

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری دهل خراسان: دهل‌های متداول در خراسان - به جز بیرجند -

که در مجموع ویژگی‌های ظاهری نسبتاً مشترکی دارند استوانه چوبی نسبتاً کوتاهی هستند که بر دوسر آن پوست کشیده‌اند. این استوانه از گرد کردن تسمه‌ای چوبی ایجاد شده است. پوست را در هر طرف ابتدا دور طوقه‌ای چوبی و گاه فلزی می‌کشند و طوقه همراه پوست را با طناب به شکل خاصی به بدنه دهل متصل می‌کنند. دهل خراسان نیز معمولاً با تسمه یا طناب از شانه چپ نوازنده آویزان می‌شود. طرف راست دهل با چوبی که اندکی قوس دارد، و طرف چپ با ترکه‌ای باریک به صدا درمی‌آیند.

تکنیک‌های اجرایی دهل خراسان : چوب دهل در دست راست نوازنده و ترکه در میان انگشت‌های دست چپ او قرار می‌گیرند. دست‌های راست و چپ در ایجاد تقارن‌های متریک-ریتمیک مکمل هم هستند و نوعی مکالمه ریتمیک به وجود می‌آورند. صدای برخورد چوب دهل به پوست سمت راست قوی، پُر حجم و بم، و صدای برخورد ترکه به پوست چپ تیز، نافذ و زیر است.



دهل شمال خراسان (شیروان)



دهل شرق خراسان (تریت‌جام)



دهل جنوب خراسان (گناباد)

موارد و نوع استفاده دهل خراسان : دهل، ساز همراهی‌کننده سُرنا است و مجالس عروسی و شادمانی مهم‌ترین عرصه حضور دهل و سُرنا هستند. رپرتوار سُرنا و دهل خراسان شامل آهنگ‌های رقص، مراسم اسب چوبی (گناباد، سبزوار و شمال خراسان)، اجرای برخی مقام‌های اصلی منطقه و برخی ترانه‌ها است.

جنس و مواد به کار رفته در ساختمان دهل خراسان :

- بدنه : چوب‌های جنگلی، توت، چنار، سیپدار
- پوست : پوست‌های بز، گوسفند، آهو، بزغاله
- چوب (مضارب) دهل : چوب‌های گز، سیاحو، گردو، زردآلو
- ترکه : چوب بید
- طوقه : چوب‌های قابل انعطاف
- طناب : نخ، موی بز، پلاستیک

۳- دَمَام – بوشهر

دَمَام از پوست صداهای دوطرفه‌ای است که بدنه‌ی استوانه‌ای نسبتاً بلند دارند و با چوب (مضراب) و دست نواخته می‌شوند. دَمَام‌های بوشهر معمولاً در سه اندازه‌اند و در واقع سه کارکرد مختلف دارند. نوع اول، دَمَام معمولی‌ست که تعدادشان در گروه معمولاً چهار عدد است. نوع دوم، دَمَام غَمبر است که می‌تواند اندازه‌ی دَمَام معمولی یا بزرگتر از آن باشد. در کنار چهار دَمَام معمولی از دو دَمَام غَمبر استفاده می‌شود. نوع سوم، دَمَام اِشکون، از دو نوع قبلی کوچک‌تر است و تعداد آن در گروه معمولاً یک عدد است.



ویژگی‌های ظاهری و ساختاری دَمَام: دَمَام، استوانه‌ای از چوب یکپارچه یا ترکه‌ای و گاه فلزی است که بر دو طرف آن پوست کشیده‌اند. پوست را ابتدا دور طوقه‌هایی به نام چَمَبَره از جنس نی خیزران یا بامبو می‌کشند. هر دَمَام چهار چَمَبَره دارد که در میان پوست صداهای متداول در ایران یک ویژگی منحصر به فرد است. زیرا همه‌ی طبل‌های دوطرفه معمولاً دارای دو طوقه هستند، اما دَمَام در هر طرف دو طوقه دارد. طوقه‌ها همراه با پوست در دو طرف دَمَام با طناب به شکل خاصی به بدنه متصل می‌شوند. دَمَام را با یک قطعه چوب (ساقه برگ نخل) که اندکی قوس دارد می‌نوازند.



تکنیک‌های اجرایی دَمَام: چوب یا گُرز دَمَام که سر آن کمی خمیده است در دست راست نوازنده قرار می‌گیرد. پوست سمت راست با چوب و پوست سمت چپ با دست نواخته می‌شوند. دست‌های راست و چپ در ایجاد تقارن‌های متریک – ریتمیک مکمل هم هستند و نوعی مکالمه‌ی ریتمیک به وجود می‌آورند. این مکالمه در دَمَام معمولی، ساده‌تر است و به ترتیب در دَمَام غَمبر و اِشکون پیچیده‌تر می‌شود. صدای برخورد گُرز دَمَام به پوست

سمت راست قوی، پُر حجم و بَم، و صدای برخورد کف و انگشت‌های دست چپ نوازنده به پوست سمت چپ تا حدودی نافذ و زیرتر است. دَمَام‌های غَمبر از نظر تکمیل جریان ریتم، واسطه‌ای میان دَمَام‌های معمولی و دَمَامِ اِشکون هستند. دَمَام‌های معمولی پایه‌های اصلی جریان ریتم را ایجاد می‌کنند و دَمَام‌های غَمبر این پایه‌ها را به ساختمان ریتمیک تبدیل می‌کنند و دَمَامِ اِشکون به صورت بداهه به تزئین و آرایش این ساختمان ریتمیک می‌پردازد. بنابراین نقش دَمَامِ اِشکون از سایر دَمَام‌ها مشکل‌تر و مهم‌تر است.

موارد و نوع استفاده دَمَام : موارد اصلی استفاده از دَمَام در چند دهه اخیر محدود به مراسم سوگواری ماه محرم در قالب گروه‌های دَمَام و سنج و بوق است. در سال‌های اخیر از این ساز در موقعیت‌های دیگری چون مراسم یَزله و همراهی با نی‌انبان و نی‌جفتی نیز استفاده می‌کنند. گروه‌های دَمَام و سنج و بوق، متشکل از تعدادی دَمَام (معمولاً فرد)، تعدادی سنج (معمولاً فرد) و یک بوق شاخی هستند و وظیفه اعلام آغاز مراسم سوگواری محرم را برعهده دارند. در گذشته از دَمَام هنگام انجام کارهای دریایی در کشتی یا ساحل، مراسم اهل هوا (نوعی مراسم موسیقی درمانی)، مراسم دُم‌دُم سحری (مراسم سحرگاه ماه رمضان) و چند موقعیت دیگر نیز استفاده می‌شده است.

جنس و مواد به کار رفته در ساختمان دَمَام :

بدنه : چوب یکپارچه یا ترک‌های، فلز

پوست : پوست بز

چَمَبَرَه (طوقه) : نی بامبو، خیزران، چوب، میله فلزی

چوب (کُرز) دَمَام : ساقه برگ درخت نخل

طناب : الیافی مانند کنف، بندنخی

۴- دُگَر (دُهَلک) - بلوچستان

دُگَر یا دهلک پوست صدای دوطرفه‌ای است که بدنهٔ استوانه‌ای نسبتاً بلند دارد و فقط با دست نواخته می‌شود. این ساز در همهٔ مناطق بلوچستان از شمال تا جنوب متداول است.



ویژگی‌های ظاهری و ساختاری دُگَر :

دُگَر اندازهٔ ثابتی ندارد، اما وجه مشترک همهٔ دُگَرها در کوچک بودن اندازهٔ آنها نسبت به دهل بلوچی است و به همین دلیل به آن دهلک، یعنی دهل کوچک می‌گویند. دُگَر، استوانهٔ چوبی یکپارچه و گاه فلزی است که برسر آن پوست کشیده می‌شود. پوست را در هر طرف ابتدا دور

طوقه‌ای می‌کشند و طوقهٔ همراه پوست را با طناب به شکل خاصی به بدنه متصل می‌کنند.

تکنیک‌های اجرایی دُگَر : اگرچه دست‌های راست و چپ در نواختن دُگَر نقش چندان متفاوتی نسبت به هم ندارند اما صدای پوست سمت راست، هم به‌خاطر نحوهٔ نواختن و هم به‌خاطر بزرگتر بودن دهانه و وسعت بیشتر پوست - در نمونه‌هایی که دهانه‌های هم‌اندازه ندارند - به‌تر است. هنگام



نواختن بر پوست سمت راست بیشتر از پاشنهٔ دست (قسمت داخلی مج)، کف و انگشت‌های دست راست استفاده می‌شود. پوست سمت چپ معمولاً صدای زیرتری دارد و با کف و بیشتر انگشت‌های دست چپ نواخته می‌شود. دُگَر را هنگام نواختن به صورت افقی روی زمین می‌گذارند و در حالت نشسته می‌نوازند.

موارد و نوع استفادهٔ دُگَر : این پوست صدا، ساز مورد استفاده در گروه‌های موسیقی بلوچی

به‌ویژه در اجرای سَوت (ترانه‌های شاد بلوچی) در مجالس عروسی و شادی است.

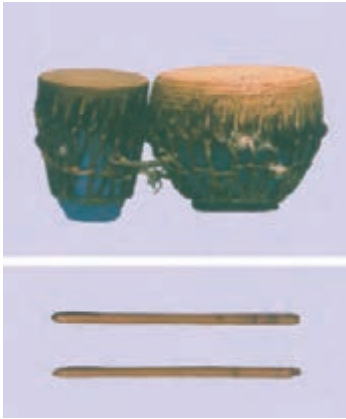
جنس و موارد به‌کار رفته در ساختمان دُگَر :

بدنه : چوب توت، فلز

پوست : پوست بز، آهو

طناب : موی بز، بدنخی

۵- نقاره (دِسَرکوتین) - مازندران مرکزی



دِسَرکوتین از پوست صداهای یک طرفه (یک طرف بسته) مضاعف است که با چوب نواخته می‌شود. این ساز را که مهم‌ترین پوست صدای مناطق مرکزی مازندران است همراه با سُرنا می‌نوازند.

ویژگی‌های ظاهری دِسَرکوتین: دِسَرکوتین، دو طبل تخم‌مرغی یا گلدانی شکل ته‌بسته در دو اندازه مختلف است. که طبل بزرگتر صدای بم و طبل کوچکتر صدای زیر دارد. پوست را با بندهای چرمی و به شکل خاصی بر دهانه هر دو طبل می‌کشند. نقاره مازندران با دو قطعه چوب نواخته می‌شود.



تکنیک‌های اجرایی دِسَرکوتین: دست‌های راست و چپ در نواختن دِسَرکوتین نقش چندان متفاوتی ندارند. هنگام نواختن، این ساز روی زمین و یا زیر بغل نوازنده قرار می‌گیرد و ظاهراً در قدیم با تسمه یا بندی از کتف نوازنده آویزان می‌شده است. دِسَرکوتین به‌خاطر حجم کوچکش در حدمطلوبی چالاک است و به همین دلیل تکنیک‌های اجرایی مختلف و نسبتاً مشکلی دارد.

موارد و نوع استفاده دِسَرکوتین: مهم‌ترین مورد استفاده نقاره مازندران مجالس عروسی و شادی است. از این ساز در قدیم در نقاره‌خانه استفاده می‌کرده‌اند و در مراسم کُشتی سنتی مازندران نیز همراه سُرنا نواخته می‌شود.

جنس و مواد به‌کار رفته در ساختمان دِسَرکوتین:

بدنه: سفال

پوست: پوست گاو

بندهای دور بدنه: بند چرمی، زه

چوب‌ها (مضارب‌ها): چوب کُنْدِس (ازگیل وحشی)

۶- نقاره‌نقاره‌خانه

نقاره‌کوبی، نوعی آیین باستانی است و چون نقاره را در اوقات معین و نوبت‌های متعددی می‌نواخته‌اند، به «نوبت‌نوازی» نیز مشهور بوده است. آیین نقاره‌کوبی قبل از اسلام در ایران رواج یافت و پس از اسلام نیز با تغییراتی به حیات خود ادامه داد. اعلام طلوع و غروب خورشید و وقوع حوادثی مانند جنگ، سیل، بیماری و نیز اعلام جشن‌ها، تشریفات و ... از فعالیت‌های نقاره‌خانه بود. تعداد دفعاتی که در شبانه‌روز نقاره نواخته می‌شد در دوره‌های مختلف متفاوت بود. این آیین تا اواخر دوران قاجار پابرجا بود اما پس از آن روبه افول گذاشت.

در ایران دو نوع نقاره‌خانهٔ حکومتی و مذهبی متداول بود. از ابتدای دورهٔ پهلوی نقاره‌خانه‌های حکومتی تعطیل شدند اما بعضی نقاره‌خانه‌های مذهبی به فعالیت خود ادامه دادند که نقاره‌خانهٔ آستان قدس رضوی در مشهد مهم‌ترین آنها است. نقاره‌خانه‌های مذهبی نشانه‌ای از شکوه، اقتدار و حکومت معنوی بزرگان و اسوه‌های مذهبی شیعه تلقی می‌شده و وظیفهٔ آنها خبررسانی و اعلام اوقات شرعی و طلوع و غروب خورشید بوده است. در چند دههٔ اخیر چند نقاره‌خانه در نواحی مختلف ایران فعال یا نیمه‌فعال بوده‌اند که نقاره‌خانهٔ آستان قدس رضوی در مشهد (مهم‌ترین نقاره‌خانهٔ فعال ایران)، نقاره‌خانهٔ شاه‌چراغ در شیراز، نقاره‌خانهٔ بقعهٔ سیدجلال‌الدین اشرف در آستانهٔ اشرفیهٔ گیلان و چند نقاره‌خانهٔ نیمه فعال دیگر از آن جمله‌اند.

در اینجا به بررسی نقاره‌های آستان قدس رضوی در مشهد (خراسان) می‌پردازیم:

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری نقاره‌های آستان قدس:

نقاره‌های این نقاره‌خانه چهار نوع هستند:

- ۱- چاشنی (سرچاشنی) کوچکترین نقاره، شبیه کاسه یا پیاله است که از آغاز تا خاتمهٔ مراسم نقاره‌کوبی نواخته می‌شود و سایر نقاره‌ها از آن پیروی می‌کنند.
- ۲- تخم‌مرغی که شبیه نیمهٔ تخم‌مرغ است.
- ۳- گورگه نقارهٔ بزرگی است که صدای آن بم‌تر و پُر حجم‌تر از سایر نقاره‌ها و شبیه نیمهٔ تخم‌مرغ است.

- ۴- طبل ساده که از نقارهٔ گورگه و تخم‌مرغی کوچکتر است و شکل آن نیز مانند نیمهٔ تخم‌مرغ است.

پوست را با بندهای چرمی به شکل خاصی روی دهانهٔ همهٔ نقاره‌ها می‌کشند و هر نقاره با دو قطعه چوب نواخته می‌شود. طول و ضخامت چوب‌ها بستگی به نوع و اندازهٔ نقاره دارد.



طبل تخم مرغی



گورگه

تکنیک‌های اجرایی نقاره‌های آستان قدس: این نقاره‌ها تکنیک‌های اجرایی ساده‌ای



دارند، اما آنچه مهم است رعایت و اجرای چنددورِ ایقاعی (پانزده‌تایی، دوازده‌تایی، شش‌تایی، چهارتایی و...) توسط نوازندگان است که به‌صورت تجربی و نسل به نسل آموخته‌اند. هر نقاره را روی یک پایه فلزی می‌گذارند و آنها را در طول مراسم گاه به تنهایی و گاه همراه با گرناها می‌نوازند. امروزه معمولاً چهار نوازنده نقاره و شش نوازنده گرنا در نقارخانه آستان قدس فعالیت می‌کنند.

موارد و نوع استفاده نقاره‌های آستان قدس: نقاره‌های آستان قدس رضوی فقط مخصوص

استفاده در همین نقاره‌خانه‌اند و به‌جز روزهای سوگواری مذهبی و ماه‌های محرم و صفر، هر روز در دو نوبت و هر نوبت حدود بیست دقیقه نواخته می‌شوند. نوبت اول حدود پانزده دقیقه قبل از طلوع آفتاب و نوبت دوم حدود پانزده دقیقه پیش از غروب آفتاب برای اعلام پایان وقت نماز صبح و مغرب است. در اعیاد مذهبی و تولد امامان (ع) نقاره‌ها را دو نوبت اضافه و در ماه رمضان نیز سه نوبت به صدا درمی‌آورند.

جنس و مواد به‌کار رفته در نقاره‌های آستان قدس:

بدنه: مس

پوست: پوست گاو یا گوساله

چوب‌ها (مضارب‌ها): چوب‌های محکم و قابل انعطاف

۷- تمبک - نواحی مختلف ایران

پوست صداهای یک طرفه (یک طرف باز) که با دست نواخته می‌شوند و با نام تمبک یا تنبک در ایران شناخته می‌شوند. متداول ترین ساز کوبه‌ای دارای پوست در بسیاری از نواحی ایران هستند و با تغییرات یا تحریفاتی در لفظ به صورت‌های زیر تلفظ می‌شوند:

تمپک (بَسْتک، هَزَنگ و بندرچارک در هرمزگان)، تپیک یا تمپیک (میناب در هرمزگان)، دُمبک یا تَپَل (کردستان)، دُمک (کرمانشاه)، کَش دُمبک (شرق مازندران)، دُمبوک (شرق گیلان)، دُمبوک (جزیره قشم در هرمزگان)، تَمک (نوشهر، در غرب مازندران) و ضرب، تمبک یا تنبک در برخی نواحی دیگر ایران.

اگرچه تمبک در چند دهه گذشته به موسیقی برخی نواحی ایران راه یافته و غالباً جانشین دایره شده است، اما با توجه به حضور حداقل یک صدساله آن در موسیقی بعضی نواحی ایران می‌توان گفت امروزه تمبک بخش جدایی‌ناپذیر پیکره موسیقی برخی نواحی ایران است. تهران، کاشان، طالقان، کرمان، اصفهان، فارس، خوزستان، هرمزگان، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، لرستان، کرمانشاه، کردستان، برخی از مناطق آذربایجان غربی، شرق مازندران و گلستان (منطقه کنول) مناطقی هستند که تمبک در آنها بیشتر متداول است. مناطقی که تمبک در آنها رواج ندارد و یا کمتر رواج دارد عبارت‌اند از سیستان، بلوچستان، خراسان، آذربایجان شرقی، کهگیلویه و بویراحمد، یزد و گلستان (منطقه ترکمنی). در بلوچستان و ترکمن صحرا اساساً سازهای گروه تمبک متداول نیستند. البته این تقسیم‌بندی مطلق نیست و مبتنی بر حداکثر و حداقل استفاده از تمبک در مناطق یاد شده است.

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری تمبک: تمبک‌های

متداول در نواحی ایران یا چوبی هستند و یا فلزی. در بعضی مناطق فقط تمبک چوبی متداول است و در برخی دیگر فقط از تمبک فلزی استفاده می‌کنند. در بعضی مناطق نیز هر دو نوع متداول‌اند. تمبک‌های چوبی صرف‌نظر از اندازه آنها ویژگی‌های مشترک ساختاری با تمبک کلاسیک ایران دارند. تمبک فلزی معمولاً از ورق فلزی سیاه ساخته می‌شود و قسمت‌های مختلف آن با میخ و پرچ به هم متصل شده‌اند. همه تمبک‌ها اعم از چوبی یا فلزی یک استوانه طینی دارند که روی دهانه آن پوست چسبانده شده است.



تمبک هرمزگان (میناب)

استوانه طنینی به شکل های مختلفی به گلولی تمبک که خود استوانه باریک تری است، متصل می شود و گلولی نیز با شکل های متنوعی به دهانه شیپوری پشت تمبک وصل می شود. اگرچه نحوه اتصال سه قسمت اصلی تمبک در انواع مختلف آن و در مناطق مختلف تاحدودی متفاوت است اما ویژگی های اصلی ساختاری تمبک در همه نمونه ها مشابه اند.



هرمزگان (میناب)

تکنیک های اجرایی تمبک: تکنیک های اجرایی تمبک

در نواحی ایران در مجموع ساده تر از تکنیک های امروزی تمبک در موسیقی کلاسیک ایران هستند. در موسیقی نواحی ایران وظیفه اصلی تمبک حفظ جریان ریتمیک - متریک است و نه ارائه تکنیک های دشوار و نمایشی. به همین دلیل استفاده مستقل از انگشت های هردو دست که در تمبک نوازی موسیقی کلاسیک امروز ایران اهمیت دارد، در موسیقی نواحی ایران جایگاه درخوری ندارد. استفاده از کف دست ها، اجرای ریز و پلنگ های ساده از رایج ترین تکنیک های اجرایی تمبک در نواحی ایران به شمار می روند.

موارد و نوع استفاده تمبک: مجالس عروسی و شادی

مهم ترین عرصه حضور تمبک در موسیقی نواحی ایران هستند و تمبک همراهی کننده سازهای مختلفی چون کمانچه (شرق مازندران، لرستان، دامغان، طالقان، کرمانشاه، فارس، چهارمحال و بختیاری و ...) نی انبان (بندر چارک، بستک در هرمزگان)، دوزله و نرمنه نای (کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی) و ... است. در نواحی مختلف ایران تمبک را هم نشسته و هم ایستاده و یا در حال حرکت می نوازند. در وضعیت ایستاده یا در حال حرکت، این ساز معمولاً با تسمه یا طناب به گردن یا کتف نوازنده آویزان است. در بیشتر مناطق ایران از یک تمبک در همراهی با سازهای مختلف استفاده می شود، اما اجرای موسیقی در میان کولیانِ بندر چارک و بستک در هرمزگان مستلزم همراهی بیش از یک تمبک است و تعداد آنگاه به ده تا دوازده تمبک می رسد.

جنس و مواد به کار رفته در ساختمان تمبک

بدنه: چوب های گردو، کهور، سیسم و برخی چوب های دیگر / ورق فلزی سیاه و میخ و پرچ

پوست: پوست گوسفند، بز

۸- تمبک زورخانه - برخی نواحی ایران

زورخانه محل انجام ورزش باستانی ایران و ساختمانی سرپوشیده است که در وسط آن یک گود چندضلعی و در بالای گود سقف بلندی با نورگیر قرار دارد و در اطراف گود نیز جایگاه‌هایی برای تعویض لباس، گذاشتن اسباب‌های ورزش زورخانه، نشستن تماشاچی‌ها و سکوی سردم (محل نشستن مرشد) وجود دارد. هدایت مراسم ورزشی زورخانه امروزه برعهده فردی است که مرشد نامیده می‌شود. مرشدها ورزشکاران قدیمی هستند که از صدای خوش و ذوق موسیقی و شعر بهره‌مندند و وظیفه نواختن تمبک زورخانه، خواندن آواز و تعلیم و تربیت ورزشکاران جوان را برعهده دارند. تنها سازی که در زورخانه مورد استفاده قرار می‌گیرد - به جز زنگ - تمبک مخصوص زورخانه است.^۱

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری تمبک زورخانه: تمبک زورخانه بزرگ‌ترین پوست صدای یک طرفه (یک طرف باز) از لحاظ اندازه در ایران است که با دست نواخته می‌شود. این ساز از جنس سفال با بدنه‌ای یکپارچه است و پوست را با سریش بر دهانه آن می‌چسبانند. بدنه تمبک زورخانه از سه قسمت متصل به هم شامل محفظه و استوانه صوتی، گلویی و دهانه شیپوری انتهایی تشکیل شده است. گلویی، لوله‌ای نسبتاً استوانه‌ای است که به تدریج به سمت دهانه شیپوری گشاد می‌شود و انتهای آن به این دهانه وصل می‌شود.



تمبک زورخانه (نمونه جدید)



تمبک زورخانه (نمونه قدیم)

۱- از دیدگاه ما کُباده نیز اگرچه یک وسیله ورزشی زورخانه است. اما به‌خاطر ساختمان ویژه و چگونگی استفاده از آن، در زمره خود صداها یا سازهای کوبه‌ای و ضربه‌ای بدون پوست می‌تواند قرار گیرد.

تکنیک‌های اجرایی: تمبک زورخانه با استفاده از انگشت‌ها، کف و میج دست‌ها، ساعدها، کتف و بازو نواخته می‌شود. استفاده از ساعد، کتف و بازو ویژگی مهمی در نواختن این تمبک است که تکنیک‌های اجرایی آن را از تمبک معمولی متمایز می‌کند. صدای تمبک زورخانه بیشتر به قدرت، حجم، میزان نفوذ صدا و شدت آن بستگی دارد، نه ریزه‌کاری‌های دقیق و ظریفی که با انگشت‌ها با تمبک معمولی اجرا می‌شوند و به همین دلیل نقش مستقل انگشت‌های هردو دست کمتر و نقش ساعد، کتف و بازو در نواختن آن بیشتر است. تمبک زورخانه را نشسته می‌نوازند.



موارد و نوع استفاده تمبک زورخانه: این تمبک به عنوان رکن اصلی مراسم ورزش باستانی نقش عمده‌ای در تنظیم و ایجاد هماهنگی در حرکت‌های ورزشی فردی و جمعی و تشویق و تهییج ورزشکاران در اجرا و ادامه حرکت‌های ورزشی دارد. مرشدها هنگام نواختن تمبک زورخانه، شعرهای حماسی و گاه تغزلی و عرفانی را در وزن‌های مناسب با مقام‌های موسیقی انتخاب می‌کنند و به آواز می‌خوانند. ورزش باستانی مراحل مختلفی دارد که عبارتند از: سنگ گرفتن، شنا کردن، میل گرفتن، میل‌بازی، چرخ زدن، پازدن و گَباده کشیدن. در تمام مراحل به‌جز سنگ گرفتن، تمبک زورخانه نواخته می‌شود. معمولاً در زورخانه از یک تمبک استفاده می‌کنند. اما گاه برای تهییج بیشتر ورزشکاران، در کنار مرشد فرد دیگری نیز که خود مرشد است به نواختن تمبک زورخانه می‌پردازد. از این ساز فقط در زورخانه استفاده می‌شود.

جنس و مواد به‌کار رفته در ساختمان تمبک زورخانه

بدنه: سفال (گل پخته)

پوست: پوست بز

۹- دَف - کردستان و برخی نواحی ایران

دَف، پوست صدایی یک طرفه (یک طرف باز) با بدنه قاب مانند تقریباً در همه نواحی ایران متداول است و قاب آن غالباً گرد و به ندرت چندضلعی است و در اندازه‌های مختلف و کاربردهای گوناگون دیده می‌شود. ویژگی‌های ظاهری و ساختاری همه دَف‌ها در مجموع یکسان‌اند و اختلافشان در اندازه، داشتن یا نداشتن زنجیر، حلقه، زنگ و زنگوله، جنس و مواد به کار رفته در ساختمان آنها و نوع کاربرد و موقعیت فرهنگی‌شان است. این پوست صدا در مناطق مختلف با نام‌های گوناگونی شناخته می‌شود و متداول‌ترین نام برای سازهای این گروه دَف یا دَپ و دایره است.

از نظر ما با وجود شباهت دَف و دایره، این سازها به خاطر تفاوت در اندازه، ویژگی‌های ظاهری و از همه مهم‌تر، رنگ و جنس صدا و کارکرد و تکنیک‌های اجرایی سازهای مستقلی محسوب می‌شوند. نه دایره زیرمجموعه دَف است و نه دَف زیرمجموعه دایره. حتی خود دایره‌ها نیز در نواحی مختلف ایران گاه از نظر شکل، اندازه و تکنیک‌های اجرایی با یکدیگر تفاوت دارند. اگرچه دَف از گذشته تا به امروز در موسیقی ایران و در نواحی مختلف حضوری چشمگیر داشته است، اما تعلق آن به کردستان - حداقل پس از تأسیس طریقت قادریه توسط شیخ عبدالقادر گیلانی در نیمه دوم قرن هشتم قمری و استفاده خاص پیروان این سلسله از این ساز - در مقایسه با نواحی دیگر ایران بارزتر است.

دَف کردستان - ویژگی‌های ظاهری و ساختاری دَف :



مانند از جنس چوب دارد که بر یک طرف آن پوست کشیده‌اند. از آنجا که ارتفاع این بدنه کم است گروه دَف‌ها و دایره‌ها را پوست صداهای دارای قاب می‌نامند. در ساخت دَف، دو طرف قاب آن به صورت «فارسی بُر» روی هم قرار می‌گیرند و کلاف گرد دَف به وجود می‌آید. ضخامت لبه بیرونی قاب را از یک و نیم سانتی متر به دو تا سه میلی متر کاهش می‌دهند و پوست را روی این لبه می‌کشند و آن را با چسب یا سریش و تعدادی گُل میخ فلزی بر دهانه دَف محکم می‌کنند. در لبه داخلی قاب نیز در فاصله معین حلقه‌های زنجیر آویزان می‌شود.

تکنیک‌های اجرایی دَف : دَف را با دست چپ می‌گیرند و با پنج انگشت دست راست و چهار انگشت دست چپ می‌نوازند. دست راست در نواختن دَف نقش اصلی را برعهده دارد. در



خلیفه میرزا آغہ غوثی

روش‌های جدید دف‌نوازی، پوست
دف به سه منطقه صوتی مرکزی، میانه و
کناره تقسیم می‌شود و هر منطقه ویژگی
صوتی خاص خود را دارد. اجرا در
منطقه مرکزی، (صدای دُم یا تُم)، اجرا
در منطقه میانه و کناره (صدای تَق،
تک یا بک)، انواع ریز، دست بست
و اشاره و ضربی (انواعی از پلنگ)

از مهم‌ترین تکنیک‌های اجرایی دست راست هستند و اجرا در منطقه میانه و کناره، اجرای انواع ریز
(توپُر، سَرندی و ...) چپ ریز (با لرزاندن دف توسط دست چپ و به صدا درآوردن حلقه‌ها)، حرکت
دادن دف به بالا و پایین، چپ و راست و جلو و عقب و نواختن در حالت افقی (خوابیده) که هر کدام
از نظر نوع برخورد حلقه‌ها به پوست و بدنه متفاوت‌اند و صداها را مختلفی ایجاد می‌کنند. از مهم‌ترین
تکنیک‌های دست چپ محسوب می‌شوند.

موارد و نوع استفاده دف: دف، ساز عرفانی و قابل احترام در اجرای مراسم ذکر و سماع
درویشان به ویژه طریقت قادریه در کردستان است. در برخی مناطق ایران نیز که پیروان این طریقت یا
طریقت‌های دیگر مانند نقشبندی، خاکسار، نعمت‌اللهیه و ... حضور دارند، از دف در مراسم ذکر و
سماع استفاده می‌شود. در چند دهه گذشته دف از تکیه‌ها و خانقاه‌ها پافرا تر نهاده و به عنوان سازی
با قابلیت‌های اجرایی زیاد و صدادهی قوی و درخشان در گروه‌های مختلف موسیقی حضور یافته و
همین امر باعث شکل‌گیری تکنیک‌های جدیدی در نواختن دف شده است. امروزه به جز تکیه‌ها و
خانقاه‌های کردستان و برخی نواحی دیگر، از دف در گروه سازهای کلاسیک ایرانی، گروه سازهای
کوبه‌ای، گروه‌های دف و حتی گروه‌های اجراکننده موسیقی پاپ نیز استفاده می‌کنند.

جنس و مواد به کار رفته در ساختمان دف

بدنه (قاب): چوب‌های تاک (بهترین چوب)، بید، چنار، نارنج و به ندرت گردو
پوست: پوست‌های بز، میش، آهو، گوسفند، بزکوهی و یا پلاستیک (در نمونه‌های جدید)
حلقه‌ها: فلزات برنج، مس، آهن
گل میخ‌ها: فلزات آهن، برنج، مس و نیز چوب (در قدیم)

۱۰- دایره - نواحی مختلف ایران

پس از دف - که در صفحات پیشین به آن پرداختیم - سایر پوست صداهاى یک طرفه (یک طرف باز) با بدنهٔ قاب مانند که با نام «دایره» شناخته می‌شوند، در نواحی مختلف ایران گسترده‌اند و با تغییرات یا تحریفاتی در لفظ یا با نام‌های خاص، به صورت‌های زیر شناخته می‌شوند:

دَب، دِزیره - شمال خراسان

دَیْزه، دَوَزه - خراسان (نیشابور)

داریه - خراسان (کاشمر)، چهارمحال و بختیاری (شهرکرد)

دَرِیه، دِیره - خراسان (بیرجند)

سَمّا، دف - هرمزگان و برخی مناطق بلوچستان

دیاره - گیلان و تالش

دُیه، دَب، دف - گیلان (تالش)

دَس دائره - مازندران و گلستان (کتول)

دِیره - بوشهر

دارَه - خوزستان (دزفول)

آربونه - یزد

قوال - آذربایجان شرقی

نوازندگان این پوست صدا در برخی نواحی نوازندگان حرفه‌ای و در نواحی دیگر مردم عادی هستند. به‌خاطر تنوع زیاد سازهای گروه دایره، آنها را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد:

الف) دایره‌هایی که ویژگی ظاهری خاصی دارند.

ب) دایره‌هایی که تکنیک‌های اجرایی خاصی دارند.

ج) دایره‌هایی که نه ویژگی ظاهری خاص و نه تکنیک‌های اجرایی خاصی دارند.

در دسته اول، دایرهٔ بیرجند، آربونهٔ یزد و برخی نمونه‌های دایره در شوشتر و نیشابور، و در دسته دوم،

دایرهٔ (قوال) آذربایجان شرقی و دایره‌هایی از خراسان (ترت جام و سبزوار) و سیستان قرار می‌گیرند.

در اینجا فقط قوال (از دسته دوم) را بررسی خواهیم کرد.

قوال (دایره) – آذربایجان شرقی

قوال یکی از چهار پوست صدای مهم و متداول در موسیقی آذربایجان شرقی است و می‌توان گفت در میان چهار پوست صدای قوال، ناقارا، قوشاناقارا و دهل، قوال به اعتبار حضور در دو نوع اصلی موسیقی آذربایجان شرقی، یعنی موسیقی عاشیقی و مقامات، چشمگیرتر و تا حدودی مهم‌تر است. ساختمان قوال جدید، جز در چند مورد زیر، تفاوت بارزی با پوست صداهای هم‌خانواده‌اش در نواحی دیگر ایران ندارد:

- در مقایسه با بسیاری از سازهای هم‌خانواده‌اش کوچکتر است.
- قاب یا بدنه آن ضخیم‌تر از قاب سازهای هم‌خانواده در نواحی دیگر است.
- بسیاری از قوال‌ها قاب یا بدنه یکپارچه ندارند و از کنار هم قرار گرفتن قطعه‌های متعدد چوب ساخته شده‌اند.
- پوست صدایی چالاک است و تکنیک‌های اجرایی آن در مقایسه با سازهای هم‌خانواده از همه مشکل‌تر و پیچیده‌تر است.

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری قوال: در قوال‌های قدیم، قاب یا بدنه مانند بسیاری از نمونه‌های دیگر دایره غربالی بوده و از گرد کردن یک تخته یا تسمه چوبی نه چندان ضخیم ساخته می‌شده است.



در قوال‌های جدید، نزدیک به دو دهه است که تغییرات قابل توجهی در بدنه ایجاد شده و محور اصلی این تغییرات، ساختن قاب از تکه‌های متعدد چوب است. این تکه‌های چوب معمولاً در دو، سه یا چهار ردیف به موازات هم قرار می‌گیرند و هر ردیف ممکن است متشکل از شش تا دوازده تکه چوب باشد. امروزه قوال‌هایی با ۴۸، ۶۰، ۷۲ و گاه ۲۲۰ قطعه چوب ساخته می‌شوند که البته تعداد قطعه‌های چوب تأثیری در کیفیت صداهای قوال ندارند. بر یک

طرف قاب قوال پوست می‌کشند و در اطراف لبه داخلی قاب نیز حلقه‌های منفرد یا مضاعف فلزی در فواصل معین آویزان می‌کنند.



قوال در موسیقی عاشیقی

تکنیک‌های اجرایی قوال : قوال در مقایسه با سایر

سازهای هم‌خانواده‌اش در نواحی ایران تکنیک‌های اجرایی متنوع و پیچیده‌تری دارد. پلنگ، اشاره، انواع ریز، استفاده از هر سه منطقه مرکزی، میانه و کناره از مهم‌ترین تکنیک‌های اجرایی دست راست هستند و استفاده از منطقه میانی و کناره، انواع ریز با همراهی دست راست، اشاره و ... از عمده‌ترین تکنیک‌های دست چپ به شمار می‌روند.

موارد و نوع استفاده قوال : این پوست صدا در

آذربایجان شرقی موارد استفاده مختلفی دارد که مهم‌ترین آنها به شرح زیر است :

الف) موسیقی عاشیقی : موسیقی عاشیقی آذربایجان شرقی یکی از بخش‌های مهم رپرتوار موسیقی این ناحیه است که توسط عاشیق (نوازنده ساز عاشیقی و خواننده)، بالابان و قوال اجرا می‌شود.

ب) نظام مقامات : مقامات نیز بخش مهمی از رپرتوار موسیقی آذربایجان شرقی است که در شکل اصیل خود توسط گروهی متشکل از تار آذربایجانی، کمانچه و خواننده که معمولاً نوازنده قوال نیز هست اجرا می‌شود. قوال در این نوع موسیقی بیشتر در بخش‌های ریتمیک موسیقی، مانند پیش درآمد، رنگ، تصنیف و برخی قطعات ساخته شده حضور دارد. مجالس عروسی و شادمانی، محافل انس، ارکستر سازهای ملی آذربایجان، ارکسترهای مختلط و گروه‌های کوچک سازی آذربایجان مهم‌ترین موقعیت‌های اجرای قوال در موسیقی آذربایجان است.

جنس و مواد به کار رفته در ساختمان قوال

قوال‌های قدیم

بدنه : چوب درخت مو یا تاک، قلمه (تبریزی)

پوست : پوست‌های بزغاله، بز نر، ماهی، آهو

قوال‌های جدید

بدنه : چوب‌های گردو، توت، بلوط، زبان گنجشک، افرا

پوست : پوست بزغاله، بز نر و نیز پلاستیک مات یا شفاف (در برخی قوال‌های جدید)

حلقه‌ها : آهن آبکاری شده



تمرین‌های فصل دوم – بخش دوم

پوست صداها (ممبرانوفون‌ها)

- ۱- رده‌بندی گروه‌های اصلی پوست صداها چگونه است؟
- ۲- ویژگی‌های ظاهری و ساختاری دهل سیستان را توضیح دهید.
- ۳- ویژگی‌های ظاهری و ساختاری دهل‌های خراسان را توضیح دهید.
- ۴- ویژگی‌های ظاهری و ساختاری دَمَام بوشهر را توضیح دهید.
- ۵- موارد و نوع استفاده از دَمَام بوشهر را توضیح دهید.
- ۶- ویژگی‌های ظاهری و ساختاری دُگُر (دهلک) بلوچستان را توضیح دهید.
- ۷- ویژگی‌های ظاهری و ساختاری نقاره (دِسَرکوتین) مازندران را توضیح دهید.
- ۸- در نقاره‌خانه آستان قدس رضوی در مشهد چند نوع نقاره استفاده می‌شود؟
- ۹- موارد و نوع استفاده از نقاره‌های نقاره‌خانه آستان قدس رضوی را توضیح دهید.
- ۱۰- تمبک در چه گروهی از پوست صداها قرار می‌گیرد؟
- ۱۱- ویژگی‌های ظاهری و ساختاری تمبک در نواحی مختلف ایران را توضیح دهید.
- ۱۲- ویژگی‌های ظاهری و ساختاری تمبک زورخانه چگونه است؟
- ۱۳- موارد و نوع استفاده از تمبک زورخانه را توضیح دهید.
- ۱۴- ویژگی‌های ظاهری و ساختاری دف کردستان را توضیح دهید.
- ۱۵- تفاوت سازهای خانواده دایره با دف چیست؟
- ۱۶- تکنیک‌های اجرایی اصلی دف را نام ببرید.
- ۱۷- سازهای خانواده دایره را به چند دسته می‌توان تقسیم کرد؟ این تقسیمات بر مبنای چه دلایل و خصوصیتی است؟
- ۱۸- تفاوت قوال (دایره آذربایجان) با سازهای هم‌خانواده خود چیست؟
- ۱۹- دهل سیستان چگونه نواخته می‌شود؟
- ۲۰- دهل‌های خراسان، کردستان و کرمانشاه چگونه نواخته می‌شوند؟
- ۲۱- دَمَام بوشهر چگونه نواخته می‌شود؟
- ۲۲- دُگُر (دهلک) بلوچستان چگونه نواخته می‌شود؟

خودصداها (ایدیوفون‌ها)

هدف‌های رفتاری: پس از پایان این بخش از فراگیر انتظار می‌رود:

- ۱- انواع خودصدا را شرح دهد.
- ۲- تکنیک‌های اجرایی خودصداها را توضیح دهد.
- ۳- نمونه ایجاد صدا در سازهای خودصدا را شرح دهد.
- ۴- موارد و نوع استفاده از سازهای خودصدا را شرح دهد.
- ۵- جایگاه گروه سازهای زنگوله، ناقوس و رنگ‌ها را در تقسیم‌بندی سازهای خودصدا توضیح دهد.

سازهای کوبه‌ای، ضربه‌ای و سایشی بدون پوست

این گروه از سازها را ویکتور مائون (۱۸۴۱-۱۹۲۴) در کاتالوگ خود در سال ۱۸۸۸ «اتوفون» به معنای «خودصدا» نامیده است. بعدها کورت زاکس و هورن بوستل در سال ۱۹۱۴ این سازها را «ایدیوفون» نامیدند که به همان معنی «خودصدا» است. خودصداها سازهایی هستند که خود به خود قابلیت ایجاد صدا دارند و ماده سازنده آنها سخت، غیرقابل انعطاف و در عین حال قابل ارتعاش است. خودصداهای کوبه‌ای (بر کوبه‌ای و هم کوبه‌ای)، خودصداهای تیغه‌ای، خودصداهای سایشی (برسایشی و هم سایشی) و خودصداهای دمی‌نی، از انواع خودصداها هستند و هر یک از این گروه‌ها برحسب شکل یا جنس یا نحوه استفاده یا چگونگی ایجاد صدا به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند. به‌خاطر تنوع این سازها سعی می‌کنیم در اینجا نمونه‌هایی از انواع خودصداهای متداول در ایران را مورد بررسی قرار دهیم.

۱- چاک (تخته) - هرمزگان

چاک، خودصدایی کوبه‌ای است که با ضربه مستقیم به صدا درمی‌آید و جنس آن از چوب و شکل آن صفحه‌ای یا ورقه‌ای است. در هرمزگان چاک به صفحه‌های مضاعف (دوتایی) چوبی گفته می‌شود که بیشتر در بندرلنگه و بندرعباس رواج دارند.



ویژگی‌های ظاهری و ساختاری چاک: چاک،

دو صفحه یا ورقه چوبی جدا از هم است که هر صفحه آن شامل یک قسمت پهن و یک قسمت باریک (دسته) است. چاک در ضخامت‌های مختلفی ساخته و استفاده می‌شود.

تکنیک اجرایی چاک: هرکدام از دو صفحه

چوبی در یک دست اجراکننده قرار می‌گیرند و به هم کوبیده می‌شوند. نحوه کوبیدن، به ریتم، سرعت و زمان‌بندی موسیقی ارتباط دارد. صدای چاک در تشدید آکسان‌های موسیقی و هماهنگی میان اجراکنندگان و حاضران نقش بسزایی دارد.



موارد و نوع استفاده چاک: در هرمزگان چاک

غالباً به صورت گروهی توسط زنان نواخته می‌شود. گاه مردان و به ویژه جوانان نیز آن را می‌نوازند. از چاک فقط در مراسم عروسی و شادمانی و نیز مجالس لیوا استفاده می‌کنند.

چاک معمولاً از چوب‌های متداول در محل ساخته

می‌شود.

۲- کرب - برخی نواحی ایران

خودصداهای چوبی مضاعف سیلندری یا گلدانی شکل توپُر امروزه در چند ناحیه از ایران، از جمله سبزوار (خراسان)، آران (کاشان)، ایبانه و شهرضا (اصفهان)، استهبان (فارس) و لاهیجان (گیلان) رواج دارند و در استان‌های مازندران و سمنان نیز تاحدودی متداول‌اند. در گیلان به این خودصدا «کُرب» می‌گویند؛ در مازندران به کرب یا کارب شهرت دارد؛ در آران کاشان سَنج نامیده می‌شود؛ در ایبانه به جفجغه معروف است و در سبزوار به آن سنگ می‌گویند. کُرب، خودصدایی کوبه‌ای است که با ضربه مستقیم به صدا درمی‌آید و جنس آن از چوب و شکل آن سیلندری یا گلدانی است. این خودصدا در قدیم از جنس سنگ بوده اما به علت شکستن و خُرد شدن سنگ‌ها هنگام نواختن و آسیب دیدن مجریان و اطرافیان، به تدریج چوب جایگزین سنگ شده است.



ویژگی‌های ظاهری و ساختاری کُرب: کُرب، دو قطعه چوب توپُر جدا از هم به شکل گلدان و تا حدودی مانند نیمه تخم مرغ است و یک سمت آن محدب و سمت دیگر آن کاملاً صاف و تخت است. در طرف محدب غالباً تسمه‌ای چرمی نصب می‌کنند تا کُرب در دست اجراکننده محکم‌تر قرار گیرد.



تکنیک اجرایی کُرب: هرکدام از دو قطعه این ساز در یک دست اجراکننده طوری قرار می‌گیرند که کاملاً در مُشت نوازنده مستقر شوند. سطح صاف و تخت این دو قطعه با شدت و با تقارن‌های متریک - ریتمیک معین به هم کوبیده می‌شوند. نواختن کُرب همراه با حرکت‌های متنوع، موزون و هماهنگ گروه اجراکنندگان است.

موارد و نوع استفاده کُرب: زمان استفاده از این خود صدا فقط ایام عزاداری عاشورا در ماه محرم و نوع استفاده از آن گروهی است و هیچ ساز دیگری آن را همراهی نمی‌کند. هنگام اجرای گروهی کُرب یک یا چند نوحه‌خوان، گروه اجرا کننده را همراهی می‌کنند و گروه نیز ترجیح‌بند نوحه‌ها را به‌طور متناوب با تک‌خوان تکرار می‌کنند.

کُرب معمولاً از چوب‌های سخت و مقاوم، مانند زردآلو و گردو ساخته می‌شود.

۳- سنج - بوشهر

خودصداهای کوبه‌ای مضاعف بشقابی شکل فلزی با ویژگی‌های ظاهری معمولاً مشترک و اندازه‌های گوناگون در برخی نواحی ایران مشاهده می‌شوند که نام‌ها و کارکردهای مختلفی دارند. در بوشهر به این خودصدا سنج می‌گویند؛ در سیستان به قاشقک معروف است؛ در هرمزگان شیرینگ یاجینگ و در حسن‌آباد دامغان جنگانه نام دارد؛ عرب‌های خوزستان به آن سچایق می‌گویند و در بسیاری مناطق به زنگ معروف است. نوع کوچک این خود صدا غالباً با بند یا کیش به انگشتان دست نوازنده یا رقصنده بسته می‌شود و در مراسم عروسی و شادی و بیشتر هنگام رقص به صدا درمی‌آید.

در میان سازهای این گروه، سنج بوشهر ویژگی‌های منحصر به فردی به شرح زیر دارد :

(الف) در مقایسه با سازهای هم‌گروه از همه بزرگتر است.

(ب) خودصدایی مضاعف است که هرکدام ازدو قطعه آن در یک دست نوازنده قرار می‌گیرند.

(ج) تنها ساز این گروه است که فقط در مراسم عزاداری عاشورا از آن استفاده می‌کنند، زیرا سایر انواع این گروه در نواحی ایران فقط در مراسم شادمانی و عروسی و جشن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند.

(د) صدای آن در مقایسه با نمونه‌های هم‌گروه از همه قوی‌تر و دارای زنگ و طنین بیشتر است.

(هـ) در گروهی متشکل از چند سنج، چند دَما و یک بوق شاخی از آن استفاده می‌شود.

(و) ضخامت بدنه آن از سازهای هم‌گروه بیشتر است.

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری سنج بوشهر : این سنج، خودصدایی مضاعف است که

هرکدام از دو قطعه آن مثل یک بشقاب توگود و دارای دسته‌ای نسبتاً قطور و بلند است. وسط هر یک از این دو قطعه برآمده است و در مرکز این برآمدگی سوراخی برای نصب دسته وجود دارد.





تکنیک اجرایی سنج بوشهر: هرکدام از دو قطعه سنج در یک دست نوازنده قرار می گیرند که غالباً یکی ثابت است و دیگری را به آن می کوبند و صدا در هر دو قطعه ایجاد می شود. سنج ها در گروه به تعدادی که باشند از توالی های متریک - ریتمیک معینی پیروی می کنند و ترتیب، تعداد و نحوه قرار گرفتن هریک از نوازندگان در گروه سنج و دَماَم و بوق تابع نظم معینی است. سنج بوشهر را ایستاده و بیشتر در حرکت می نوازند.

موارد و نوع استفاده سنج بوشهر: تعداد سنج ها در گروه ممکن است از سه تا هفت متغیر باشد. اگر از هفت سنج استفاده شود معمولاً سه سنج در جلو و

چهار سنج در پشت قرار می گیرند. رهبری کل گروه با نوازنده بوق و هدایت نوازندگان دَماَم با نوازنده دَماَم اِشکون است. مراسم سنج و دَماَم که حدود بیست دقیقه طول می کشد برای اعلام شروع مراسم عزاداری محرم است و جنبه خبری دارد.

جنس و مواد به کار رفته در ساختمان سنج بوشهر: سنج های قدیمی بوشهر از جنس برنج یا آلیاژ مخصوصی است که به آن هفت جوش می گویند. امروزه سنج های جدید را غالباً از فنر اتومبیل های سنگین می سازند که زنگ و صدای مناسبی ندارند.

۴- تشک و کوزه (کوزک و تال) – بلوچستان

تشک فلزی به همراه دو کوزه سفالی در مجموع، یک ساز ترکیبی و از قدیمی‌ترین خودصداهاى بلوچستان محسوب می‌شوند و در رده‌بندی خودصداها تشک در یک گروه و کوزه‌ها در گروه دیگر قرار می‌گیرند.

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری تشک و کوزه: تشک یک بشقاب توگود از جنس برنج

یا آلیاژهای مشابه است که کاربرد غیرموسیقایی آن، استفاده

در زیر شیر سماور است و اندازه معین و ثابتی ندارد.

کوزه در واقع همان کوزه‌های متداول بلوچی است

که مورد استفاده خانگی برای حمل و نگهداری آب است.

این کوزه شکمی برآمده و ته و دهانه‌ای نسبتاً باریک دارد.

در ترکیب این دو خودصدا از دو کوزه و یک تشک

استفاده می‌کنند.



تکنیک اجرایی تشک و کوزه: تشک و کوزه‌ها باهم نواخته می‌شوند. تشک را وارونه

در میان دو کوزه روی زمین و در مقابل نوازنده می‌گذارند. داخل هر کوزه مقداری آب ریخته شده و

کوزه‌ای که آبش بیشتر است صدایش زیرتر و کوزه‌ای که آبش کمتر است صدایش بم‌تر است. نوازنده با

کف هر دو دست خود متناوباً بر دهانه کوزه‌ها و پشت تشک ضربه می‌زند و آنها را به صدا درمی‌آورد.

صدای کوزه‌ها بم و گرفته و در تضاد با صدای تشک است و این دو صدا در مجموع به‌طور متناوب

– نه همزمان – شنیده می‌شوند.



موارد و نوع استفادهٔ تشتک و کوزه: تشتک و کوزه هیچوقت به تنهایی و جدا از یکدیگر

نواخته نمی‌شود. در گذشته، گروه کوچک موسیقی بلوچی، شامل قیچک، تمبورک، تشتک و کوزه بود. تشتک و کوزه معمولاً هنگام اجرای سوت (ترانه‌های شاد بلوچی) در مجالس عروسی و شادمانی نواخته می‌شود و در سایر نمونه‌های موسیقی بلوچستان کاربردی ندارد. در قدیم زمانی که تشتک مورد استفاده خوش صدا و دارای طنین خالص بود نوازندهٔ قیچک، ساز خود را با صدای تشتکِ کوک می‌کرد. با انتخاب تشتک مناسب از نظر زیر و بمی صدا و با کم یا زیاد کردن آب داخل کوزه‌ها می‌توان خود صدای ترکیبی تشتک و کوزه را به‌طور نسبی با سایر سازهای بلوچی کوک کرد. تشتک و کوزه امروزه در معرض فراموشی است و غالباً به جای آن دُهلک یا دُهلکِ نال استفاده می‌شود.

۵- زنگ‌ها، زنگوله‌ها و ناقوس‌ها – نواحی مختلف ایران

خانواده زنگ‌ها، زنگوله‌ها و ناقوس‌ها از متنوع‌ترین و گسترده‌ترین انواع خودصدا در نواحی ایران به‌شمار می‌روند و از لحاظ تفاوت شکل و ساختمان، نحوه به‌صدا درآمدن، جنس، منفرد یا چندتایی بودن و غیره می‌توان آنها را در گروه‌های مختلفی رده‌بندی کرد. این خودصداها را برحسب اینکه با ضربه مستقیم یا غیرمستقیم به‌صدا درمی‌آیند می‌توان به دو گروه تقسیم کرد. ناقوس آتشکده زرتشتیان، زنگ زورخانه و زنگ کُشتی با ضربه مستقیم به صدا درمی‌آیند (گروه اول) و سایر انواع زنگ‌ها و زنگوله‌های نواحی ایران با ضربه غیرمستقیم (تکان دادن) به‌صدا درمی‌آیند. (گروه دوم) این گروه که با ضربه غیرمستقیم به‌صدا درمی‌آیند خود به دو گروه تقسیم می‌شوند: زنگ‌هایی که با وزنه آویزان داخل زنگ به‌صدا درمی‌آیند و زنگ‌هایی که با وزنه یا گوی آزاد داخل زنگ به‌صدا درمی‌آیند.



الف) زنگ‌ها و زنگوله‌هایی که با وزنه آویزان داخل زنگ به صدا درمی‌آیند.

اگرچه زنگ‌ها و زنگوله‌های دارای وزنه آویزان، هم با ضربه مستقیم (مانند زنگ زورخانه) و هم با ضربه غیرمستقیم (مانند زنگوله‌های حیوانات) و تکان دادن نواخته می‌شوند، اما در اینجا به بررسی زنگ و زنگوله‌هایی می‌پردازیم که وزنه آویزان دارند و با ضربه غیرمستقیم به صدا درمی‌آیند. این زنگ‌ها و زنگوله‌ها را نیز با توجه به نحوه اتصال وزنه آویزان در آنها (به ویژه در انواع خیلی قدیمی) و از نظر شکل و ظاهرشان، مثلاً دَلَب (دولب = کتابی)، شتری دولب، جام، تال، تالچه، تال سلیمانی، آفتو (نوعی تال)، کِرِکری، هشتی، غُر، غُرچه، انزله (انزلی)، خیارک و ... و نیز از نظر جنس و مواد به کار رفته در ساختمان آنها، مثلاً برنج، مفرغ، برنز، آهن، آلومینیم، طلا، نقره، چوب، سفال و ... می‌توان در گروه‌های مختلفی رده‌بندی کرد.

انواع زنگوله‌های حیوانات و چهارپایان، نمونه‌هایی از زنگوله‌های قدیمی که در زیورآلات زنان استفاده می‌شده‌اند. ناقوس‌های کلیساهای مسیحیان، ناقوس‌های اماکن مذهبی زرتشتیان، ناقوس کشتی‌ها، برخی نمونه‌های زنگ مدارس و پادگان‌های نظامی و ... در گروه زنگ‌ها و زنگوله‌هایی هستند که با وزنه آویزان داخل زنگ و با ضربه غیرمستقیم یا مستقیم به صدا درمی‌آیند.

ب) زنگ‌ها و زنگوله‌هایی که با وزنه یا گوی آزاد داخل زنگ به صدا درمی‌آیند.

این گروه از زنگ‌ها و زنگوله‌ها بیشتر به غُر یا غُرچه (غُر کوچک) معروف‌اند و در شکل‌ها و اندازه‌های مختلف دیده می‌شوند. صرف‌نظر از شکل ظاهری آنها که ممکن است گوناگون باشد، زنگ‌های این گروه چند ویژگی مشترک دارند:

– غالباً گُروی یا شبیه گُروی هستند.

– دهانه زنگ‌ها حالت شیپوری، ناقوسی و کتابی ندارد و طوری جمع شده که شکافی در قسمت پایینی گُره برای انداختن گوی به داخل زنگ و نیز خروج صدا از آن ایجاد شده است. کیفیت این شکاف در چگونگی طنین و صدای زنگ مؤثر است.

– در داخل گُره زنگ، گوی گُروی کوچکی به‌طور آزاد رها شده است.

اندازه این زنگ‌ها و زنگوله‌ها متفاوت است و در نواحی مختلف ایران می‌توان زنگوله‌هایی به اندازه یک نخود تا زنگوله‌هایی به اندازه یک انار را مشاهده کرد. زنگوله‌هایی که برای حیوانات یا برای عَلم و کُتل در مراسم مذهبی اسلامی استفاده می‌شوند، برخی زیورآلات قدیمی زنان و ... از انواع این زنگ‌ها و زنگوله‌ها هستند.

۶- تَرکی - مازندران

تَرکی از گروه خودصدا‌های کوبه‌ای است که با ضربه غیرمستقیم و نیز چرخاندن به صدا درمی‌آید و با نام‌های مختلفی چون تَرکی، تک‌تکی، تَخ‌تخی و رَخ‌رخی شناخته می‌شود. همه این نام‌ها به رغم اختلاف ظاهری‌شان، به معنای صدای نامأنوس یا چیزی هستند که ناگهان به صدا درمی‌آید.

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری تَرکی : این خودصدا برخلاف ظاهر پیچیده‌اش ساختمان

ساده‌ای دارد و از چند قسمت چوبی مختلف متصل و مربوط به هم ساخته شده است :

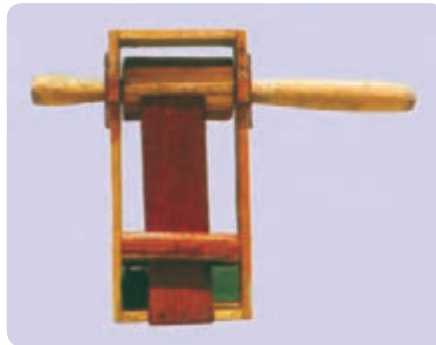
۱- قاب (چارچوب جعبه‌مانند بدون سقف و کف) که به شکل مکعب مستطیل است و بدنه اصلی

تَرکی را تشکیل می‌دهد.

۲- دسته و چرخ دنده متصل به آن

۳- زبانه (تیغه)

۴- وزنه



قاب یا چارچوب، محل اتصال قطعات مختلف تَرکی است که با چرخاندن آن توسط دسته، ایجاد صدا می‌کند. صدا از طریق برخورد مداوم اما متناوب زبانه یا تیغه چوبی به چرخ‌دنده چوبی تولید می‌شود. چون تَرکی چرخانده می‌شود، صدای حاصل از برخورد چرخ دنده با زبانه به صورت غیرمستقیم است.

تکنیک اجرایی تَرکی : اجراکننده، دسته تَرکی را در مشت می‌گیرد و آن را در جهت حرکت

عقربه ساعت می‌چرخاند. به این ترتیب قاب یا بدنه دور محور دسته می‌چرخد و زبانه توسط تک‌تک دنده‌های چرخ بالا می‌آید و دوباره رها می‌شود. چون زبانه از تخته نازک ساخته شده و حالت فنری و ارتجاعی دارد، برخورد آن با تیغه‌های چرخ، شدید و صدای تولیدشده نیز شدید و تیز است. وزنه

موجود در محفظهٔ تَرکی باعث سنگینی وزن و لنگر یافتن آن می‌شود.

موارد و نوع استفادهٔ تَرکی: استفادهٔ اصلی از این خودصدا در مزارع آفتابگردان برای حفاظت از تخم یا نهال‌های نوپای آفتابگردان در برابر هجوم پرندگان مزاحم و فراری دادن آنها با توجه به صدای شدید تَرکی بوده است. بعدها نگهبانان شب در مزارع غیرآفتابگردان نیز از آن برای فراری دادن گرازها استفاده می‌کردند.

جنس و مواد به‌کار رفته در ساختمان تَرکی: تَرکی از چوب‌های مختلفی ساخته می‌شده است. در یک نمونهٔ قدیمی جنس قطعات آن به شرح زیر است:

بدنه (قاب): چوب سپیدار

دسته و چرخ دنده: چوب آزاد (چوب خرمالوی وحشی هم مناسب است).

وزنه: قلوه‌سنگ

۷- قوپوز (قاووز) - زنبورک - گلستان (منطقه ترکمن‌نشین) و برخی نواحی ایران

قوپوز که در محاورات مردم ترکمن به صورت قاووز تلفظ می‌شود از سازهای رایج در میان بسیاری از فرهنگ‌های جهان و از خانواده خودصداها یا تیغه‌ای است که با ضربه مستقیم به صدا درمی‌آید. قوپوز، قایی شکل و جنس آن از فلز است و در کتاب‌های سازشناسی و واژه‌نامه‌های موسیقی جهان به صورت Jew's harp (چنگ یهود) یا Jaw's harp (چنگ دهنی) آمده است. به نظر ما مفهوم ترکیب دوم با نوع استفاده و تکنیک اجرایی این ساز مطابقت بیشتری دارد. این ساز در فرهنگ فارسی‌زبانان ایران به زنبورک معروف است و در گذشته در برخی نواحی ایران، به‌ویژه توسط کودکان و نوجوانان نواخته می‌شده است. امروزه قوپوز را فقط در نواحی ترکمن‌نشین ایران (قسمتی از استان گلستان و شمال غربی استان خراسان) می‌نوازند و در نواحی دیگر ایران یا منسوخ شده و یا متداول نیست.



ویژگی‌های ظاهری و ساختاری قوپوز (زنبورک):

این ساز از دو قسمت قاب و زبانه یا تیغه تشکیل شده است. قاب، تکه‌ای مفتول فلزی است که با چهار خم، تقریباً به شکل یک کلید میان تهی و یا طرح یک تنگ گلوباریک درآمده است. در وسط این قاب، تیغه فلزی نازک و باریکی نصب شده که حالت فنری و ارتجاعی دارد و از یک طرف به قاب متصل است و از طرف دیگر آزاد است.



تکنیک اجرایی قوپوز (زنبورک): قسمت مثلی

قاب قوپوز طوری در دست اجراکننده قرار می‌گیرد که انگشت‌ها مانع ارتعاش زبانه نشود و ساز را نیز طوری در دهان می‌گذارند که میان دندان‌های جلویی بالا و پایین استوار گردد. پس از استقرار ساز در میان دندان‌ها با انگشت شست یا سبابه به سر زبانه ضربه می‌زنند (در واقع آن را می‌کَنند) و سپس زبانه رها می‌شود. چون زبانه خاصیت فنری دارد پس از هر ضربه یا کَنده شدن به ارتعاش درمی‌آید و صدا ایجاد می‌شود. صدای زنبورک از قاب به دندان‌ها و از دندان‌ها به فک‌ها و سینوس‌های گونه و پیشانی نوازنده منتقل و تقویت می‌شود.

فضای خالی دهان و سینوس‌ها نقش مهمی در شکل‌گیری صدا، طنین و رَنگ صوتی این ساز دارند و چگونگی حرکت لب‌ها و شدت دَم و باز دَم نیز در نوع رَنگ، طنین و ارتفاع صدا مؤثر هستند. صدای زنبورک در هر دو حالت دَم و باز دَم قابل شنیدن است. آنچه در قلمرو فرهنگ ترکمنی با این ساز اجرا می‌شود ریتم‌هایی هستند که تاخت‌های مختلف اسب را تداعی می‌کنند.

موارد و نوع استفاده قوپوز (زنبورک): در مناطق ترکمن‌نشین ایران، این ساز فقط در مراسم شادی یا دور هم‌نشینی‌های زنان و دختران ترکمن معمولاً به‌صورت گروهی و توسط زنان و دختران نواخته می‌شود و هیچ ساز یا وسیله دیگری آن را همراهی نمی‌کند. جنس قاب و زیانه قوپوز یا زنبورک، فلزی است.

۸- قارقارک - برخی نواحی ایران

قارقارک از گروه خود صداهای سایشی است که با سایش غیرمستقیم و نیز چرخاندن به صدا درمی‌آید. خود صداهای سایشی امروزه کمیاب‌ترین نوع سازهای رایج در ایران و جهان هستند و در بررسی‌های انجام شده در ایران، فقط دو خود صدای سایشی تاکنون شناسایی شده‌اند. نام قارقارک بیانگر صدای این ساز است که بسیار شبیه صدای کلاغ است.

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری قارقارک: قارقارک به رغم ظاهر و ساختمان ساده‌اش،

منطق و مکانیسمی بسیار حساب شده دارد و از قسمت‌های زیر تشکیل شده است:



۱- دسته چوبی

۲- رشته‌هایی از موی دُم اسب

۳- کاسه طنینی

۴- پوست روی دهانه کاسه طنینی

قسمت‌های نام برده را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

الف) قسمت‌های تولید کننده صدا، مانند دسته چوبی و

رشته‌های موی دُم اسب.

ب) قسمت‌های انتقال دهنده صدا، مانند رشته‌های موی دُم

اسب و پوست روی دهانه کاسه طنینی.

ج) قسمت‌های تشدید کننده صدا، مانند کاسه طنینی و تا

حدودی پوست روی دهانه آن.

دسته قارقارک، قطعه چوب گردی است که در نقطه‌ای نزدیک به یک سر آن، شیار ناودانی

شکل در اطراف چوب ایجاد شده است. چند رشته موی دُم اسب در این شیار طوری گره زده می‌شوند

که بتوانند آزادانه حرکت کنند و سر دیگر رشته‌ها پس از عبور از سوراخ ایجاد شده در مرکز پوست

روی دهانه کاسه گره زده می‌شوند. کاسه طنینی یک نیمکره خالی از جنس سفال یا چوب است که مانند

آونگی با رشته‌های موین به دسته آویزان است.

تکنیک اجرایی قارقارک: محل تماس رشته‌های موین را با دسته چوبی با آب خیس

می‌کنند و دسته قارقارک را در هوا می‌چرخانند. با حرکت دسته، کاسه طنینی در هوا به چرخش

درمی‌آید و رشته‌های موین به شیار چوب دسته ساییده می‌شوند و صدای خفیفی ایجاد می‌شود. این

صدای خفیف از رشته‌های موین به پوست منتقل و در داخل کاسه تقویت می‌شود. خیس کردن محل

تماس رشته‌های موین و دسته باعث افزایش اصطکاک میان مو و چوب می‌شود.

موارد و نوع استفاده قارقارک: قارقارک خود صدایی است که غالباً به عنوان اسباب‌بازی

و به قصد ایجاد صداهاى شدید و هیجان‌آور نواخته می‌شود و در گذشته در اعیاد و شب‌های

چهارشنبه‌سوری مورد استفاده کودکان و نوجوانان بوده است.

جنس و مواد به کار رفته در ساختمان قارقارک

دسته: چوب‌های مختلف

رشته‌های: موی دُم اسب

کاسه طنینی: سفال، چوب، پوست گردو

پوست: پوست نازک گوسفند، کاغذ پاکت سیمان یا کاغذ گراف



تمرین‌های فصل دوم – بخشی سوم

خودصداها (ایدیوفون‌ها)

- ۱- خودصداها چه سازهایی هستند و صدا در آنها چگونه ایجاد می‌شود؟
- ۲- کُرب در چه مناطقی از ایران متداول است؟
- ۳- موارد و نوع استفاده از کُرب را در نواحی مختلف توضیح دهید.
- ۴- سنج بوشهر در چه گروهی از خودصداها قرار می‌گیرد؟
- ۵- موارد و نوع استفاده از سنج بوشهر را توضیح دهید.
- ۶- تشک و کوزه بلوچستان در چه گروهی از خودصداها قرار می‌گیرد؟
- ۷- تکنیک اجرایی تشک و کوزه بلوچستان را شرح دهید.
- ۸- انواع زنگ‌ها، زنگوله‌ها و ناقوس‌ها را در چه گروه‌هایی می‌توان تقسیم‌بندی کرد؟
- ۹- قوپوز (قاووز) یا زنبورک در چه گروهی از خودصداها قرار می‌گیرد؟
- ۱۰- زنبورک چگونه نواخته می‌شود؟

هواصداها (آیروفون‌ها)

هدف‌های رفتاری: پس از پایان این بخش از فراگیر انتظار می‌رود:

- ۱- طریقهٔ صدادهی در سازهای هواصدا (بادی) را شرح دهد.
- ۲- تکنیک‌های اجرایی هواصداها را مطلق و مقید را شرح دهد.
- ۳- ویژگی‌های ظاهری و سافتاری هواصداها را مطلق و مقید را توضیح دهد.
- ۴- رده‌بندی کلی هواصداها را توضیح دهد.
- ۵- تفاوت کلی هواصداها را مقید زبانه‌دار و هواصداها را مطلق زبانه‌دار را شرح دهد.

سازهای بادی

سازهای هواصدا یا بادی سازهایی هستند که صدا در آنها از طریق ارتعاش هوا ایجاد می‌شود. هواصداها انواع متنوع و گوناگونی دارند که رده‌بندی‌شان را مشکل می‌کند. این سازها را در مرحلهٔ نخست می‌توان به دو گروه هواصداها را آزاد و سازهای هواصدا تقسیم کرد.

هواصداها را آزاد

در هواصداها را آزاد با چرخاندن سریع اشیای مختلف در هوا و تماس جدارهٔ بیرونی این اشیاء با هوای پیرامون، هوا به ارتعاش درمی‌آید و صدا ایجاد می‌شود. بنابراین هواصداها را آزاد فقط با چرخاندن شدن در هوا صدا ایجاد می‌کنند. این نوع هواصدا که از سازهای ابتدایی بشر محسوب می‌شود و در برخی فرهنگ‌ها وجود دارد، در گذشته در روستاهای کوهستانی منطقهٔ رودبار گیلان و شاید برخی مناطق دیگر ایران متداول بوده و به ورورک معروف بوده است.

سازهای هواصدا

به جز هواصداهای آزاد، سایر هواصداها در این گروه قرار می‌گیرند. در این خانواده هوا در داخل لوله یا محفظه صوتی مرتعش و صدا ایجاد می‌شود. مجموعه سازهای هواصدا (به جز هواصداهای آزاد) را می‌توان به دو گروه اصلی مقیدات و مطلقات تقسیم کرد.

هواصداهای مقید

هواصداهای مقید سازهایی هستند که بر روی لوله یا محفظه صوتی‌شان سوراخ‌هایی دارند که با گرفتن (بستن) یا باز گذاشتن آنها می‌توان صداهای مختلفی را از ساز تولید کرد. هواصداهای مقید بر حسب چگونگی ایجاد صدا در آنها به سه گروه تقسیم می‌شوند:

الف) لبه‌دار لوله‌ای: در این گروه، هوا از طریق برخورد با یک لبه تیز که شکل‌های گوناگون دارد مرتعش می‌شود. گروهی از هواصداها به صورت عمود یا مایل بر روی لب‌ها قرار می‌گیرند و هوا با لبه دهانه برخورد می‌کند و صدا ایجاد می‌شود. نی‌ها از این گروه‌اند. ویژگی دیگر این هواصداها، باز بودن هر دو طرف لوله صوتی آنهاست. روی بدنه یا لوله صوتی سازهای این گروه تعدادی سوراخ در جلو و یک سوراخ در عقب وجود دارند که با گرفتن (بستن) یا باز گذاشتن آنها صداهای مختلف ایجاد می‌شوند. نوع دیگری از سازها در این گروه قرار می‌گیرند که ویژگی‌های اصلی آنها ظاهراً مانند گروه نی‌هاست؛ یعنی به صورت عمود یا مایل بر لب‌ها قرار می‌گیرند، هر دو سر لوله صوتی‌شان باز است، تعدادی سوراخ بر روی بدنه آنها وجود دارند و هوا از طریق برخورد با یک لبه تیز مرتعش می‌شود. اینها ویژگی‌های مشترک نی‌ها و سازهایی است که در گروه نی‌لبک‌ها قرار می‌گیرند. نی‌لبک‌ها و ریکوردرها از یک گروه‌اند و تفاوت عمده‌شان این است که در نی‌ها زاویه تماس سر لوله صوتی با لب‌ها اهمیتی فوق‌العاده دارد. در واقع لوله صوتی باید با زاویه خاصی با لب‌ها تماس یابد تا هوای توأم با فشار بتواند در بهترین وضعیت ممکن با لبه تیز سر بدنه برخورد کند و این یکی از مشکلات اصلی در به صدا درآوردن نی‌هاست. نی‌لبک‌ها مکانیسم دیگری دارند و در آنها هوای توأم با فشار بر سر لوله صوتی برخورد نمی‌کند بلکه لبه تیزی که هوا با آن برخورد می‌کند کمی پایین‌تر از سر لوله و بر روی بدنه ایجاد شده است. سر بدنه یک شکاف باریک دارد که هوای توأم با فشار را پس از خروج از دهان، خود به خود، به سمت لبه تیز هدایت خواهد کرد. این مکانیسم باعث می‌شود به صدا درآوردن نی‌لبک‌ها آسان

شود زیرا زاویه تماس ساز با لب‌ها در سازهای این گروه اهمیت زیادی ندارد.

گروه دیگری از سازهای این گروه به صورت افقی بر روی لب‌ها قرار می‌گیرند و هوا با لبه سوراخی که بر روی بدنه ایجاد شده برخورد می‌کند و صدا ایجاد می‌شود. فلوت‌ها از این گروه هستند و ویژگی‌شان بسته بودن یک طرف لوله صوتی و ایجاد سوراخ محل دمیدن در روی بدنه است. سازهای گروه فلوت‌ها در موسیقی نواحی ایران کاربرد زیادی ندارند و در برخی مناطق به عنوان ساز مهاجر حضور دارند.

ب) لبه‌دار محفظه‌ای: در این هواصداها نیز صدا از طریق برخورد هوا با یک لبه تیز ایجاد می‌شود. لبه تیز در این سازها مانند سازهای گروه نی‌لبک‌هاست اما تفاوت این گروه با نی‌لبک‌ها این است که به جای لوله صوتی دارای محفظه صوتی هستند. انواعی از سوتک‌های سفالی در این گروه قرار می‌گیرند. در برخی نمونه‌های سوتک‌های سفالی سوراخ‌هایی روی محفظه ایجاد شده‌اند که با گرفتن یا باز گذاشتن آنها می‌توان صداهای مختلفی ایجاد کرد.

ج) زبانه‌دار: در این هواصداها ارتعاش زبانه (قمیش) باعث تولید صدا می‌شود. نکته قابل توجه این است که در این گروه، هوا مرتعش نمی‌شود بلکه باعث ارتعاش زبانه می‌شود و صدای حاصل از زبانه به داخل لوله صوتی هدایت می‌شود. هواصداها زبانه‌دار اگرچه هواصدا تلقی می‌شوند اما ماهیتاً در گروه سازهای دوجنسی هوا – خودصدا (آیروفون – ایدیوفون) قرار می‌گیرند زیرا در این سازها – همان‌طور که اشاره کردیم – به جای هوا، زبانه به ارتعاش درمی‌آید. هواصداها زبانه‌دار برحسب نوع زبانه به دو گروه تقسیم می‌شوند:

سازهای هواصدا با زبانه یک لایه: زبانه (قمیش) در این گروه از سازها، باریکه نازک یک لایه‌ای از جنس نی است که گاه زبانه منفرد نیز نامیده می‌شود. این زبانه وقتی در معرض هوای توأم با فشار قرار گیرد مرتعش می‌شود و صدای حاصل از این ارتعاش به داخل لوله صوتی می‌رود و رنگ و شکل می‌گیرد و از طریق سوراخ‌های روی لوله صوتی، ارتفاع آن تغییر می‌کند. این هواصداها می‌توانند دارای یک یا دو لوله صوتی باشند و به این ترتیب می‌توانند یک زبانه و لوله صوتی منفرد یا دوزبانه و لوله صوتی مضاعف (دوتایی) داشته باشند. نی زبانه‌دار ترکمنی، قزنی مازندران، یک زله کردستان و کرمانشاهان و نی زبانه‌دار بوشهر و هرمزگان از نوع منفرد، و دوزله کردستان و کرمانشاه، قشمه شمال خراسان، دوسازه جنوب خراسان و نی جفتی بوشهر و هرمزگان از نوع مضاعف هستند. جنس لوله صوتی سازهای این خانواده از نی، استخوان یا فلز است و تعداد سوراخ‌های روی بدنه نیز از چهار تا هفت سوراخ متغیرند. سازهای این گروه در پشت بدنه سوراخ ندارند. نمونه‌ای از این هواصداها، مانند نی انبان، مخزنی برای ذخیره هوا دارد.

سازهای هواصدا با زبانه دولایه: زبانه این گروه از سازها دولایه نازک کوتاه از جنس نی است. این زبانه دولایه که گاه به آن زبانه مضاعف نیز می‌گویند وقتی در معرض هوای توأم با فشار قرار گیرد مرتعش می‌شود. کوتاه و ضخیم بودن این زبانه و نیز دولایه بودن آن، در مقایسه با زبانه‌های یک لایه، باعث می‌شود برای ارتعاش به هوای بیشتر و پُرفشارتری نیاز داشته باشد. در این هواصداها نیز صدای حاصل از ارتعاش زبانه به داخل لوله صوتی می‌رود و رنگ و شکل می‌گیرد و از طریق سوراخ‌های روی لوله صوتی، تغییر ارتفاع می‌دهد. همه سازهای این گروه در نواحی مختلف ایران لوله صوتی منفرد دارند و سازهای گروه سُرنّا و نمونه‌ای از کرنا از این گروه‌اند. جنس لوله صوتی سازهای این خانواده عمدتاً چوب است و بدنه آنها شکلی قیف‌مانند دارد و انتهای لوله صوتی‌شان به یک دهانه شیپوری خاتمه می‌یابد. روی بدنه این هواصداها پنج تا هفت سوراخ در جلو و یک سوراخ در پشت ایجاد شده‌اند. نمونه‌هایی از سازهای این گروه که نوعی کرنا هستند (مانند کرناهای فارس، بخپاری و بویراحمادی) علاوه بر لوله صوتی چوبی، دارای شیپوری فلزی هستند.

د دهانه پیاله‌ای: صدا در این سازها از طریق ارتعاش لب‌ها در یک محفظه کوچک شبه پیاله‌ای ایجاد می‌شود. شیپور یکی از نمونه‌های معمول این نوع سازهاست. بنابراین، شیپورها، بوق‌های فلزی، بوق‌های صدفی، نفیرهای شاخی، کرناهای فلزی، کرمل‌ها، مارسازها، و ... در این گروه قرار می‌گیرند. اگرچه بیشتر سازهای دهانه پیاله‌ای در گروه هواصداها مطلق هستند اما یک نمونه هواصدا از جنس صدف حلزونی وجود دارد که به اعتبار داشتن یک یا دو سوراخ صوتی بر روی بدنه در زمره سازهای مقید است.

هواصداهای مطلق

هواصداهای مطلق سازهایی هستند که بر روی لوله یا محفظه صوتی آنها سوراخی برای انگشت‌گذاری و تغییر ارتفاع صدا وجود ندارد. به عبارت دیگر این هواصداها یا فقط توانایی ایجاد یک صدا را دارند و یا برحسب نوع و شکل بدنه می‌توانند چند صدا را براساس قانون اصوات طبیعی هارمونیک در لوله‌های صوتی ایجاد کنند. شکل ظاهری و جنس این هواصداها بسیار متنوع و گوناگون‌اند. نمونه‌هایی از کرنا فلزی با دهانه انتهایی شیپوری (کرناهای نقاره‌خانه آستان قدس رضوی در مشهد)، نمونه‌هایی از شیپور فلزی با یک، دو یا چند حَم در لوله صوتی، نفیرها (انواعی از بوق شاخی) کرنا گلان، کرنا مازندران، نمونه‌هایی از سوت‌سوتک از جنس ساقه گیاهان و یا سفال، نمونه‌هایی از بوق با بدنه‌ای از جنس صدف و ... از انواع هواصداها مطلق هستند. برخی سازهای این گروه (انواعی از سوتک‌های سفالی فاقد سوراخ بدنه) به‌جای لوله دارای محفظه صوتی هستند.

هواصداهای مطلق با توجه به چگونگی ایجاد صدا در آنها به انواع مختلفی، از جمله: با زبانه یک لایه (نمونه‌ای از نی زبانه‌دار ترکمنی) و با دهانه پیااله‌ای (کرنای آستان قدس رضوی، کرنای گیلان، کرنای مازندران، بوق بوشهر، بوق صدفی، نفیر و ...) تقسیم می‌شوند. این سازها از جنس‌های مختلفی مانند نی، شاخ، پوست، درخت، چوب، فلز، سفال و ... ساخته می‌شوند.

انواعی از هواصداهای مطلق زبانه‌دار، با زبانه‌های متعدد یک لایه وجود دارند که نوع غربی آنها آکاردئون، سازدهنی و انواع ارگ‌های بادی دستی هستند. از سازهای این گروه دو نمونه (گارمون آذربایجان و هارمونیای بلوچستان) در موسیقی نواحی ایران مشاهده می‌شوند.

ویژگی‌های عمده این گروه از سازهای هواصدا عبارت‌اند از:

– داشتن زبانه‌های متعدد یک لایه

– داشتن کلایه یا شستی

– داشتن مخزن یا فانوس تأمین‌کننده هوا

– داشتن امکان ایجاد چند صدا به‌طور همزمان

اکنون به بررسی دقیق‌تر شاخص‌ترین نمونه‌های هواصدا در نواحی مختلف ایران می‌پردازیم.

هواصدای آزاد

ورورک

ورورک، تنها هواصدای آزاد شناخته شده در ایران است که در گذشته در بعضی از روستاهای

منطقه رودبار گیلان – و شاید برخی مناطق دیگر – متداول بوده

است. از این ساز دو نمونه با دو ساختار مختلف شناسایی شده

است. نمونه اول تیغه‌ای است کشیده و باریک و نوک‌تیز با بدنه‌ای

محدّب از جنس چوب، و نمونه دوم قوطی‌شکل است. در هر دو

نمونه یک رشته طناب به سر ورورک بسته شده است. نوازنده با

گرفتن سر طناب، ورورک را با سرعت در هوا می‌چرخاند. در این

چرخش، بدنه ورورک هم در هوا می‌چرخد و هم به دور خودش و

در نهایت، این دو حرکت (وضعی و انتقالی) باعث شکافتن هوا و

تولید صدای ورورک می‌شود. از این هواصدا در گذشته نوجوانان

برای بازی و سرگرمی استفاده می‌کردند.



هواصدای مقید لبه‌دار لوله‌ای

نی

نی از قدیمی‌ترین سازهای مورد استفاده بشر است که از گذشته‌های دور تا به امروز در شکل‌های گوناگون در میان تمام فرهنگ‌ها متداول بوده است. شاید بتوان نی را که منشأ شکل‌گیری بسیاری از سازهای هواصدا در فرهنگ‌های مختلف بوده است ساده‌ترین و در عین حال عجیب‌ترین ساز، با ساختاری ساده و صدایی عمیق و نافذ دانست. این ساز در انواع، اندازه و جنس‌های گوناگون تقریباً در تمام نواحی ایران متداول است و می‌توان آن را یک ساز شبانی و ساریانی دانست زیرا بیشتر نوازندگان این ساز در نواحی ایران از میان چوپانان و ساریانان بوده و هستند. نی در نواحی مختلف ایران با نام‌های مختلفی چون نی، نای، نل، لَله، لَله، لوله، لَله‌وا، شمشال، دمکش و ... شناخته می‌شود.

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری نی: نی لوله‌ای صوتی است در

طول‌ها و قطرهای مختلف که جنس آن غالباً از نی نیزار است. برای ساختن نی، قسمت مناسبی از نی نیزار را که هفت‌بند و شش‌گره داشته باشد جدا می‌کنند. قطر نی معمولاً از بالا به پایین کاهش می‌یابد. روی نی معمولاً چهار سوراخ در جلو و یک سوراخ در پشت ایجاد می‌کنند. نی در برخی نواحی مانند مازندران، بختیاری و ... پنج سوراخ و در کردستان پنج تا شش سوراخ در جلو دارد. نی مورد استفاده در موسیقی دستگاهی ایران پنج سوراخ در جلو و یک سوراخ در پشت بدنه دارد. دور دهانه بالایی نی (قسمتی که در آن می‌دمند) را از سمت بیرون کمی می‌تراشند تا لبه لوله تیزتر و تولید صدا در آن آسان‌تر شود.



تکنیک اجرایی نی: در بیشتر نواحی ایران نی را به‌طور مایل روی

لب‌ها می‌گذارند و در آن می‌دمند. نوازندگان ترکمن، نی را به جای لب روی

دندان می‌گذارند که این شیوه نواختن در تمام ایران منحصر به فرد است. بعضی نی‌نوازان شمال خراسان و منطقه کنول در استان گلستان نیز تحت تأثیر این شیوه، نی را با دندان می‌نوازند. در موسیقی دستگاهی ایران نیز ظاهراً از دوره نایب‌اسدالله، نی با دندان نواخته می‌شود و براساس برخی روایات شفاهی، نایب اسدالله نیز این شیوه را از ترکمن‌ها اقتباس کرده است. در نواختن نی، با لب‌ها، از تکنیک نفس‌برگردان استفاده می‌شود. این تکنیک به نوازنده امکان می‌دهد بتواند موسیقی را بدون مکث و به‌صورت ممتد اجرا کند. در نفس‌برگردان، آخرین مقدار هوا در محفظه دهان ذخیره می‌شود

و همزمان با خروج آن، نوازنده از طریق بینی، شش‌های خود را از هوا پُر می‌کند. در موسیقی ترکمنی و موسیقی دستگاهی ایران که نی با دندان نواخته می‌شود به علت بازبودن دهان، امکان استفاده از تکنیک نفس برگردان وجود ندارد.



بلوچستان



کردستان



گیلان (دیلمان)

نی امکان ایجاد چهار منطقه صوتی را – با تفاوت‌هایی در جنس و رَنگ صدا – به‌طور بالقوه دارد اما در همه نواحی ایران الزاماً از تمام این محدوده صوتی استفاده نمی‌کنند. این چهار محدوده صوتی در عرف موسیقی شهری شامل بَم، اوج، غیث و پس‌غیث است. حدود اجرایی هریک از این چهار منطقه در نی، با وجود پنج سوراخ در جلو و با فرض این که بَم‌ترین صدا نت «دو» باشد به‌صورت شکل صفحه بعد است:



بیم



اوج



غیت



پس غیت

چنان که مشاهده می‌شود منطقه اوج یک اکتاو بالاتر، و منطقه پس غیت دو اکتاو بالاتر از منطقه بیم است. منطقه غیت نیز در فاصله پنجم درست، بالاتر از منطقه اوج قرار دارد. اما در وصل دو منطقه بیم و اوج، صدای «سی» وجود ندارد و این موضوع یکی از مشکلات اجرایی نی است. علاوه بر این، در وصل مناطق صوتی مختلف به هم نیز از نظر جنس و رنگ صدا مشکلاتی وجود دارد. به همین دلیل نوازندگان نی در اجرای موسیقی دچار مشکلاتی چون پرش‌های اجباری اکتاو، ساختن صداها با تغییر وضعیت لب‌ها، تغییر مقدار دمیدن و کامل یا ناقص گرفتن سوراخ‌های صوتی می‌شوند. این مشکلات البته در نی‌هایی که چهار سوراخ در جلو دارند بیشتر است.

هنگام اجرای موسیقی با نی در بعضی نواحی ایران، صداهایی همراه با صدای اصلی نی شنیده می‌شوند که بخشی از صدای مطلوب نی در این فرهنگ‌هاست و به هیچ وجه اضافی تلقی نمی‌شوند. بعضی از این صداها عبارت‌اند از:

– صدای حنجره نوازنده

– صدای ورود دایم

– همزمان اجرا کردن ملودی در فاصله اکتاو

– تعویض سریع اکتاو در بعضی صداها که اغلب باعث ایجاد صداهای هارمونیک در نی می‌شود.

موارد و نوع استفاده نی: نی مهمترین و شاید یگانه‌ترین ساز در فرهنگ چوپانی، شبانی و

ساربانی است. بیشتر چوپانان با نواختن نی آشنا هستند و در زندگی و آداب شبانی، نی یکی از لوازم

مهم است. بسیاری از پیام‌های چوپان به دام‌ها، با نی منتقل می‌شوند. در موسیقی نواحی ایران، ورود و خروج دام به آغل، جمع کردن گله، آب خوردن و ... هریک با نواختن آهنگ خاصی با نی صورت می‌گیرند. علاوه بر اینها نی همدم تنهایی چوپانان در دشت و کویر و کوهستان است. از این ساز در مراسم و آیین‌های دیگری چون عروسی، سوگ، تفریه و موسیقی درمانی نیز استفاده می‌کنند. رپرتواری نواحی ایران در درجه نخست به مقام‌ها و آهنگ‌های چوپانی و بعد به مقام‌ها، ترانه‌ها و آهنگ‌های عمومی آن منطقه اختصاص دارد. نی را هم تنها و هم همراه با آواز می‌نوازند.

جنس و مواد به‌کار رفته در ساختمان نی: جنس نی در اصل نی نیزار است. نی‌های مناطق

خشک و کویری برنی‌های مناطق مرطوب ترجیح دارند. وقتی نی مناسب در دسترس نباشد گاه نی را از جنس‌های دیگری چون فلز، مواد مصنوعی و چوب نیز می‌سازند. نی‌های فلزی از جنس‌های مختلفی چون برنج، آلومینیم، لوله آب، لوله فولادی و ... ساخته می‌شوند. نی برنجی کردستان که شمشال نامیده می‌شود چنان در فرهنگ کُردی جا افتاده که گاه تصور می‌شود شمشال از بنیاد فلزی بوده است. صرف نظر از شمشال فلزی کردستان که صدادهی منحصر به فردی دارد هیچ جنسی برای نی بهتر از نی نیزار نیست زیرا بهترین صدا از نی نیزار تولید می‌شود.

هواصدای مقید لبه دار لوله‌ای

نی لبک

نی لبک‌ها گروهی از هواصداها هستند که از گروه نی‌ها مشتق شده‌اند و در موسیقی غربی به ریکوردرها شهرت دارند. نی لبک‌ها در مقایسه با نی‌ها امکانات اجرایی محدودتری دارند اما نواختن و به‌صدا درآوردن آنها به خاطر ساختاری که دارند آسان‌تر از نی‌هاست. به همین دلیل است که جز نوازندگان حرفه‌ای، افراد دیگری نیز آنها را می‌نوازند. سازهای خانواده نی لبک در بعضی نواحی ایران متداول‌اند و با نام‌های مختلفی چون نی لبک، لبک، سیکاتک، شمشاد، توتک، سوتک، شوتک و ... شناخته می‌شوند.



نی لبک گلستان
(منطقه کتول)

نی لبک گیلان
(منطقه تالش)

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری نی لبک:

لوله صوتی کوتاهیست که روی آن تعدادی سوراخ صوتی در جلو ایجاد شده‌اند. بیشتر نی لبک‌ها فاقد سوراخ پشت هستند. سر نی لبک (قسمتی که در آن می‌دمند) را به شکل خاصی بُرش می‌دهند و متناسب با این بُرش، قطعه چوبی در دهانه می‌گذارند، به گونه‌ای که میان آن و جداره بدنه شکاف باریکی ایجاد شود. این شکاف هوای ناشی از دمیدن را مستقیماً به لبه تیزی که روی بدنه و نزدیک دهانه ایجاد شده هدایت می‌کند. برخورد هوا با این لبه تیز باعث به‌صدا درآمدن نی لبک می‌شود.

تکنیک اجرایی نی لبک:

و به این ترتیب صدای آن ممتد و بدون فاصله و مکث به گوش می‌رسد. به خاطر فقدان سوراخ پشت در بعضی نمونه‌ها این ساز محدوده صوتی وسیعی ندارد. البته نوازندگان حرفه‌ای می‌توانند آهنگ مورد نظر را در دو اکتاو مختلف اجرا کنند. حدود اجرایی متعارف در نی لبک‌های فاقد سوراخ پشت به صورت زیر است. در اینجا صدای «دو» یک صدای فرضیست و سایر صداها نیز با تغییر فشار هوا و گرفتن کامل یا ناقص سوراخ‌ها تا حدودی متغیر هستند:



در نی لبک‌های حرفه‌ای که غالباً دارای سوراخ پشت نیز هستند این محدوده صوتی در یک اکتاو بالاتر نیز قابل اجراست.

به صدا درآوردن نی لبک به خاطر ساختار قسمت دهانی آن ساده است و به همین دلیل حتی کودکان نیز می‌توانند آن را به راحتی بنوازند. نی لبک‌ها اگرچه سازهایی غیر حرفه‌ای محسوب می‌شوند اما نوازندگان حرفه‌ای هم گاه آنها را می‌نوازند.



گلستان (کتول)



گیلان (تالش)

موارد و نوع استفاده نی لبک: نی لبک اصولاً سازی غیر حرفه‌ای

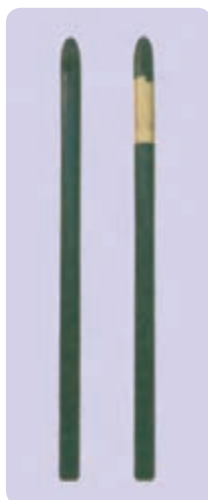
است که برای سرگرمی توسط کودکان و نوجوانان نواخته می‌شود. نی نوازان و چوپانان نیز گاه به‌طور حرفه‌ای از آن استفاده می‌کنند. نی لبک را غالباً به تنهایی می‌نوازند و ساز دیگری آن را همراهی نمی‌کند.

جنس و مواد به کار رفته در ساختمان نی لبک: جنس اصلی نی لبک

نی نیزار است اما در بعضی نواحی ایران نی لبک را با جنس‌های دیگری چون چوب، لوله فلزی یا مواد مصنوعی نیز می‌سازند.

نی لبک مضاعف (دوتایی): نی لبک‌ها مانند نی‌ها سازهایی منفرد

هستند، یعنی یک لوله صوتی ساختمان ساز را تشکیل می‌دهد. در بلوچستان نوعی نی لبک بلند مضاعف چوبی متداول است که به دونکی (دونبی/ جفت نی)



معروف است. اگرچه اصل این ساز بلوچی نیست و از پاکستان به بلوچستان ایران آورده شده اما توانسته است خود را در موسیقی بلوچستان تثبیت نماید. دونلی، دو لوله صوتی است که یکی از آنها نغمه یا ملودی و دیگری واخوان را اجرا می کنند.

در اینجا حدود اجرایی دونلی شیرمحمد اسپندار از بمپور بلوچستان ارائه می شود. سقف و کف صوتی دونلی های مختلف، برحسب اندازه آنها، متفاوت است. این حدود اجرایی متعلق به آن نی است که وظیفه اجرای ملودی را بر عهده دارد :



هواصدای مقید لبه دار محفظه‌ای

سوتک

سوتک‌ها یا سوت سوتک‌ها هواصداهایی هستند که :

– معمولاً از سفال ساخته می‌شوند.

– امکانات صوتی محدودی دارند.

– سازهایی غیر حرفه‌ای‌اند.

– بیشتر توسط کودکان نواخته می‌شوند.

– شکل آنها غالباً نمادین است.

– بعضی از آنها به جای لوله صوتی، محفظه صوتی دارند.

– دهانی آنها مانند دهانی سازهای گروه نی لبک است.

سوتک‌ها در بیشتر فرهنگ‌های جهان دیده می‌شوند. اگرچه امروزه در برخی نواحی ایران سوتک متداول نیست اما احتمالاً در ادوار گذشته این ساز در اغلب نواحی ایران متداول بوده است.

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری سوتک : ساختار سوتک از دو قسمت تولید صدا و بدنه تشکیل شده است. قسمت تولید صدا در همه سوتک‌ها تقریباً مشابه و مانند دهانی نی لبک است که هوا از طریق یک شکاف باریک به یک لبه تیز برخورد می‌کند و صدا ایجاد می‌شود. بدنه سوتک‌ها صرف‌نظر از شکل ظاهرشان دو ویژگی مهم دارند :

– بدنه‌های توخالی که محفظه سوتک را تشکیل می‌دهند و گاه روی‌شان چند سوراخ برای تغییر صدا ایجاد شده است.

– بدنه‌های توپر که بیشتر نقش یک مجسمه یا نماد را دارند و در تولید صدای سوتک نقشی ندارند. این نوع بدنه‌ها به‌طور طبیعی فاقد سوراخ صوتی‌اند.

تقریباً هیچ سوتکی نمی‌توان یافت که نمادی از حیوان، انسان یا اشیای دیگر نباشد. همین نکته است که این ساز را به فرهنگ‌های کهن که بسیاری از اشیاء و پدیده‌ها در آنها جنبه تمثیلی داشته‌اند پیوند می‌دهد. بعضی سوتک‌ها در نواحی ایران به قُلُقُلُک مشهورند. در محفظه این سوتک‌ها آب می‌ریزند و هنگام نواختن آنها علاوه بر صدای سوتک، صدای قُلُقُلُ آب که ناشی از عبور هوا از آب است نیز شنیده می‌شود.



تکنیک‌های اجرایی سوتک: از آنجا که سوتک‌ها سازهایی غیرحرفه‌ای‌اند و به‌عنوان اسباب‌بازی مورد استفادهٔ کودکان قرار می‌گیرند. تکنیک اجرایی ساده‌ای دارند و به‌صدا درآوردن‌شان مانند نی‌لبک‌ها آسان است. نواختن سوتک‌هایی که محفظهٔ صوتی و سوراخ‌های صوتی دارند از سوتک‌های ساده مشکل‌تر است.



هوای صدای مقید زبانه دار

زبانه یک لایه — لوله صوتی منفرد: نی های زبانه دار با لوله صوتی منفرد در ترکمن صحرا، مازندران، هرمزگان، بوشهر، کردستان و کرمانشاه متداول اند. در مازندران و ترکمن صحرا اصل این ساز منفرد، و در نواحی جنوبی و غربی ایران نمونه منفرد، ساده شده نمونه مضاعف است. در اینجا قرنی، یکی از شاخص ترین نمونه های این هوا صدا را بررسی می کنیم.

قرنی (قرنه) — مازندران

ویژگی های ظاهری و ساختاری قرنی: قرنی متشکل از سه قسمت

بدنه (لوله صوتی)، زبانه و دهانه شیپوری است.

۱ — بدنه: بدنه قرنی یک نی نه چندان قطور و نه چندان بلند است که روی آن پنج سوراخ در جلو و یک سوراخ صوتی در پشت ایجاد شده است. در برخی مناطق مازندران بدنه قرنی از چوب است که به آن چونی (چونه) می گویند.

۲ — زبانه: زبانه، یک نی باریک و کوتاه است و روی آن یک شکاف طولی ایجاد شده که باعث شکل گرفتن زبانه یک لایه شده است. زبانه که از یک سمت باز و از سمت دیگر بسته است در دهانه بالایی بدنه قرار دارد و در آن دمیده می شود.

۳ — دهانه شیپوری: دهانه شیپوری، قسمتی از یک شاخ است که داخل آن خالی شده و به قسمت پایینی لوله صوتی (بدنه) متصل است. این دهانه شاخی در کیفیت و جنس صدای قرنی تأثیر بسزایی دارد.

تکنیک اجرایی قرنی: قرنی را با استفاده

از تکنیک نفس برگردان می نوازند. زبانه را طوری در دهان می گذارند که تقریباً همه طول آن در محفظه دهان قرار می گیرد. انگشت گذاری روی قرنی مشابه انگشت گذاری در نی یا لاله وا در مازندران است. حدود اجرایی متعارف در این ساز حدود



یک اکتاو است و این محدوده با فرض اینکه بم‌ترین صدا نت «دو» باشد به صورت زیر است :



موارد و نوع استفادهٔ قِرنی : این ساز امروزه استفادهٔ زیادی ندارد و ظاهراً در گذشته بیشتر متداول بوده و در دوره‌ای منسوخ و در دو دههٔ گذشته دوباره مورد توجه واقع شده است. رپراتور قِرنی از لِّله‌وا محدودتر است و اجرای برخی ترانه‌ها و نیز آوازهایی مانند کتولی با این ساز مقدور است.

جنس و مواد به کار رفته در ساختمان قِرنی

بدنه (لولهٔ صوتی) : نی (بدون بند و گره)، به ندرت چوب

زبانۀ : نی

دهانهٔ شیپوری : شاخ گاو

هواصداهای مقید زبانه دار

زبانۀ یک لایه — لولۀ صوتی مضاعف : نی های زبانۀ دار با لوله های صوتی مضاعف (دوتایی) در خراسان، کردستان، کرمانشاه، مناطقی از لرستان و ایلام، هرمزگان و بوشهر متداول اند. این سازها در واقع مضاعف شده سازهایی هستند که نمونه آن در قسمت قبل بررسی شد. سازهای این گروه در نواحی ایران با نام های مختلفی از جمله دوزله (کردستان، کرمانشاه، لرستان و ایلام)، نی جُفتی (هرمزگان و بوشهر)، قُمشه (شمال خراسان) و دو سازه (جنوب خراسان) شناخته می شوند. در این قسمت دو نمونه از سازهای این گروه، دوزله و نی جُفتی مورد بررسی قرار می گیرند.

دوزله — کردستان

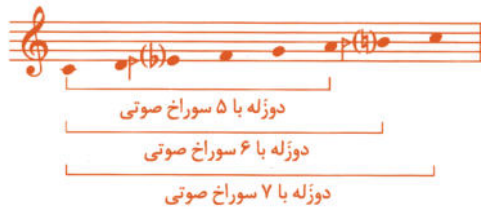


دوزله از سازهای مهم متداول در ناحیه زاگرس واقع در غرب ایران است. این ساز دو لولۀ صوتی ست که در کنار هم قرار گرفته و به هم بسته شده اند. لوله های صوتی از جنس های مختلفی ساخته می شوند که بهترین شان استخوان بال انواعی از پرندگان شکاری، مانند قوش، باز و عقاب است. این استخوان ها شکل هندسی خاصی دارند و یک سرشان باریک تر از سر دیگرشان است. سر باریک تقریباً استوانه ای شکل است و در قسمت پایین تقریباً چهارگوش می شود. دوزله هایی که از جنس نی هستند لوله های صوتی شان استوانه ای ست. بر دهانه بالایی لوله های صوتی دوزله، زبانه ها قرار می گیرند که ساختمان آنها مانند قِرنی است. روی هریک از لوله های صوتی پنج، شش یا هفت سوراخ در قسمت جلو ایجاد شده اند. این لوله ها فاقد سوراخ پشت هستند.

تکنیک اجرایی دوزله : زبانۀ های دوزله را طوری در دهان می گذارند که تقریباً همه طول آنها در محفظۀ دهان قرار می گیرد و با انگشت های هر دو دست آن را می نوازند. چون دوزله هواصدایی مضاعف است، هر انگشت باید به طور همزمان یک ردیف از سوراخ های هر دو لولۀ صوتی را بسته یا باز نگه دارد و به این ترتیب این دو لوله



به صورت همصدا به صدا درمی‌آیند. در نواختن دوزله از تکنیک نفس‌برگردان استفاده می‌شود و در نتیجه صدای آن ممتد و بدون مکث خواهد بود. حدود اجرایی متعارف در این ساز به صورت زیر است. در اینجا صدای «دو» یک صدای فرضی ست و سایر صداها نیز با تغییر فشار هوا و گرفتن کامل یا ناقص سوراخ‌ها متغیر هستند:



سقف صوتی صدای دوزله با افزایش فشار دمیدن می‌تواند تا نیم یا یک پرده دیگر گسترش یابد.
موارد و نوع استفاده دوزله: دوزله به همراه تمبک یا دایره در مجالس عروسی و شادمانی نواخته می‌شود. رپرتوار این ساز شامل آهنگ‌های رقص و ترانه‌هاست.

جنس و مواد به کار رفته در ساختمان دوزله

بدنه (لوله‌های صوتی): استخوان بال پرندگان شکاری، نی، لوله فلزی باریک و نازک
 زبانه: نی

نی جُفتی - هرمزگان



این ساز نیز دو لوله صوتی باریک از جنس نی است که در کنار هم قرار گرفته و به هم بسته شده‌اند. بر دهانه بالایی لوله‌های صوتی نی جفتی زبانه‌ها قرار می‌گیرند که ساختمان‌شان مانند دوزله است. روی هر یک از لوله‌های صوتی هفت سوراخ در قسمت جلو ایجاد شده‌اند. این لوله‌ها فاقد سوراخ پشت هستند.

تکنیک اجرایی نی جُفتی: تکنیک اجرایی این ساز تا حد زیادی شبیه تکنیک دوزله است. دو لوله صوتی نی جُفتی نیز باید به صورت همصدا به صدا درآیند، اگرچه گاه ممکن است در لحظه‌های کوتاه دو صدای متفاوت از این ساز شنیده شود. در نواختن نی جُفتی نیز از تکنیک نفس برگردان استفاده می‌شود. حدود اجرایی متعارف در این ساز به صورت زیر است. در اینجا صدای «دو» یک صدای فرضی ست و سایر صداها نیز با تغییر فشار هوا و گرفتن کامل یا ناقص سوراخ‌ها متغیرند:



سقف صوتی صدای نی جُفتی با افزایش فشارِ دمیدن می‌تواند تا نیم یا یک پردهٔ دیگر گسترش یابد.

موارد و نوع استفادهٔ نی جُفتی: نی جُفتی از سازهای مهم هرمزگان است و به همراه چند نوع پوست صدا در مجالس عروسی و شادمانی و گاه مجالس زار نواخته می‌شود. پوست صداهایی که نی جُفتی را همراهی می‌کنند در مناطق هرمزگان متفاوت‌اند. در بندرعباس، جزایر قشم، هرمز و مناطق شرقی هرمزگان غالباً دهل، پیپه و کسیر، نی جُفتی را همراهی می‌کنند و در بندر لنگه، بندر معلم، بندر چارک و غرب هرمزگان غالباً یک یا دو دهل (که یکی کوچک‌تر و از نوع جوره یا کسیر است) همراهی‌کننده نی جُفتی هستند. رپرتوار این ساز شامل ترانه‌ها و آهنگ‌های رقص و گاه آهنگ‌های زار است. جنس بدنه (لوله‌های صوتی) و زبانه‌های نی جُفتی از نی است.

هواصداهای مقید زبانه‌دار

زبانۀ یک لایه — لولۀ صوتی مضاعف — با مخزن هوا

نی انبان — بوشهر

نی انبان نوعی هواصداست با لوله‌های صوتی مضاعف (دوتایی)، زبانه‌های یک لایه و یک مخزن ذخیره هوا که در نواحی جنوبی ایران مانند بوشهر، خوزستان، هرمزگان و مناطقی از جنوب کرمان متداول است. اما جایگاه آن در موسیقی بوشهر نسبت به نواحی دیگر مستحکم‌تر است.

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری نی انبان: این

ساز که در بوشهر، نی همبونه و همبونه نیز نامیده می‌شود از اجزای زیر تشکیل شده است:



۱- **دسته:** دسته نی انبان، غلاف چوبی ناودانی شکلی‌ست که داخل آن دو عدد نی زبانه‌دار قرار دارد و نی‌ها با موم در داخل دسته ثابت می‌شوند. روی هر نی شش سوراخ صوتی در قسمت جلو ایجاد شده‌اند و بر سر

هر کدام از نی‌ها، زبانه‌ای یک لایه (مانند زبانۀ نی جُفتی و دوزله) قرار گرفته است.

۲- **انبان:** انبان یک مَشک یا پوست دباغی شدهٔ بز یا گوسفند است که به عنوان مخزن ذخیره هوا مورد استفاده قرار می‌گیرد. پوست تقریباً یکپارچه است و قسمت گردن آن از داخل کور می‌شود. یک دهانی (محل دمیدن) در محل سوراخ یکی از دست‌ها، و دسته نی انبان در محل سوراخ دست دیگر نصب شده‌اند. قسمت پایینی پوست نیز در یک نقطه جمع و از داخل بسته می‌شود. بنابراین مخزن آماده شده، یک مجرای ورود و یک مجرای خروج هوا دارد. در مجرای ورود هوا، دهانی نصب می‌شود و در مجرای خروج هوا، دسته نی انبان را طوری نصب می‌کنند که زبانه‌ها در داخل انبان قرار گیرند.

۳- **دهانی:** شیئی قرقره مانند و محل دمیدن در مخزن نی انبان است.

تکنیک اجرایی نی انبان: نوازنده، قبل از نواختن، انبان ساز را با فوت کردن (دمیدن) در دهانی، پُر از هوا می‌کند و بعد دسته نی انبان را در دست‌های خود می‌گیرد و شروع به نواختن می‌کند. فشار هوای داخل مخزن باعث ارتعاش زبانه‌ها می‌شود و صدای ایجاد شده، با گرفتن (بستن) یا



بازگذاشتن سوراخ‌های صوتی نی‌ها تغییر می‌کند. در نی انبان، زبانه‌ها داخل مخزن هوا قرار دارند و با لب‌های نوازنده تماس ندارند. هر دو نی باید صدای واحدی ایجاد کنند. در نی انبان این امکان برای نوازنده وجود دارد که با استفاده از هوای ذخیره‌شده در انبان بتواند لحظاتی ساز را بدون دمیدن به صدا درآورد. مخزن هوای نی انبان در آغوش نوازنده قرار می‌گیرد و او با بازوهای خود از دو طرف به مخزن فشار می‌آورد. بنابراین چون این ساز مخزن ذخیره هوا دارد نیازی به استفاده از تکنیک نفس‌پرگردان در نواختن آن نیست.

حدود اجرایی متعارف در نی انبان به صورت زیر است.

در اینجا همه صداهای نسبی اند و بر اثر شدت دمیدن و کامل یا ناقص گرفتن سوراخ‌های صوتی، سیال و متغیرند:



موارد و نوع استفاده نی انبان: نی انبان غالباً در مجالس عروسی و شادمانی نواخته می‌شود و ریپرتوار آن شامل ترانه‌ها و قطعات مختلفی چون حاجیونی، شکی، چویی‌ها یا آهنگ‌های رقص است. در مناطق غربی استان بوشهر، از نی انبان در مراسمی چون مولودی و زار نیز استفاده می‌شود. دایره و تمبک و دَمّام سازهای همراهی‌کننده نی انبان در بوشهر هستند.

جنس و مواد به کار رفته در ساختمان نی انبان

دسته: چوب

نی‌ها: نی

زبانه‌ها: نی

انبان: پوست بز، گوسفند

دهانی: پلاستیک، چوب

هواصداهای مقید زبانه‌دار

زبانۀ دو لایه — لولۀ صوتی منفرد: انواعی از هواصدا با زبانۀ دولایه و لولۀ صوتی منفرد در موسیقی نواحی ایران مشاهده می‌شوند اما هواصداهایی که زبانۀ دولایه و لوله‌های صوتی مضاعف (دوتایی) داشته باشند در موسیقی نواحی ایران متداول نیستند. زبانه در سازهای این گروه دولایه است، یعنی از پهن شدن قسمت کوتاهی از نی‌های مخصوص باریک ساخته می‌شود. نمونه‌هایی از زبانۀ چهارلایه نیز در سازهای لیوا (سُرناهای بزرگ) در مناطقی از هرمزگان وجود دارند.

در موسیقی نواحی ایران گروه سُرناها، نمونه‌هایی از کرناها و بالابان یا نَرمه‌نای از سازهای با زبانۀ دولایه هستند. سُرناها هواصداهایی هستند که یک لولۀ صوتی با دهانۀ قیف‌مانند یا شیپوری دارند. اگرچه سُرناهای نواحی مختلف از نظر ساختار کلی مشابه‌اند اما سُرناهای هر ناحیه از نظر اندازه، شکل دهانۀ شیپوری، جنس، حدود اجرایی و محتوای ریرتوار با یکدیگر تفاوت دارند. سازهایی هم که با نام کرنا در نواحی ایران متداول‌اند صرف‌نظر از تشابه نامشان، از نظر شکل، ساختار، نحوه به صدا در آمدن، جنس و اندازه با یکدیگر تفاوت دارند. در میان انواع کرناها، نوعی کرنا زبانۀ دولایه دارد و می‌توان آن را در خانواده سُرناها قرار داد. تفاوت این کرنا با گروه سُرناها در اندازه، محدوده صوتی و دهانۀ فلزی انتهای کرناست. نوعی کرنا نیز در مازندران متداول بوده که از پوست درخت ساخته می‌شده و گاه با زبانۀ دولایه نواخته می‌شده است. نوع بدون زبانۀ این کرنا هم البته در مازندران رایج بوده است. بالابان (آذربایجان) و نَرمه‌نای (کردستان) نیز سازهای واحدی هستند که زبانۀ دولایه دارند.

در اینجا به بررسی دو نمونه سُرنا از دو ناحیه مختلف ایران و نمونه‌ای از کرنا و بالابان (نَرمه‌نای) می‌پردازیم.

سُرنا - شرق خراسان

سُرنا که در اغلب نواحی ایران به «ساز» معروف است در شکل‌ها و اندازه‌های گوناگون در همه نواحی ایران جز ترکمن صحرا متداول است. ساختار کلی بدنه سُرنا و اجزای آن در تمام مناطق تقریباً شبیه هستند اما سُرناهای مناطق شرقی ایران (شرق و شمال خراسان و سیستان) در مقایسه با سُرناهای نواحی دیگر چند تفاوت مهم دارند:

– اندازه آنها کوچک‌تر است.

– دهانه شیپوری‌شان تنگ‌تر است.

– فاقد دوشاخه یا انبرک هستند.

– وسعت صوتی‌شان بیشتر است.

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری سُرنا شرق خراسان:



این سُرنا کوچک در مناطق تربت جام، تایباد، خواف و تا حدودی سرخس دیده می‌شود و اجزای آن عبارت‌اند از: بدنه استوانه‌ای با دهانه شیپوری محدود، میل، زبانه و لب‌گیر. روی لوله صوتی این سُرنا هفت سوراخ در جلو و یک سوراخ در پشت و یک سوراخ در بغل و نزدیک دهانه شیپوری ایجاد شده‌اند. روی سوراخ بغل انگشت‌گذاری نمی‌شود. سُرنا شرق خراسان فاقد دوشاخه یا انبرک است و میل آن مستقیماً در دهانه بالایی بدنه قرار دارد. این میل یک لوله برنجی نازک است که زبانه بر سر آن بسته می‌شود و سمت دیگر آن در سوراخ بالایی بدنه قرار می‌گیرد. زبانه از جنس نی خاصی ست. لب‌گیر، شیء گردی از جنس‌های مختلف است که وسط آن سوراخ است و میل از وسط آن عبور می‌کند و باعث ثبات سُرنا در دهان نوازنده می‌شود.

تکنیک‌های اجرایی سُرنا شرق خراسان: تکنیک‌های

اجرای همه سُرناها در نواحی ایران مشابه‌اند. سُرنا شرق خراسان بنا به ساختار ویژه‌اش، محدوده صوتی گسترده‌تر و زیرتر دارد. در این سُرنا با استفاده از تکنیک نفَس‌برگردان می‌دمند و اجرای نغمه در مناطق زیر و مافوق زیر در آن بسیار متداول است. به‌طور کلی تکنیک نواختن سُرنا



در نواحی شرقی ایران پیچیده تر از نواحی دیگر ایران است.
وسعت صوتی سُرناي شرق خراسان محدوده‌ای به صورت زیر دارد. این صداها تا حدودی سیال‌اند و با تغییر فشارِ دمیدن و کامل یا ناقص گرفتن سوراخ‌ها تغییر می‌کنند:
حدود اجرایی متعارف در سُرناي تابباد و تربت جام:



موارد و نوع استفاده سرناي شرق خراسان : این سُرنا در مجالس عروسی و شادمانی نواخته می‌شود و دهل، ساز همراهی‌کننده آن است. رپرتوار سُرنا در این ناحیه شامل مقام‌های بازی و رقص، از جمله مراحل مختلف چوب‌بازی، آفر، حَتَن و همچنین مقام‌الله و تعدادی مقام و آهنگ دیگر، از جمله کوراوغلی برای مراسم کُشتی محلی و ... است.

جنس و مواد به کار رفته در ساختمان سُرنای شرق خراسان

بدنه : چوب

میل : فلز برنج

زبانہ : نی

لب گیر : چوب، فلز، صدف، پلاستیک، استخوان

سُرنا – کرمانشاه

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری سُرنا کرمانشاه: سُرناهای



متداول در نواحی غرب ایران، مانند کردستان، کرمانشاه، لرستان، ایلام و به‌طور کلی ناحیه زاگرس از لحاظ ویژگی‌های ظاهری و تکنیک‌های اجرایی تقریباً مشابه‌اند. اجزای سُرنا کرمانشاه عبارت‌اند از بدنه استوانه‌ای با دهانه شپوری، میل، زبانه، دوشاخه یا انبرک و لب‌گیر.

روی لوله صوتی این سُرنا هفت سوراخ در جلو و یک سوراخ در پشت ایجاد شده‌اند. این سُرنا برخلاف سُرناهای نواحی شرقی ایران قسمتی به نام دوشاخه یا انبرک دارد. انبرک لوله‌ای چوبی‌ست که دارای دوشاخه یا دو زبانه انبرمانند است و در قسمت بالایی و داخل لوله صوتی قرار می‌گیرد و میل بر روی آن سوار می‌شود. وجود انبرک

در این سُرنا و سایر سُرناهای ایران – جز نواحی شرقی – بسیار مهم است و تأثیری تعیین‌کننده در جنس و رنگ صدای سُرنا دارد. میل سُرنا یک لوله نازک برنجی‌ست که زبانه بر سر آن بسته می‌شود. لب‌گیر شیء گردی‌ست با سوراخی در وسط که میل از وسط آن عبور می‌کند و باعث ثبات سُرنا در دهان نوازنده می‌شود.

تکنیک اجرایی سُرنا کرمانشاه: تکنیک اجرایی این سُرنا نیز در مجموع شبیه تکنیک

سُرناهای نواحی دیگر ایران است و در نواختن آن نیز از تکنیک برگردان استفاده می‌شود.



به خاطر ابعاد بزرگ این سُرنّا، حدود صوتی آن نسبت به سُرنای شرق خراسان محدودتر و بم‌تر و به صورت زیر است. صداهای نسبی هستند و برحسب فواصل مقام‌های مختلف متغیرند :

حدود اجرایی متعارف در سُرنای کرمانشاه :



موارد و نوع استفاده سُرنای کرمانشاه : این سُرنّا همراه با دهل در مجالس عروسی و شادمانی و نیز مراسم چَمَری که اختصاص به سوگواری دارد نواخته می‌شود. در نظام عشایری این ناحیه در قدیم، سُرنّا کاربردهای دیگری چون اعلام و بیدارباش ایل نیز داشته است. رپرتوار سُرنای کرمانشاه شامل آهنگ‌های رقص، از جمله گریان، فَنّاپاشایی، چپی و سه‌جار و همچنین برخی مقام‌های دیگر رایج در این ناحیه، مانند ساروخانی، جَنگه‌را، جلوشاهی، خان‌امیری و سوارسوار همراه با دهل و نیز مقام سحری‌ست.

جنس و مواد به‌کار رفته در ساختمان سُرنای کرمانشاه

بدنه : چوب

دوشاخه یا انبرک : چوب

میل : فلز برنج

زبانه : نی

لب‌گیر : چوب، فلز، صدف، پلاستیک، استخوان

گَرنا - فارس



ویژگی‌های ظاهری و ساختاری گرنای فارس: این گَرنا

زبانه‌ای دولایه دارد و صرف‌نظر از برخی اختلافات در مجموع در گروه سُرناها قرار می‌گیرد. این نوع گَرنا در استان فارس، استان کهگیلویه و بویراحمد، شمال غربی کرمان و شمال شرقی بوشهر و استان چهارمحال و بختیاری متداول است. اجزای گرنای فارس عبارت‌اند از: دسته یا بدنه استوانه‌ای چوبی، بدنه برنجی منتهی به دهانه شیپوری، میل، زبانه و لب‌گیر.

دسته گَرنا یک لوله استوانه‌ای چوبی با هفت سوراخ در جلو و یک سوراخ در پشت است که برخلاف سُرنا به دهانه شیپوری منتهی نمی‌شود. در سوراخ بالایی بدنه میل گَرنا و در قسمت پایینی

آن بدنه برنجی منتهی به دهانه شیپوری قرار دارند. میل، لوله‌ای نازک و برنجی‌ست که زبانه بر سر آن نصب می‌شود. زبانه قسمت کوتاه و پهن شده‌ای از نوع خاصی نبی است. لب‌گیر گَرنا نیز مانند لب‌گیر سُرنا و با همان کارکرد است. این گَرنا فاقد انبرک است و میل مستقیماً در سوراخ بالایی بدنه قرار می‌گیرد.

تکنیک اجرایی گرنای فارس: تکنیک اجرایی این گَرنا

در مجموع شبیه تکنیک سُرناست و نوازندگان آن همان نوازندگان سُرنا هستند. گرنای فارس را نیز با تکنیک نفس‌برگردان می‌نوازند. محدوده صوتی این گَرنا در مقایسه با سُرنا بم‌تر و به صورت زیر است. این صداها سیال‌اند و با تغییر فشار دمیدن و کامل یا ناقص گرفتن سوراخ‌های صوتی برای اجرای مقام‌های مختلف متغیرند: حدود اجرایی متعارف در گرنای فارس:



موارد و نوع استفاده گرنای فارس : در فارس گَرنا را همراه با نقاره مضاعف، و در موسیقی بختیاری همراه با دهل می نوازند. نوازندگان گَرنا و نقاره در ایل قشقایی «چنگی» نامیده می شوند. چنگی ها که در قدیم و هنگام نبرد، آهنگ جنگنامه می نواختند اجراکننده بخشی از موسیقی قشقایی اند و در مراسم عروسی و شادمانی و جشن ها می نوازند. بخش عمده ای از موسیقی مراسم عروسی و جشن ها آهنگ های رقص هستند. رقص مردان «هو» نام دارد و همان تَرکه بازی ست که با آهنگ جنگنامه اجرا می شود و رقص زنان به «هَلّی» معروف است. قبل از شروع بازی ها و رقص ها معمولاً نوازنده گَرنا آهنگ سحرآوازی را می نوازد که آهنگ بیدارباش ایل بوده است. گَرنا و نقاره بعضی آهنگ های دیگر را هم که گاه در اصل آوازی هستند اجرا می کنند. در گذشته در مراسم سوگواری نیز آهنگ های دَوَرَه، سحرآوازی و گاه گرایلی را با گَرنا و نقاره می نواختند.

جنس و مواد به کار رفته در ساختمان گرنای فارس

دسته (بدنه) : چوب

قسمتی از بدنه و دهانه شیپوری : فلز برنج

میل : فلز برنج

زبانه : نی

لب گیر : چوب، فلز، صدف، پلاستیک، استخوان

بالابان – آذربایجان شرقی

یکی دیگر از هواصداهایی که زبانهٔ دولایه دارد سازی است که در آذربایجان شرقی به بالابان و در کردستان به نَرْمه‌نای معروف است. این ساز در مناطقی از آذربایجان غربی، کرمانشاه، همدان، زنجان و قزوین نیز تا حدودی رواج دارد.



ویژگی‌های ظاهری و ساختاری بالابان:

قسمت اصلی زبانه و بدنه تشکیل شده است و زبانهٔ آن در مقایسه با سایر زبانه‌های دولایه، بلندترین و پهن‌ترین نوع زبانهٔ دولایه در نواحی ایران است و شکل، اندازه و نحوهٔ ساخت آن اهمیت زیادی دارد. زبانهٔ بالابان مهم‌ترین قسمت ساز است و از نظر طول، عرض و ضخامت انواع مختلفی دارد که نوازنده با توجه به سلیقه، زنگ صوتی مورد نیاز و تنالیده، زبانه مناسب را برای خود انتخاب می‌کند. این زبانه یک قطعه نی به طول تقریبی ده سانتی‌متر است و قسمت پایین آن که در سوراخ بالایی بدنه قرار می‌گیرد لوله‌ای است و هرچه به سمت بالا می‌رود به تدریج پهن می‌شود و در انتهای بالای زبانه به یک شکاف باریک منتهی می‌شود. نوک زبانه در میان دو لب نوازنده قرار

می‌گیرد. در قسمت جلو بدنه هفت یا هشت سوراخ و در پشت آن یک سوراخ برای انگشت‌گذاری ایجاد شده‌اند. بالابان دو قسمت حساس دیگر نیز دارد. یکی محافظ زبانه است که یک نوار باریک چوبی خم شده است و به خاطر حساس بودن زبانهٔ بالابان، وقتی این ساز نواخته نمی‌شود، محافظ را بر سر زبانه می‌گذارند. قسمت دیگر، باریکهٔ چوبی خم شده‌ای است که تقریباً در وسط طول زبانه قرار می‌گیرد و برای کوک کردن و تنظیم صدای بالابان است.



تکنیک اجرای بالابان:

بالابان و تماس مستقیم لب‌های نوازنده با سر پهن زبانه، امکان اجرای نوانس در این ساز به‌طور مطلوبی فراهم است. زبانهٔ سُرنا با لب‌های نوازنده تماس ندارد و در محفظهٔ دهان مرتعش می‌شود و از این رو در سُرنا امکان تغییر نوانس و کنترل صدا با لب‌ها وجود

ندارد. بالابان که با استفاده از تکنیک نفس‌برگردان نواخته می‌شود در اجرای نوانس‌هایی از pp تا ff سازی بی‌همتا است.

محدوده صوتی بالابان نسبتاً بکم و به صورت زیر است. این صداها سیال‌اند و با تغییر فشار هوا، تغییر وضعیت لب‌ها و کامل یا ناقص گرفتن سوراخ‌های صوتی برای اجرای مقام‌های مختلف متغیرند:

حدود اجرایی متعارف در بالابان با ۸ سوراخ در جلو:



موارد و نوع استفاده بالابان:

در آذربایجان شرقی بالابان را در موسیقی عاشیقی می‌نوازند. این موسیقی امروزه توسط خواننده و نوازنده ساز (قوپوز) و به همراهی بالابان و قوال (دایره) اجرا می‌شود. در این گروه سه نفره بالابان اهمیت زیادی دارد زیرا اجرای جواب‌های آواز عمدتاً بر عهده بالابان است. رپرتوار بالابان همان رپرتوار موسیقی عاشیقی شامل هاواها (مقام‌های عاشیقی ست که بیشتر در قالب داستان‌ها و روایت‌ها اجرا می‌شوند. موسیقی عاشیقی را در مجالس عروسی و شادمانی و نیز در قهوه‌خانه‌های عاشیق‌لار اجرا می‌کنند. جنس بدنه بالابان از چوب و زیانه آن از نی خاصی است.

هواصدای مقید با دهانه پیااله‌ای

هواصداهای با دهانه پیااله‌ای، نه دارای زبانه‌اند و نه در آنها صدا از طریق برخورد با یک لبه تیز ایجاد می‌شود. این گروه از هواصداهای اغلب دارای سوراخی در محفظه کوچک پیااله‌مانند قسمت دهانی هستند و وظیفه این نوع دهانی، هدایت سریع هوا و صدای تولیدشده توسط لرزش لب‌ها به داخل بدنه ساز است.

هواصداهایی که دهانه پیااله‌ای دارند غالباً در گروه هواصداهای مطلق قرار می‌گیرند، یعنی روی لوله آنها سوراخی برای انگشت‌گذاری و تغییر ارتفاع صدا وجود ندارد (ترومپت‌ها، هورن‌ها، نوباه‌ها و ترومبون‌های متداول در موسیقی غرب از این قاعده مستثنا هستند زیرا این سازها مکانیسم پیچیده‌ای برای تغییر صداهای مختلف دارند) اما برخی نمونه‌های این هواصداهای روی بدنه یک یا دو سوراخ صوتی دارند که این نمونه‌های محدود در گروه هواصداهای مقید قرار می‌گیرند (در این مورد می‌توان به برخی نمونه‌های بوق صدفی اشاره کرد).

آنچه در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد نوع بوق از جنس صدف حلزونی است که در گذشته در برخی نواحی ایران متداول بوده است. این بوق متعلق به روستای گرمین از دهستان خرقان از توابع شاهرود در استان سمنان است.

بوق صدفی – شاهرود

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری بوق صدفی: این بوق یک صدف حلزونی دوکی شکل است که در قسمت بالایی آن، سوراخ و محفظه کوچکی ایجاد شده تا بتوان در آن دمید. روی بدنه سوراخی نیز برای تغییر صدای بوق ایجاد شده است.



تکنیک اجرایی بوق صدفی: این بوق را مانند سازهای گروه شیپورها و ترومپت‌ها می‌توان به صدا درآورد اما به دلیل ساختار ابتدایی بوق، برای نواختن آن به فشار زیادی نیاز است. سوراخ روی بدنه، صدای بوق را تا حدود نیم تا یک پرده می‌تواند تغییر دهد.



موارد و نوع استفاده بوق صدفی: بوق‌های صدفی در گذشته کاربردهای مختلف از جمله اعلام رویداد یا خبر، داشته‌اند و در اصل یک ساز خبررسان محسوب می‌شده‌اند. این بوق را معمولاً در حمام‌ها، نقاره‌خانه‌ها، کاروانسراها و اماکن دیگر می‌نواخته‌اند و یکی از کاربردهای آن در گذشته‌های دور در موسیقی نظامی، و در چند قرن گذشته در موسیقی مذهبی دسته‌های عزاداری در کنار شیپورها و طبل‌ها بوده است. بوق مورد بررسی ما نیز که وقف مسجد است فقط در مراسم سوگواری محترم استفاده می‌شود.

هواصدای مطلق زبانه‌دار

زبانه یک لایه — لوله صوتی منفرد

نی زبانه‌دار ترکمنی

این نوع هواصدا که روی بدنه‌اش سوراخی برای انگشت‌گذاری و تغییر ارتفاع صدا وجود ندارد، در منطقه ترکمن‌نشین استان گلستان و نمونه‌های دیگری از آن نیز از جنس نی، ساقه جو، گندم، برنج و برخی علف‌ها در بعضی نواحی ایران، به ویژه گیلان و مازندران متداول است. نمونه‌های مختلفی از این هواصدا با طول‌های متفاوتی از پنج تا بیست و پنج سانتی‌متر مشاهده شده‌اند.

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری نی زبانه‌دار: این نی ساختاری مانند زبانه یک لایه دارد اما اندازه آن از زبانه‌های دوزله و نی جُفتی بزرگتر است و ساختمان آن بخش نسبتاً کوتاهی از یک نی باریک است که در قسمتی از آن یک بُرش طولی — که همان زبانه است — ایجاد شده است. لوله این نی از یک طرف باز و از طرف دیگر بسته است.



تکنیک اجرایی نی زبانه‌دار: برای نواختن این نی آن را طوری در دهان می‌گذارند که همه طول زبانه در محفظه دهان واقع شود. سر بسته نی در دهان و سر باز آن در بیرون دهان قرار می‌گیرد و با فشار در آن می‌دمند. معمولاً از کنار هم قرار گرفتن کف دست‌ها و انگشتان محفظه‌ای در جلوی دهان ایجاد می‌شود. با تغییر وضعیت انگشتان و تغییر حجم این محفظه می‌توان صدای حاصل از ارتعاش زبانه را تا حدودی تغییر داد.

موارد و نوع استفاده نی زبانه‌دار: این هواصدا به عنوان یک وسیله سرگرمی توسط کودکان و نوجوانان نواخته می‌شود و از آن به صورت یک ساز حرفه‌ای استفاده نمی‌کنند. نی زبانه‌دار ترکمنی در مقایسه با سایر نمونه‌ها در نواحی دیگر ایران جایگاه خاصی در فرهنگ ترکمن‌های ایران دارد.

هواصداهای مطلق زبانه‌دار

زبانه یک لایه — لوله صوتی چندتایی — با مخزن هوا : خانواده ارگ‌ها و هارمونیوم‌ها یا هواصدا‌های دارای کلاویه و مخزن هوا تاریخ پُر فراز و نشیبی را در اروپا سپری کرده‌اند. این خانواده به رغم تنوع زیادشان ویژگی‌های مشترکی دارند :

- در گروه هواصدا‌های مطلق قرار دارند (زیرا هر زبانه یا لوله صوتی فقط یک صدا تولید می‌کند).
- بخشی از آنها در گروه هواصدا‌های زبانه‌دار قرار دارند (زیرا صدا با ارتعاش زبانه تولید می‌شود) و بخشی دیگر در گروه هواصدا‌های بدون زبانه هستند.
- زبانه‌های متعدد (در نمونه‌های دارای زبانه) یا لوله‌های صوتی متعدد دارند.
- زبانه‌هایشان (در نمونه‌های دارای زبانه) یک لایه‌اند.
- مخزن یا فانوس تأمین‌کننده هوا دارند.

— دارای کلاویه یا شستی هستند و هر کلاویه می‌تواند هوا را به داخل یک زبانه یا لوله صوتی هدایت کند (در نمونه‌های پیشرفته این سازها هر کلاویه به چند زبانه یا لوله صوتی متصل است).

در اروپا نمونه‌های مختلفی از سازهای این گروه وجود دارند که ارگ‌های کلیسا، ارگ‌های دستی، آکاردئون‌ها و نمونه‌هایی از هارمونیوم‌ها از آن جمله‌اند. ساز دهنی (هارمونیوم) نیز از گروه هواصدا‌های مطلق زبانه‌دار با زبانه‌های یک لایه اما بدون مخزن هوا و بدون کلاویه است.

در موسیقی نواحی ایران دو نوع از سازهای این گروه، هارمونی (هارمونی) در بلوچستان و گارمون در آذربایجان شرقی متداول‌اند که در اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرند.

هارمونی (هارمونی) — بلوچستان

اگرچه از رواج هارمونی در بلوچستان ایران بیش از پنج دهه نمی‌گذرد، این ساز توانسته است به ویژه در شهرها و در قالب گروه‌های اجراکننده موسیقی بلوچی در عروسی‌ها جایگاهی هرچند محدود برای خود ایجاد نماید. هارمونی در اصل نوعی ارگ دستی‌ست که ظاهراً در قرن نوزدهم میلادی توسط کشیش‌ها و مبلغین مسیحی اروپایی در هند متداول شد و از طریق ایالت بلوچستان پاکستان به بلوچستان ایران راه یافت.

هارمونی متشکل از یک جعبه، ردیفی از کلاویه‌ها، یک فانوس برای تأمین هوا، تعدادی زبانه و مکانیسم‌هایی برای ورود هوای مخزن به داخل زبانه‌هاست. با گرفتن هر کلاویه یک یا چند زبانه فعال



می شوند و به ارتعاش درمی آیند. یکی از دست های نوازنده فانوس را باز و بسته می کند و دست دیگر وظیفه گرفتن کلاویه ها را عهده دار است. نمونه های مختلفی از این ساز در هند ساخته می شوند که هر کدام از نظر امکانات صوتی با بقیه تفاوت دارند. حدود اجرایی متعارف در هارمونی هایی که غالباً در بلوچستان ایران نواخته می شوند در حدود سه اکتاو است.



صدا های هارمونی تقریباً بر اساس فواصل گام کروماتیک تعدیل شده غربی ست. این ساز در بلوچستان ایران گاه در گروه های اجرا کننده ترانه های سَوت (ترانه های شاد بلوچی)، به ویژه در شهرها نواخته می شود و در پاکستان یکی از سازهای اصلی و تثبیت شده در موسیقی قوالی این کشور است.

گرمون - آذربایجان شرقی



گرمون حاصل تغییراتیست که در جمهوری آذربایجان در آکاردئون برای سازگاری آن با موسیقی آذربایجان ایجاد شده و احتمالاً در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی به موسیقی آذربایجان وارد شده است. گرمون اگرچه حاصل تغییرات در آکاردئون است اما امروزه یک ساز ملی آذربایجان محسوب می‌شود. این ساز در

آذربایجان شرقی نیز متداول شده است. کوک گرمون تقریباً تامپره است اما نیم پرده پایین تر از دیاپازون است و بنابراین یک ساز انتقالی محسوب می‌شود. وسعت صوتی گرمون در حدود دو اکتاو و چند نت، و مانند هارمونی یک ساز کروماتیک است.

گرمون ساختاری شبیه آکاردئون دارد و متشکل از یک فانوس برای تأمین هوای ساز و دو جعبه در دو طرف فانوس است. جعبه سمت راست کلاویه‌هایی مانند پیانو، و جعبه سمت چپ کلاویه‌هایی دکمه‌مانند دارد. داخل هر دو جعبه مکانیسم‌هایی برای به صدا درآوردن زبانه‌ها وجود دارد. هر کلاویه به چند زبانه متصل است. ردیف زبانه‌ها به پلانکا معروف است و در گرمون چهار، پنج یا شش پلانکا وجود دارند. تکنیک اجرایی گرمون تا حدودی با آکاردئون متفاوت است. وظیفه این ساز در درجه نخست اجرای ملودی‌ست. دکمه‌های سمت چپ گرمون برخلاف آکاردئون فقط امکان اجرای یک صدا را بر عهده دارند که این صدا نوعی واخوان محسوب می‌شود.



هواصداهای مطلق با دهانه پیااله

از هواصداهای مطلق با دهانه پیااله‌ای یا شبه پیااله‌ای نمونه‌های مختلفی در نواحی ایران با نام‌ها، جنس‌ها، شکل‌ها و کارکردهای گوناگون مشاهده می‌شوند. نمونه‌های متفاوتی از این سازها در گیلان، مازندران، بوشهر و بعضی نواحی دیگر متداول بوده یا هنوز هستند. در اینجا به بررسی اجمالی گرنای گیلان، گرنای مازندران، بوق بوشهر، نفیر و شیپور می‌پردازیم.

گرنای گیلان

این گرنا از نظر اندازه بلندترین هواصدای ایران است و ساختمان و جنس آن با جغرافیای طبیعی گیلان انطباق کامل دارد. گرنای گیلان از قدیمی‌ترین و ابتدایی‌ترین سازهای هواصدا در نواحی مختلف ایران است.



ویژگی‌های ظاهری و ساختاری گرنای گیلان:

این گرنا متشکل از لوله صوتی (بدنه)، دهانی (محل دمیدن) و انتهای خمیده یا عصامانند است. لوله صوتی گرنا از جنس نی آبی‌ست که به «گرلوله» یا «ازیت لوله» معروف است و دو تا چهار متر (و گاه بیشتر) طول دارد. معمولاً برای استحکام بیشتر، پوششی از بُرده‌های بلند نی روی لوله اصلی با بند پیچیده می‌شوند. انتهای عصبایی شکل و خمیده گرنا (محل خروج صدا) از جنس نوعی کدوست که به آن «کدون» می‌گویند. این قسمت خمیده توسط یک قسمت رابط دیگر از جنس کدو که «کرنی گل» نامیده می‌شود، «کدون» را به «گرلوله» متصل می‌کند. دهانی گرنا را «کرنی پیشه» می‌نامند و از جنس نی یا چوب و فاشقی شکل است.

تکنیک اجرایی گرنای گیلان: ساختار دهانی و طول بودن لوله صوتی گرنا باعث می‌شود

برای به صدا درآوردن آن نیروی زیادی به کار گرفته شود. چون این گرنا فاقد سوراخ‌های صوتی بر روی بدنه است تولید صداهای مختلف از آن با پیروی از قانون اصوات هارمونیک در لوله‌های صوتی میسر

است و به این ترتیب علاوه بر صدای پایه، صداهاى اکتاو، پنجم و چهارم نیز نسبت به صدای مبنا از این ساز به دست می‌آیند. نواختن گرنای گیلان با تکنیک نفس‌برگردان میسر نیست و زمان نواختن آن هم نمی‌تواند طولانی باشد زیرا وزن گَرنا و تحمل فشار زیاد برای نواختن آن نوازنده را زود خسته می‌کند. صدای این ساز بم و گرفته است و هم‌نوازی چند گَرنا نوعی هوموفونی مطبوع تصادفی ایجاد می‌کند.



موارد و نوع استفاده گرنای گیلان : در قدیم از این گَرنا به عنوان وسیله خبررسانی استفاده

می‌کردند اما امروزه فقط در مراسم عزاداری محرم و سایر مراسم سوگواری و گاه تعزیه استفاده می‌شود. گرنای گیلان را معمولاً به‌طور گروهی می‌نوازند. گروه گرنانوازان حدود ده گرناجی هستند که یک نفر سرگروه و هدایت‌کننده بقیه نوازندگان است. سرگروه را «سرگرناجی» و بقیه نوازندگان را «واگیر» می‌گویند. انتخاب و شروع مطلب با سرگرناجی‌ست. نوازندگان در ذهن خود اشعاری دارند که آن را به اصطلاح در گَرنا می‌خوانند و در واقع ریتم شعر را با دو یا سه صدای گَرنا اجرا می‌کنند. مراسم گرنانوازی به صورت ایستاده یا در حال حرکت برگزار می‌شود.

کَرنا – مازندران

این کرنا در مقایسه با نمونه‌های دیگر کرنا و حتی سایر هواصداها از نظر جنس و ساختمان منحصر به فرد و به گونه‌ای است که با جغرافیای طبیعی مازندران انطباق کامل دارد و به نظر می‌رسد از ابتدایی‌ترین و قدیمی‌ترین نمونه‌های هواصدا در نواحی ایران باشد.

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری کَرناي مازندران: این کرنا



ظاهری ماریچی از جنس پوست درخت دارد و برای ساختن آن، نواری از پوست بعضی درختان را در فصل بهار به صورت ماریچ از درخت جدا می‌کنند و این نوار پس از جدا شدن از درخت به‌طور طبیعی به‌صورت لوله‌ای قیف‌مانند درمی‌آید. برای ثبات بدنه معمولاً تیغ‌هایی را در چند نقطه داخل پوست می‌کنند. سر باریک این بدنه محل دمیدن است که اگرچه شکل پیاله‌ای ندارد اما نحوه به‌صدا درآوردن آن مانند هواصداها با دهانه پیاله‌ای است. گاه بر سر این کرنا زبانه‌ای دولایه می‌گذارند که در این وضعیت در گروه هواصداها زبانه‌دار قرار می‌گیرد.

موارد و نوع استفاده کَرناي مازندران: از این هواصدا دامداران مناطق جنگلی مازندران در گذشته برای پیام‌رسانی استفاده می‌کردند. این کرنا معمولاً به تنهایی نواخته می‌شده و در همه فصل‌ها امکان ساختن آن فراهم نبوده است. بهترین فصل برای جدا کردن پوست از تنه درخت، فصل بهار است که پوست شاداب است و به راحتی از درخت جدا می‌شود.



بوق — بوشهر

این نوع بوق، شاخ پیچ‌دار بلند نوعی گوزن است که کمتر در ایران یافت می‌شود و معمولاً از آفریقا یا هند به این ناحیه آورده شده است. بوق بوشهر و نفیر از نظر ساختار و جنس در یک گروه قرار می‌گیرند.

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری بوق بوشهر : این بوق، شاخ پیچ‌دار بلندی است که داخل آن



خالی شده و در نقطه‌ای نزدیک به نوک شاخ سوراخی برای دمیدن ایجاد شده است. بوق بوشهر به خاطر اهمیتی که در فرهنگ مذهبی بوشهر دارد سازی مورد احترام محسوب می‌شود. غالباً روی بدنه بوق تزییناتی از جنس نقره نصب می‌کنند. بعضی بوق‌های بوشهر شکل ماریچی ندارند و منحنی‌اند.

تکنیک اجرایی بوق بوشهر : به خاطر ساختار ابتدایی این ساز، به صدا درآوردن آن مشکل و همراه با تحمل فشار زیاد است و هیچ نوازنده‌ای نمی‌تواند زمانی طولانی آن را بنوازد. معمولاً در مراسمی که از این ساز استفاده می‌کنند بوق در دست نوازندگان مختلف می‌چرخد و آنها جا عوض می‌کنند. نوازنده بوق را افقی در مقابل دهان می‌گیرد و با فشار در سوراخ روی بدنه می‌دمد. دهانی بوق بوشهر اگرچه شکل پیاله‌ای ندارد اما شیوه نواختن آن مانند هواصداها با دهانه پیاله‌ای است. صدای این بوق متناوب است و از این رو برای نواختن آن از تکنیک نفس برگردان استفاده نمی‌کنند.



موارد و نوع استفاده بوق بوشهر : امروزه بوق بوشهر را فقط در مراسم سنج و دَمّام که در ماه‌های محرم و صفر برگزار می‌شود می‌نوازند. این مراسم مذهبی ماهیت اطلاع‌رسانی دارد و مردم با شنیدن صدای سازها (سنج‌ها، دَمّام‌ها و بوق) از شروع مراسم سوگواری مطلع و در مسجد محل جمع می‌شوند. گروه اجراکننده، تعدادی نوازنده دَمّام با سه کارکرد مختلف (دَمّام معمولی، دَمّام غمّبر و دَمّام اِشکون)، تعدادی نوازنده سنج و یک نوازنده بوق هستند. در سنت موسیقی مذهبی بوشهر تعداد دَمّام‌ها و سنج‌ها باید فرد باشد. این گروه در حال حرکت و با رعایت آداب خاصی به نواختن می‌پردازند. هر مسجد گروه و سازهای خاص خود را دارد.

در گذشته از این بوق برای اعلام شروع مراسم لیوا در جزیره خارک نیز استفاده می‌کردند و این رسم تا حدود هشتاد سال پیش پابرجا بوده است.



ویژگی‌های ظاهری و ساختاری : نفیر نوعی

بوق شاخی ست که گاه به آن «شاخ نفیر» یا «بوق نفیر» نیز می‌گویند. این هواصدا که امروزه منسوخ شده، یک شاخ منحنی ست که داخل آن خالی شده و در سر آن سوراخی برای دمیدن ایجاد شده است. نفیر را از شاخ حیوانات مختلف، از جمله گوزن، بز کوهی، گاو و ... می‌ساختند.

این ساز غالباً منحنی شکل و بدنه آن فاقد سوراخ صوتی برای تغییر ارتفاع صداست.

تکنیک اجرایی نفیر : نفیر نیز مانند دیگر هواصداها با دهانه پیاپی به صدا درمی‌آید.

صرف نظر از اینکه نفیر دارای دهانه پیاپی باشد یا نباشد، به خاطر ساختار ابتدایی اش، به صدا درآوردن



آن مشکل و همراه با تحمل فشار زیاد است. زیر یا به بودن صدای نفیر بستگی به طول و قطر لوله صوتی شاخ دارد. صداها تولید شده با این ساز از قانون اصوات هارمونیک در لوله‌های صوتی پیروی می‌کنند و علاوه بر صدای مینا، ایجاد صداها دیگر در فاصله‌های پنجم، چهارم، اکتاو و ... نیز با آن میسرند. صداها تولید شده با نفیر متناوب‌اند و در نواختن آن از تکنیک نفَس‌برگردان استفاده نمی‌شود.

موارد و نوع استفاده نفیر : نفیر در گذشته برای اعلام حضور، پیام‌رسانی، دور کردن حیوانات

وحشی از کشتزارها و نیز در آیین قلندری و درویشی استفاده می‌شده است. در این آیین، درویشان در زندگی خانه به‌دوشی و در سفر ملزوماتی را دائماً به همراه داشتند که عبارت بودند از : نفیر، کشکول، مُنَشَا، تبرزین، زُنار، رشته کلاه، کلاه (تاج)، اره‌نهنگ، کفن، سنگ تسلیم و سنگ قناعت. در این میان نفیر جنبه اطلاع‌رسانی داشته و درویش گاه برای اعلام حضور خود و گاه نیز برای تظلم‌خواهی از درگاه خداوند نفیر می‌نواخته است. این رویه، به‌ویژه در میان سلسله خاکسار بیشتر معمول بوده است. از نفیر در نقاره‌خانه‌ها و نیز به‌عنوان ساز رزمی در میدان جنگ هم استفاده می‌کردند.

شیپور



ویژگی‌های ظاهری و ساختاری: شیپور نوعی بوق فلزی از

جنس برنج یا آلیاژهای مشابه است که از گذشته‌های دور تا امروز مورد استفاده بوده است. بوق‌های برنجی، گرنای‌های بلند نقاره‌خانه‌ها، کرمیل‌ها و انواعی از گرنای‌ها از خانواده شیپورها محسوب می‌شوند. سازهای این خانواده اگرچه از نظر شکل و اندازه و کارکرد با هم اختلاف دارند اما ویژگی‌های مشترک زیر باعث هم خانواده شدن آنها می‌شود:

— جنس بدنه این سازها فلزی است.

— دهانه (محل دمیدن) آنها پیاله‌ای یا شبه پیاله‌ای است.

— بیشتر آنها دارای دهانه شیپوری در انتهای لوله صوتی هستند.

— طول لوله صوتی‌شان نسبتاً طویل است.

— کاربردشان بیشتر خبررسانی و رزمی بوده است.

بدنه سازهای این گروه، لوله صوتی بلندی است که قطر آن از سر به ته تدریجاً افزایش می‌یابد و در انتها به دهانه شیپوری ختم می‌شود. طویل بودن لوله صوتی باعث شده که در بعضی نمونه‌ها برای کاستن از حجم ساز، لوله را یک یا چند بار خم کنند. از این رو در بررسی سازهای این گروه با شکل‌های مختلفی مانند بدون خم (مستقیم)، با یک خم و با دو یا چند خم مواجه می‌شویم. خم کردن لوله صوتی باعث می‌شود یک شیپور با طول تقریبی دو متر، به طول حدود سی سانتی متر تغییر وضعیت دهد.

تکنیک اجرایی شیپور: تکنیک اجرایی سازهای گروه شیپورها مانند تکنیک اجرایی همه

سازهایی است که دهانه پیاله‌ای شکل دارند. صداهای سازهای این گروه متناوب‌اند و در نواختن آنها از تکنیک نفس‌برگردان استفاده نمی‌شود.



موارد و نوع استفاده شیپور : انواعی از سازهای این گروه در قدیم، در نفاخه‌خانه‌های حکومتی و مذهبی با نام‌هایی چون گَرنا، بوق، کرمل و ... نواخته می‌شدند و برخی دیگر در جنگ‌ها اجرای موسیقی جنگی را بر عهده داشتند. در گروه‌های اجراکننده موسیقی مذهبی و تعزیه نیز از انواعی از این سازها استفاده می‌شود. به‌طور کلی می‌توان گفت شیپورها غالباً نقش خبررسانی یا تهییج را بر عهده داشته‌اند. سازهای بادی برنجی اروپایی، از جمله ترومپت‌ها، هورن‌ها، ترومبون‌ها و توباها حاصل تغییر و تحولاتی هستند که در سازهای خانواده شیپور ایجاد شده‌اند.



تمرین‌های فصل دوم - بخش چهارم

هواصداها (آیروفون‌ها)

۱- رده‌بندی کلی هواصداها را توضیح دهید.

۲- هواصدای آزاد یعنی چه؟

۳- هواصدای مقید یعنی چه؟

۴- هواصدای مطلق یعنی چه؟

۵- نی در چه گروه از هواصداها قرار می‌گیرد؟

۶- مناطق مختلف صوتی نی را بنویسید.



۷- موارد و نوع استفاده از نی در نواحی مختلف ایران را توضیح دهید.

۸- نی در مناطق مختلف ایران از چه موادی ساخته می‌شود؟

۹- تکنیک اجرایی نی لبک را توضیح دهید.

۱۰- حدود اجرایی نی لبک را بنویسید.



- ۱۱- خصوصیات اصلی سازهای خانواده سوتک را توضیح دهید.
- ۱۲- دوزله کردستان در چه گروهی از هواصداها قرار می گیرد؟
- ۱۳- ویژگی های ظاهری و ساختاری دوزله کردستان را توضیح دهید.
- ۱۴- حدود اجرایی دوزله را بنویسید.



- ۱۵- سازهای خانواده دوزله از چه موادی ساخته می شوند؟
- ۱۶- حدود اجرایی نی جفتی هرمزگان را بنویسید.



- ۱۷- ویژگی های ظاهری و ساختاری نی انبان را توضیح دهید.
- ۱۸- نی انبان در چه گروهی از هواصداها قرار می گیرد؟
- ۱۹- حدود اجرایی نی انبان بوشهر را بنویسید.



- ۲۰- سرنا در چه گروهی از هوا صداها قرار می گیرد؟
- ۲۱- سرناهای مناطق شرقی ایران چه تفاوت هایی با سرناهای نواحی دیگر ایران دارند؟
- ۲۲- حدود اجرایی سرناي شرق خراسان را بنویسید.



- ۲۳- حدود اجرایی سرناي کرمانشاه را بنویسید.



۲۴- کرنای فارس در چه گروهی از هواصداها قرار می‌گیرد؟

۲۵- حدود اجرایی کرنای فارس را بنویسید.



۲۶- بالابان آذربایجان در چه گروهی از هواصداها قرار می‌گیرند؟

۲۷- ویژگی‌های ظاهری و ساختاری بالابان آذربایجان را توضیح دهید.

۲۸- حدود اجرایی بالابان آذربایجان را بنویسید.



۲۹- هارمونی (هارمونا) در بلوچستان در چه گروهی از هواصداها قرار می‌گیرد؟

۳۰- ویژگی‌های ظاهری و ساختاری اصلی هارمونا را توضیح دهید.

۳۱- گارمون آذربایجان شرقی در چه گروهی از هواصداها قرار می‌گیرد؟

۳۲- ویژگی‌های ظاهری و ساختاری اصلی گارمون را توضیح دهید.

۳۳- ویژگی‌های ظاهری و ساختاری کرنای گیلان را توضیح دهید.

۳۴- موارد و نوع استفاده از کرنای گیلان را توضیح دهید.

۳۵- ویژگی‌های ظاهری و ساختاری کرنای مازندران را توضیح دهید.

۳۶- ویژگی‌های ظاهری و ساختاری بوق بوشهر را توضیح دهید.

۳۷- موارد و نوع استفاده از بوق بوشهر کدام است؟

۳۸- بوق بوشهر، کرنای گیلان و کرنای مازندران هرکدام در چه گروهی از هواصداها قرار

می‌گیرند؟

۳۹- نفیر در چه گروهی از هواصداها قرار می‌گیرد؟

۴۰- موارد و نوع استفاده از نفیر را توضیح دهید.

۴۱- کرنای گیلان، کرنای مازندران، بوق بوشهر و نفیر هرکدام از چه موادی ساخته می‌شوند؟

